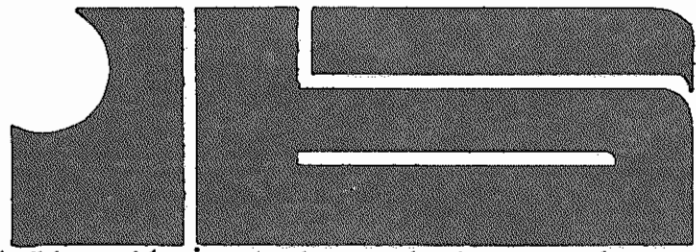


مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سال سوم - سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۰ (اکثریت) ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۳-۱۰-۲۴ صفحه - ۳۰ ریال

با آشکارتر شدن رابطه قاسملو با رژیم عراق

# باند قاسملو هرچه بیشتر منزوی می شود

در صفحه ۹

رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه ترکور و مرکور، جهانگیر اسماعیلزاده عضو کمیته مرکزی و مسئول سومای برادوست، قادر عیدی عضو کمیته مرکزی و مسئول سابق پیرانشهر و سنارمادی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه انزل و سلماس به همراه گروهی از مسئولین، اعضاء و پیشمرگان صادق کرد جدائی خود را از باند قاسملو اعلام کردند. آنها طی اطلاعیه‌هایی اعلام داشتند که سیاست پشتیبانی از انقلاب ایران و حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان را در چهارچوب جمهوری اسلامی می‌پذیرند و تنها چنین سیاستی را سیاستی منطبق بر منافع انقلاب ایران و منافع خلق کرد می‌شناسند.

بیانیه ۱۰ ماده‌ای آیت الله خمینی، اقدامی در جهت

# تخفیف کشمکش میان نیروهای جمهوری اسلامی همراه با حفظ رهبری "خط امام"

در آستانه سومین سال سیاسی تازه‌ای هستند که رئیس جمهور با دیگر مقامات تاسیس جمهوری اسلامی مهمترین نتیجه آن تخفیف طرازا اول جمهوری اسلامی است ایران مردم ما شاهد تحولات تشنج و درگیری‌های سیاسی بقیه در صفحه ۲

سام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) به

# اتحادیه کارگران نیکاراگوئه (C-S-T) به مناسبت برگزاری کنفرانس همبستگی بین‌المللی (۲۰ مارس)

رفقای رهبری و اعضای اتحادیه کارگران! همبستگی بین‌المللی با اتحادیه کارگران نیکاراگوئه! اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی پذیرید. طبقه کارگر قهرمان نیکاراگوئه که نقشی سترگ در به مناسبت برگزاری "کنفرانس انقلاب رهائی بخش و

بقیه در صفحه ۲۳

# مردم امیرانتظام و همه دوستان برژینسکی را محکوم می‌شناسند

محاکمه امیرانتظام، محاکمه لیبرالهای ایران و همه دوستان و جاسوسان امریکا در میهن ما است. تلاش مذبحخانه بازرگان و دیگر دوستان برژینسکی برای تبرئه امیرانتظام، جزئی از نقشه امریکا برای روی کار آوردن یک "دولت میانه رو" است. دوستان برژینسکی برای تبرئه امیرانتظام، علیه "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" و همه نیروهای مدافع استقلال و آزادی تبلیغات گسترده‌ای را سازمان داده‌اند. تبلیغات دوستان و جاسوسان امریکا را خنثی کنیم و تلاش آنها را درهم شکنیم.

یاد شهید قاضی محمد فرزند راستین خلق گرامی باد.

در روز دهم فروردین ۱۳۲۶ قاضی محمد رهبر جنبش ملی خلق کرد همراه دو هم‌رزم قهرمانش سیف قاضی و صدر قاضی در میدان "جوارجرای" شهر مهاباد به‌دار آویخته شد. بقیه در صفحه ۸

تصفیه سپاه پاسداران  
از عناصر ترقیخواه  
خواست امپریالیسم است  
در صفحه ۱۷

با شرکت در راهپیمایی سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران

# وحدت خلق علیه امپریالیسم را تحکیم بخشیم!

هم‌میهنان مبارز!

دشمنان خلق ما و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا توطئه‌گرانه کوشیده‌اند

وحدت صفوف خلق ما را برهم زنند و انقلاب مردم ما و دستاوردهای آن را نابود سازند.

در سومین سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) به منظور تحکیم صفوف خفتان که صحنه پایداری از انقلاب است، در راهپیمایی بزرگداشت این روز (۱۲ فروردین ۱۳۶۰) شرکت می‌کند و از همه هم‌میهنان دعوت می‌نماید که با شرکت در این راهپیمایی، آوازه نعلی قدرت و اتحاد خلق علیه امپریالیسم مبدل سازند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)  
یکشنبه ۹ فروردین ماه ۱۳۶۰

ت-۳۲

در این شماره:

جنبش کارگری ایران

در صفحه ۶

کارگران کارخانه کربن:

«حرکت چرخ‌های کارخانه (نداوم نولسد)»

توطئه لیبرال‌ها را در هم شکست»

جنبش دهقانی ایران

در صفحه ۷

بند «ج» قانون اصلاحات ارضی

باید اجراء گردد

# متحد شویم!

# تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم!

بقیه از صفحه ۱

### بیانیه ۱۰ ماده‌ای آیت‌الله خمینی...

روز ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در دانشگاه تهران فضای آکنده از هیجان و تحریک در حالیکه هواداران و مدافعان سرشناس و گمنام آقای رئیس‌جمهور برایشان هورامی کشیدند، بنی‌صدر آشکارتر از همیشه نهادهای قانونی جمهوری اسلامی را زیر ضرب گرفته بود.

میلیون‌ها تن در سراسر ایران از طریق تلویزیون مشاهده کردند که چگونه رئیس‌جمهور در غربی کف‌زدن‌های هواداران جریان‌های سیاسی که مردم را به سرنگونی جمهوری اسلامی ایران ترغیب می‌کنند، مشروعیت قانونی عالی‌ترین ارکان‌های حاکمیت خط امام را مورد سؤال قرار داد.

این امر انعکاس وسیعی در حکومت جمهوری اسلامی و سراسر جامعه داشت و بحران سیاسی فزاینده‌ای را که در تمامی ابعاد در حال گسترش بود، دامن زد.

عنصر اصلی در تعرض سیاسی رئیس‌جمهور در ماه‌های اخیر زیر سؤال قرار دادن موجودیت قانونی بسیاری از ارکان‌های اصلی جمهوری اسلامی بود.

رئیس‌جمهور در سخنرانی‌های خود و هم در مقالات و یادداشت‌هایش در روزنامه انقلاب اسلامی این خط اصلی را تعقیب می‌کرد و در حد خود مشوق جریان‌هایی بود که شعارهایی مبنی بر سرنگونی دولت رجائی می‌دادند. کشمکش میان بنی‌صدر با سایر نهادهای قانونی جمهوری اسلامی مثل مجلس، قوه قضائیه، دولت و غیره کار را به جایی کشانده بود که بنی‌صدر قانونی بودن آنها، و آن نهادها نیز مشروعیت بنی‌صدر را زیر علامت سؤال کشیده بودند پس از واقعه ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، کشمکش میان رئیس‌جمهور و قوه قضائیه که در صدد بود بنی‌صدر را به‌خاطر وقایع دانشگاه به پای میز محاکمه کشاند، وارد مرحله‌ای شده بود که ادامه آن می‌توانست به درگیری همه‌جانبه بنی‌صدر و یاران او با نیروهای موسوم به خط‌امام منجر گردد.

چنین وضعیتی، مطلوب امپریالیسم و لیبرالها بود و نمی‌توانست موجب نگرانی عمیق نیروهای مردمی و مدافع انقلاب نباشد. چنین شکافی در جمهوری اسلامی ایران آن هم در شرایطی که به تحریک امپریالیسم آمریکا، رژیم صدام جنگ جنایتکارانه‌ای را بر مردم ما تحمیل کرده است نهنها جمهوری را در مقابل با رژیم صدام ناتوان و شکست‌پذیر می‌ساخت بلکه ضدانقلاب داخلی را نیز که امروز سازمان‌یافته‌تر و مجهزتر از هر زمانی برای شکست انقلاب خونبار مردم ایران خیر برداشته است، بیش از هر زمانی تقویت می‌کرد و در خوشبینانه‌ترین ارزیابی‌ها با افزایش تشنج و ناآرامی‌های سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی را گسترش می‌داد. به درگیری‌ها دامن می‌زد، دشمن اصلی مردم - امپریالیسم آمریکا - را از زیر ضرب خارج می‌کرد انقلاب را از حرکت باز می‌داشت و مسیر انقلاب را به دلخواه امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت آن به انحراف می‌کشانید.

وقایع ۱۴ اسفند دانشگاه تهران و پی‌آمدهای آن، اقدام عاجل و سنجیده‌ای را برای تقویت قدرت مقاومت و مقابله انقلاب با چنین خطرات بزرگی که آن را تهدید می‌کرد، الزام‌آور می‌ساخت. باید تدبیری اندیشیده می‌شد که تمامی نیروهای طرفدار استقلال ایران در حکومت به‌جای تشدید تضادهای خود، به‌گونه‌ای که به تحکیم "خط‌امام" منجر گردد در راه وحدت کام بردارند و یکی از خطرناک‌ترین شرفندهای امپریالیسم و سیاستمداران لیبرال را خنثی کنند.

در چنین شرایطی بود که بیانیه ده ماده‌ای "امام" در آخرین ساعات ۲۵ اسفندماه ۵۹ صادر شد. با صدور بیانیه که بدون تردید با مقدمات و تمهیداتی همراه بود، بحران آشکارا فروکش کرد و این فرصت مغتنم برای دولت رجائی فراهم آمد تا در پرداختن به مشکلات اساسی مردم که مسائل اساسی انقلاب ایران است، با دغدغه کمتری به صلاح‌اندیشی و چاره‌جویی بنشیند.

### مضمون بیانیه ده ماده‌ای ۲۵ اسفند

آیت‌الله خمینی در بندهای ۱ و ۲ بیانیه با تأکید بر رعایت قانون اساسی و نظارت مطلق آن بر فعالیت مقامات و نهادهای جمهوری بر مشروعیت قانونی "مقامات فعلی ریاست جمهوری، دولت، ریاست دیوان عالی، دادستان کل کشور، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان" تأکید می‌ورزد و اعلام می‌دارد "کسی حق ندارد در مصاحبه‌ها و نطق‌ها و رسانه‌ها به یکی از این مقامات توهین و با آنان را تضعیف نماید و متخلف به ملت معرفی و مورد مواخذه قرار می‌گیرد."

در این قسمت از بیانیه بر موقعیت قانونی رئیس‌جمهوری تأکید می‌شود اما بنی‌صدر از یکی از مهم‌ترین مواضع سیاسی کنونی خود به عقب رانده می‌شود و ملزم می‌گردد که به مشروعیت قانونی حاکمیت دولت رجائی و دیگر نهادهای اصلی جمهوری اسلامی گردن بگذارد. امری که در ماه‌های اخیر از جانب رئیس‌جمهور در سطح وسیع و گسترده‌ای و به نحو آشکاری زیر پا گذاشته شده و مسیر متضادی را طی می‌کرد.

از طرف دیگر در بند ۳ و ۴ و به ویژه بند ۵ بیانیه امام، موقعیت رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده کل قوا تحکیم می‌یابد.

به‌خاطر داریم که بنی‌صدر بارها عضویت رئیس‌مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس - حجت‌الاسلام محمدمنتظری و پرورش نماینده اصفهان را در شورای عالی دفاع نقض قانون اساسی اعلام کرد و حتی در مواردی به همین دلیل از حضور در شورای عالی دفاع سر باز زد.

بند ۴ بیانیه آیت‌الله خمینی بر این خواست رئیس‌جمهور، با ظرافت سیاسی خاصی که تنها برای فعالین سیاسی به سرعت قابل درک است، صحنه می‌گذارد و اعلام می‌کند که: "شورای عالی دفاع به نحوی که در قانون اساسی است معمول می‌شود." این جمله به معنی آن است که رئیس‌مجلس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی از این پس دیگر سمتی در شورای عالی دفاع برعهده نخواهند داشت.

بند ۵ بیانیه امتیاز بزرگی برای رئیس‌جمهور قائل می‌شود. در این بند گفته شده است "مسائل دفاع در شورا مطرح و رسیدگی می‌شود و پس از تصویب، تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند."

در این بند بطور آشکاری به رئیس‌جمهور عملاً اجازه داده شده است که مصوبات شورای عالی دفاع را به نوعی "وتو" نماید و چنانچه مایل بود، از اجرای مصوبات شورای عالی دفاع ممانعت به عمل آورد و یا دست کم اجرای آن را به تعویق اندازد.

درست است که تحکیم موقعیت رئیس‌جمهور در شورای عالی دفاع و مآلاً در نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران در عین حال ناظر بر توجه مسئولانه بر ضرورت تحکیم موقعیت نیروهای مسلح و تأمین وحدت فرماندهی در شرایط جنگی کنونی است و در اساس بر منافع انقلاب تأکید دارد و باید با توجه به اهمیت پیروزی ایران در جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه رژیم صدام که به تشویق امپریالیسم آمریکا برای به زانو درآوردن انقلاب ایران، تأمین منافع امپریالیسم و تقویت دولت‌های ارتجاعی منطقه به مردم ما تحمیل شده است، مورد ارزیابی قرار گیرد، اما این مانع از آن نیست که خطراتی را که از این رهگذر انقلاب خونبار مردم ایران را تهدید می‌کند، مندرک نگردیم و مهم‌تر از آن اینکه اگر درست است که بر اساس همین بیانیه، "معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است" باید انطباق تفویض چنین قدرتی به رئیس‌جمهور با قانون اساسی مورد تدقیق قرار گیرد.

دیگر بندهای بیانیه بطور مشخص بر تخفیف درگیری و تشنج سیاسی تأکید دارد و برای مهار بحران فزاینده سیاسی است. بندهای ۷ و ۸ بیانیه دارای اهمیت تاکتیکی قابل تأکیدی است و رئیس‌جمهور را در استفاده از بخشی از امکاناتش در زمینه بسیج نیرو علیه رقبایش موقتاً محدود می‌سازد. بیانیه در عین حال برای مهار یکه‌تازی‌ها و قانون-شکنی‌ها و خودسری‌های بسیاری از مقامات جمهوری که زیر نام دفاع از "انقلاب" و "خط‌امام" عملاً علیه

انقلاب و "خط‌امام" اقدام میکنند، تمهیدات لازم را فراهم آورده و امکانات قانونی را در اختیار می‌گذارد.

امروز آشکار است که بخشی از ناآرامی‌های سیاسی محصول اقدامات خودسرانه و قانون‌شکنانه محافل منتسب به "خط‌امام" و به‌ویژه "حزب جمهوری اسلامی" است. بیانیه به این خودسری‌ها که آب به آسیاب امپریالیسم و لیبرالها می‌ریزد و ضربات سختی به وحدت توده‌های مردم در دفاع از انقلاب وارد آورده، توجه داشته و درصدد مقابله با آن است.

یک بررسی کاملاً عینی از وضعیت طبقات و مرحله تکامل انقلاب ایران نشان می‌دهد که تا چه میزان سیاستی که می‌کوشد رئیس‌جمهور را علیرغم تمایزات او با سیاستمداران لیبرال که فاقد هرگونه گرایش ضد امپریالیستی هستند، به آغوش لیبرالها سوق دهد، سیاستی نادرست و به زیان انقلاب است.

همچنان که بارها تأکید کرده‌ایم، گرایشی که بخواهد رئیس‌جمهور را با لیبرالها یکی کند و او را از صف نیروهای استقلال و آزادی براند، گرایشی خطرناک و به زیان انقلاب است. هل دادن نیروهای ملی به خارج از جبهه نیروهای طرفدار انقلاب صرفاً در خدمت تضعیف جبهه انقلاب و تقویت دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد و خواست امپریالیسم است. در برابر گرایش مذکور، گرایش بغایت نادرست دیگری وجود دارد که عملاً در جهت سرکردگی رئیس‌جمهور در جنبش خلق و در حکومت جمهوری اسلامی تلاش می‌کند. (چنین گرایشی در برخی از روحانیون، در برخی نمایندگان مجلس و در سازمان مجاهدین خلق مشاهده می‌گردد.)

پیام آیت‌الله خمینی در واقع با هر دوی این گرایش‌ها مقابله می‌کند و بر موارد زیر تأکید دارد:

۱- تلاش در جهت تقویت وحدت نیروهای استقلال و آزادی در حکومت جمهوری اسلامی و نگهداشتن رئیس‌جمهور در صف این نیروها.

۲- تلاش در جهت حفظ موقعیت برتر آیت‌الله خمینی و نیروهای خط‌امام در حکومت جمهوری اسلامی و اعمال هژمونی بر رئیس‌جمهور و یاران او.

از این نظر پیام آیت‌الله خمینی ماهرانه و سنجیده است و تقریباً می‌توان گفت که ایشان در این شرایط و در این زمینه مناسب‌ترین تصمیم ممکن را برای تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی در برابر رژیم صدام و بطور کلی در برابر جبهه ضدانقلاب گرفته است. تصمیم ایشان دست‌کم تا پایان جنگ از شدت و حدت تضاد میان جناح‌های مختلف جمهوری اسلامی جلوگیری می‌کند.

اگر حکومت جمهوری اسلامی همین سیاست را نه فقط برای نیروهای درون حاکمیت بلکه نسبت به کل نیروهای ماهیتاً ترقیخواه و ملی در پیش می‌گرفت، قطعاً چنین سیاستی می‌توانست یکی از مهم‌ترین موانعی را که امروز در راه وحدت همه نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران پدید آمده است، از سر راه بردارد. همان‌گونه که تشدید تضاد میان بنی‌صدر و خط‌امام در حکومت موجب تضعیف جبهه انقلاب می‌شود، قطعاً تشدید تضاد میان خط‌امام و سازمان مجاهدین خلق ایران نیز که فعلاً برای مقابله با سیاست‌های نادرست خط‌امام در کنار لیبرالها قرار گرفته، سخت موجب تضعیف انقلاب و تقویت لیبرالها می‌گردد. سازمان مجاهدین که ماهیتاً نیروی خلقی و ملی است، امروز در مقابله با سیاستی که آزادی‌های سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی نمی‌پذیرد، بر مبنای تحلیلی نادرست سیاستی نادرست در پیش گرفته است. به اعتقاد ما تأمین و تضمین آزادی‌های سیاسی در چهارچوب قانون اساسی می‌تواند گامی بزرگ در راه تصحیح سیاست‌های سازمان مجاهدین، خط‌امام و سایر نیروهای درون جبهه خلق گردد و از همین رو است که ما بر لزوم برداشتن گام‌های بلندتری از طرف آیت‌الله خمینی و جمهوری اسلامی برای تحکیم وحدت خلق تأکید می‌کنیم.

بهر حال آنچه که از تحولات سیاسی اخیر برای انقلاب ایران حائز اهمیت است، این است که در مقابل سیاست "تشنج‌فزائی" که سیاست امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت آن است، سیاست تخفیف

بقیه در صفحه ۲۳

# چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت هفتم)

## سیاست قطع وابستگی صنعت اتوموبیل چگونه باید باشد؟

در شماره پیشین صنعت اتوموبیل سازی را به عنوان نمونه ای از صنایع وابسته مورد بررسی قرار دادیم. دیدیم این صنعت در پیوندهای گسترده و عمیقی با انحصارات امپریالیستی قرار دارد. همچنین دیدیم این انحصارات از طریق این پیوندها ثمره کار کارگران و زحمتکشان میهن را چپاول کرده و بروابستگی اقتصادی جامعه ما افزوده اند. راه مقابله با این انحصارات چیست چگونه می توان در جهت برپایی صنعتی مستقل که رشد آن در جهت رشد بخشیدن به نیروهای تولید ملی باشد و نیازهای مردم میهن و نه سود انحصارات امپریالیستی را تامین کند، پیش رفت نخستین این موضوع را در مورد صنعت اتوموبیل سازی (تولید اتوموبیل سواری، اتوبوس و کامیون) که به عنوان نمونه برگزیده ایم دنبال می کنیم و سپس به بحث درباره سیاستی که می تواند صنایع کشور را در جهت استقلال پیش برد، می پردازیم.

## سیاست قطع وابستگی صنعت اتوموبیل سازی

در بررسی سیاست قطع وابستگی صنعت اتوموبیل سازی باید به سه نکته اساسی توجه داشته باشیم (۱) ترکیب صنعت اتوموبیل سازی و پیوند آن با دیگر بخش های اقتصادی، (۲) پیوند این صنعت با صنایع جنبی آن و (۳) رابطه این صنعت با اقتصاد جهانی.

## ۱ - ترکیب صنعت اتوموبیل سازی ایران ترکیبی است که تجلی بارز وابستگی اقتصاد کشور ما است.

در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۱۰۷ هزار دستگاه اتوموبیل سواری در ایران تولید شده است. و در مقابل تعداد اتوبوس های تولید شده تنها ۱۷۰۰ دستگاه بوده است. چرا؟ چرا باید در اقتصادی که جمیع عظیم مردم آن از ابتدایی ترین امکانات رفاهی زندگی، بهداشت، آموزش، تغذیه و... محروم هستند چنین تعدادی اتوموبیل سواری به بازار عرضه شود (و این بدون در نظر گرفتن تعداد اتوموبیل های سواری وارداتی است)؟ در مقابل چرا تعداد اتوبوس های عرضه شده به بازار این چنین قلیل بوده است؟ در اقتصادهای وابسته که توده های وسیع کارگران و زحمتکشان در فقر و تنگدستی ناشی از استثمار و ستم امپریالیستی زندگی می گذرانند، بخش کوچکی از جمعیت که ریزه خوار سفره چپاولگری انحصارات امپریالیستی هستند از شرایط ممتازی برخوردارند اینان از یک سوی

جوابست انحصارات امپریالیستی را برپا می کنند و از سوی دیگر، بوجود آورنده تقاضا برای بخش قابل توجهی از محصولات صنایع وابسته هستند گذشته از سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ که کارگزاران انحصارات امپریالیستی هستند، مدیران صنایع، بوروکرات های دولتی، متخصصان بالامرتبه فنی اداری، مالی و حقوقی، دلالان، زمین بازان و بسازو بفروش ها و... حقوق های کلان و منافع سرشاری بدست می آورند. اینان خریداران عمده محصولات صنایع وابسته هستند. رشد صنعت اتوموبیل سازی در زمینه مونتاژ اتوموبیل سواری اساسا، و به ویژه در ابتدای کار آن، بر تقاضای این اقشار مرفه متکی بود.

اما این یک سوی قضیه است. سوی دیگر سیاست های آگاهانه ای بوده است که دولت وابسته شاه برای بوجود آوردن بازار برای محصولات صنعت اتوموبیل سازی دنبال می کرد. ایجاد شبکه حمل و نقل عمومی مستلزم سرمایه گذاری قابل توجهی است که انجام آن بر عهده دولت است و ثمره آن رفاه بیشتر برای توده مردم و امکان رشد مستقل برای صنایع و کشاورزی کشور است. اما دولت وابسته، بودجه ای را که در اختیار داشت (که حاصل فروش نفت خام و مالیات بر کارگران و زحمتکشان بود) نه در جهت تامین رفاه توده مردم و رشد مستقل اقتصاد داخلی، بلکه در جهت تسهیل رشد و انباشت سرمایه های وابسته امپریالیستی به کار می گرفت. از این رو گسترش شبکه حمل و نقل عمومی نه تنها باید بخشی از بودجه دولت را به خود اختصاص می داد که دولت وابسته حاضر به چنین کاری نبود، بلکه "صرفه جویی" مفرط در این نوع سرمایه گذاری های دولتی خود وسیله ای بود برای رشد دادن بازار محصولات صنعت وابسته اتوموبیل سازی ایران.

بدین گونه است که شبکه راه آهن ایران پس از پنجاه سال حکومت ننگین شاه و پدرش در حد محدود و غیر کارآمدی باقی مانده که تا سی سال در اواخر قرن بیستم بوده است. دولت وابسته شاه نه تنها سیاست گسترش شبکه راه آهن را (که می تواند تمامی مراکز اقتصادی کشور را به هم متصل کند و حتی روستاهای میهن را در ارتباط با این مراکز قرار دهد) دنبال نکرد، بلکه دیگر وسایل حمل و نقل عمومی را نیز در سطحی بسیار ناچیز نگه داشت. حمل بار و مسافر در شهرهای بزرگ میان شهرها و میان شهرها و روستاها، با امکانات حمل و نقل عمومی غیر کارآمد و غیر مناسب انجام می شد. اما تمرکز روزافزون حاصل از رشد سرمایه داری وابسته که با تجمع فزاینده جمعیت در مراکز شهری به همراه است رفت و آمد در مسافت های دور شهری را ضروری ساخت. در مواردی در شهر تهران برای رسیدن از محل سکونت به محل کار باید ۱۰ کیلومتر و حتی

بیشتر راه طی شود. این وضع، همراه با افزایش رفت و آمد میان شهرها و نیز با محدودیت امکانات حمل و نقل عمومی باعث شد که اقشار نیمه مرفه و حتی در مواردی زحمتکشان شهری ناگزیر به تهیه اتوموبیل سواری شوند و با خرید قسطی اتوموبیل سواری بخش قابل توجهی از درآمد خود را به جیب انحصارات تولید کننده اتوموبیل سرازیر کنند نمونه ای اغراق آمیز نیست اگر بگوییم در مواردی هم میهنان ما باید معادل ۲ سال درآمد خود را برای خرید اتوموبیلی که عمر آن ۶ یا ۷ سال است پرداخت می کردند. به عبارتی دیگر باید نزدیک به نیمی از درآمد خود را صرف هزینه حمل و نقل می کردند. این همان سیاستی بود که هویدای معدوم با افتخار در مجلس فرمایشی با عنوان یک پیکان در هر گاراژ اعلام کرد و نمایندگان سرمایه داران وابسته برای او کف زدند و هورا کشیدند! و این چنین بود که کارخانه های اتوموبیل سازی ایران در سال ۱۳۵۶ بیش از یکصد هزار اتوموبیل سواری به مردم ایران فروختند.

آیا امروز باید بسان گذشته به تولید اتوموبیل سواری ادامه داد؟ مسلما خیر سیاست مبارزه در راه قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید در وهله نخست با ایجاد تغییری اساسی در ترکیب این صنعت همراه باشد. باید تولید اتوبوس مینی بوس، وانت و واگن قطار جانشین تولید اتوموبیل سواری شود. این کار مستلزم تغییری اساسی در امکانات فنی این کارخانه و قطع پیوندهای وابستگی آنها به انحصارات امپریالیستی است که در زیر بدان خواهیم پرداخت.

در دو سال گذشته دولت جمهوری اسلامی گامی اساسی در این جهت برداشته است هر چند از برخی جهات امکانات آن فراهم بوده است تغییر در ترکیب صنعت اتوموبیل سازی و کاهش تولید اتوموبیل سواری باید با برنامه ای اساسی برای گسترش شبکه حمل و نقل عمومی همراه باشد. دولت در این مدت نه تنها به سرمایه گذاری در توسعه شبکه راه آهن سراسری دست نزده (که می تواند بطور قابل ملاحظه ای ایجاد اشتغال نماید و بسیاری از صنایع جنبی را به کاراندازد) بلکه حتی برنامه ریزی آن را نیز آغاز نکرده است هر چند جنگ تحمیلی رژیم ضد مردمی صدام و محدودیت تولید بنزین سبب شد که عملا تاکید بر وسایل حمل و نقل عمومی بیشتر شود، اما در این راه نیز جز اقدامات موضعی و موقتی، جمهوری اسلامی نه طرحی تهیه کرد و نه دست به کار اقدامی اساسی شد. حتی در این میان شهردار سابق تهران "توسلی" که در زمره لیبرال هاست این را که شبکه اتوبوسرانی برای دولت خرج برمی دارد منتی بر سر زحمتکشان تهرانی دانست

بقیه در صفحه ۲۳

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

## از یادداشت های فدائیان خلق در جبهه های جنگ

# پیروزی چون گل سپیدی در تنگه حاجیان شکوفه کرد

★ خورشید آرام، آرام در مغرب فرو می رود که حرکت می کنیم. مقصدمان ارتفاعات حاجیان - کورک است. جسته گریخته از محل ماموریت مان چیزهایی شنیده ایم و اینکه تاکنون تلفات زیادی در آنجا داشته ایم.

خودروها به حرکت درمی آیند. در اولین خودرو خود من هشتم و دو نفر دیگر از هواداران سازمان. من فرمانده دسته گروهی هستم که می خواهیم به طرف تنگه حاجیان حرکت کنیم.

حرکت باید شبانه صورت گیرد. دور از چشمان پلید دشمن. گلوله توپ های متجاوزین مدام در دور و بر ما به زمین می خورد. دشمن به ما "حوش آمد" می گوید و با خاک و خاشاکی که بر اثر اصابت گلوله ها با زمین بر سر و رویمان می ریزد، ناقوس مرگ را بر بالای سرمان به صدا در می آورد.

به راهمان ادامه می دهیم تا به مقر فرماندهی می رسم در آنجا به ما می گویند: - قبل از شما یک گروه پاسدار را فرستاده ایم، امشب دیگر امکان دادن راهنما را نداریم.

در خطوط جبهه فرماندهان سی فاوتی و افعال دیده می شود. می گویند:

- در زیر پلی که در این نزدیکی است، مستقر شویم تا خیرتان کنیم.

شب که گویی روسایهی دشمنان را به نمایش گذاشته است. رفتن را مشکل می کند به هر ترتیبی که هست. پل را پیدا می کنیم و زیر آن مستقر می شویم.

\*\*\*

روز بعد (یکشنبه ۲۱ دی) هوا گرگ و میش است که بچه ها را به موضع جدید انتقال می دهیم. در دهانه پل، تنگه حاجیان را نظاره می کنیم. تنگه حماسه و مقاومت، گویی ما را می خواهد

از پشت بی سیم صدائی مرا به خود می آورد. فرمانده گروه پاسداران مستقر در تنگه است. با پشت جبهه صحبت می کند. از لحن مصمم اش برمی آید که فردی شجاع و دلور باشد. ناخودآگاه دلم می خواهد که او را از نزدیک ببینم.

لحظه ای بعد از طرف فرماندهی مرا می خواهند. در آنجا گفته می شود:

- همگی باید به موضعی در تنگه حاجیان بروید.

حال عجیبی دارم.

از فکرت تر تنگه خلاص نمی شوم. فوراً بچه ها را به طرف ارتفاعات تنگه به حرکت درمی آورم. قرار است تا پای کوه با خودرو برویم. دشمن ما را زیر آتش حمصه های خود گرفته است. تا قبل از اینکه خودروها از راه برسند، به سرعت می دویم. جذبار به زمین می خوریم و برمی خیزیم اما ما آموخته ایم بعد از هر زمین خوردن، اسنوار و مردانه بیا حیزیم. این را آموزگاران ما و پیشروان طبقه کارگر به ما آموخته اند.

به هر ترتیبی که هست خود را با حبیب و ناسرآب به پای کوه می رسانیم. لحظات حساس فرا رسیده است. بچه ها را در سه گروه سازمان می دهیم. ارتفاعی ۲۰۰ متری را طی می کنیم تا به مواضع مورد نظر که آخرین موضع خودی است، برسیم. مسئول فرماندهی آن موضع که یک پاسدار است به ما خوش آمد می گوید. تا ساعتی دیگر شب تمامی دست و کوه را یکپارچه سیاه خواهد کرد.

هنوز در موضع جدید درست مستقر نشده ام که چند پاسدار از درون تنگه، جنازه شهیدی را با خود می آورند. شهید، همان فرمانده عملیاتی است که صدای مصمم و مردانه اش را امروز صبح از بی سیم شنیده ام. صبح، من

ارزوی دیدارش را داشتم و حالا او چون سرو بلندی که طوفان آن را از پا درآورده باشد، بر شانه پاسداران به استقبالمان آمده است. تفنگ در دستم سنگینی می کند. جنازه فرمانده را با رگبار گلوله ای بدرقه می کنیم. یاد چون صدای مادری که از دوردست ها ضجه می کشد، در دشت و کوه می پیچد.

روز بعد دوشنبه ۲۲ دی صبح زود با اولین آواز "تدرو" پیشروی را آغاز می کنیم. یکی از بچه ها نگران جناح چپ تنگه است که هنوز پاکسازی نشده است شهادت فرمانده عملیاتی نیز در همین رابطه بوده است.

قبل از اینکه به سمت تنگه حرکت کنیم فرمانده قبلی که یک سرهنگ ارش بود، به ما گفته بود که جناح چپ تنگه در دست نیروهای خودی است اما حالا دشمن درست از همان جناح ما را زیر آتش تیربارهای خود گرفته است! با وجود این، به پیشروی ادامه می دهیم تا بعد از مدتی به نقطه تدارکاتی می رسم. بچه های سپاه به استقبالمان می آیند.

همان هائی هستند که فرماندهشان در این عملیات شهید شده است. از روحیه شان سیرو می گیریم. یکی از آنها مسئله عدم امنیت راه تدارکاتی را پیش می کشد و می گوید:

- به ما خیانت شده است از این راه که می خواهیم برویم، هر آن امکان دارد که همه مان کشته شویم.

در این باره مدتی با هم صحبت می کنیم. بعد با راهنمائی آنها چند سنگر خالی را اشغال کرده و شروع به کار گذاشتن تیربارهای مان می کنیم.

روز سوم سه شنبه ۲۳ دی باز خروسخوان به راه می افیم. ما با احرای مابور و آتش، حمله را آغاز

کرده ایم. با اربابی جی، مواضع دشمن را به زیر آتش می گیریم. خمپاره های ۶۰ ما به صدا در می آیند. بچه ها با دلاوری به پیشروی ادامه می دهند. از کوه ها، زمین و آسمان آتش و گلوله می بارد. بچه ها برای پیشروی و درهم کوبیدن دشمن هیچ حد و مرزی نمی شناسند و به همین دلیل است که با قهرمانی های آنها تعدادی از سنگرها را از دشمن پس می گیریم. حالا دشمن مدبوحانه مقاومت می کند. ما برای درهم کوبیدن آخرین مقاومت تجاوزگران، یکبار دیگر از توپخانه تقاضای آتش می کنیم اما از حمایت توپخانه خودی خبری نمی شود.

دشمن از نفس افتاده است. ما با تمام قدرت از سنگرهای که به دست آورده ایم، حفاظت می کنیم منطقه آرام شده است. صدای شلیک هیچ گلوله ای شنیده نمی شود اما هنوز ساعتی نگذشته است که آتش توپخانه دشمن دوباره شروع می شود. آتشی آنچنان سنگین که انگار بر سرمان بارانی از آتش می بارد. حفظ مواضع، تلفاتی سنگین در پی خواهد داشت.

ناچار بازهم سنگرهای را که به قیمت دلاوری ها، فداکاری ها و مقاومت باور - نگرانی گروهمان به دست آورده ایم، خالی کرده و عقب نشینی می کنیم.

در صبحدمی به رنگ سرب دوباره حمله را آغاز می کنیم

چهارشنبه ۲۴ دی حمله را آغاز می کنیم. در صبحدمی به رنگ سرب حمله ای که اگر با تدارکات کامل صورت می گرفت در همان مرحله اول به پیروزی می رسید اما عدم همکاری.

عدم امکانات، عدم تدارکات عدم هماهنگی و خیانت برخی از فرماندهان دردهائی هستند که بر قلب های ما سنگینی می کنند و ما باید هر روز به خاطر همین نارسائی ها، سربازان و پاسداران زیادی را از دست بدهیم. چه مستولانه و واقع بینانه بود که سازمان ما از اولین روزهای جنگ بانگ برداشت که:

پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند ما در عمل هر روز با دادن چند شهید به حقانیت این مسئله پی می بریم. حالا ما باز با سلاح های سبکمان به سمت دشمن می رویم. فاصله دشمن با ما بیش از ۵۰ متر نیست.

درگیری آغاز می شود و تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه پیدا می کند. ما هنوز کاری نتوانسته ایم از پیش ببریم. تا اینکه از طرف سپاه یک نیروی کمکی برای ما فرستاده می شود. حالا قوی تر از پیش از همه سو به دشمن یورش می بریم و او را سنگر به سنگر عقب می نشانیم. بچه ها از بالا و پائین بر تجاوزگران آتش گشوده اند. در مدت کوتاهی به مواضع متصرف شده شب قبل می رسم و با آتش مجدد، دشمن را از شیارها پاک می کنیم و آنها را به سمت دشت می رویم. بچه ها خستگی نمی شناسند. نیروی عظیمی در وجودمان می جوشد. با دادن ۱۰ نفر شهید تنگه حاجیان را از لوث وجود ناپاک دشمن، پاک می کنیم. اشک بی اختیار از چشمانمان سرازیر شده است. شادی و پیروزی در تنگه حاجیان مثل گل سپیدی شکوفه کرده است.

از یادداشت های یک فدائی  
افسر منقذی ۵۶  
اواخر اسفند ۵۸

## مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

## با انقلاب یاعلیه انقلاب

شده) را توقیف کرده و در اختیار تعاونی صنف الکتریک قرار داده است تا با قیمت واقعی در اختیار مصرف کنندگان گذارده شود. این خبر نشانگر دامنه وسیع احتکار و سودجویی نجاری است که شرایط نابسامان اقتصادی را بهتری - محمل برای سودجویی های خود یافته اند و با ایجاد بازار تقاضای کاذب از طریق احتکار و کم فروشی و گرانفروشی سودهای سرسام آور به جیب می زنند. اینگونه اخبار همچنین بیانگر این واقعیت است که هر لحظه تاخیر در تصویب و اجرای سریع و قاطع و انقلابی اصل ۴۴ قانون اساسی برای ملی کردن تجارت خارجی کمکی است به ازدیاد قیمت های مصنوعی و تورم را. تنها کوتاه کردن دست تجار بزرگ و محتکران از گلوئی اقتصاد کشور می تواند ضربه ای کاری به این سودجویی ها وارد آورد و قیمت اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم را در سطحی قابل قبول تثبیت نماید.

### موضع گیری اصولی و مثبت آیت اله منتظری

بارها گفته ایم که درگیری و تشنج خواست امپریالیسم آمریکا، سیاست و سلاح آن در مقابله با انقلاب است. بارها گفته ایم حل اختلافات نیروهای درون جبهه انقلاب نیاز راه ایجاد جو خشونت و برخورد های تن به تن و گروهی، بلکه از طریق بحث و گفتگو و انتقاد سازنده امکان پذیر است. تنها به کار گیری چنین شیوه ای قادر است صفوف مردم و نیروهای سیاسی ضدامپریالیست را علیرغم اختلافات فرعی متحد گرداند و همه را یکپارچه در برابر دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا قرار دهد. اما متأسفانه درگیری و تشنج که هر روز در گوشه ای از میهنمان همراه با قتل و جرح و آتش سوزی و ... نیز همراه می شود، اکنون تبدیل به پدیده دامن گستری شده که ضرباتش یکی پس از دیگری به پیکر انقلاب فرود می آید.

اخیراً آیت اله منتظری نیز در دیدار با گروهی از خانواده شهدای قائم شهر بر همین واقعیت تاکید کرد و ضمن دعوت گروه ها به وحدت در موارد مشترک، مردم و گروه های سیاسی را از به کار بردن خشونت در برابر یکدیگر برحذر داشته و گفت:

"برادران و خواهران بخصوص در منطقه شمال توجه داشته باشند که ... نباید با خشونت و اهانت رفتار شود، بلکه با مهربانی و دوستی باید مصلحت ها را یادآور شویم."

(۹ فروردین - کیهان)  
ما ضمن استقبال از این موضع آیت اله منتظری در شیوه حل اختلافات گروه های سیاسی ضدامپریالیست یکبار دیگر نهادهای مختلف جمهوری اسلامی و گروه های سیاسی - بخصوص آنها که سیاست خود را بر ایجاد جو تشنج و خشونت بنا نهاده اند - را دعوت می کنیم تا با توسل به شیوه های اصولی حل اختلافات، ایجاد درگیری و خشونت یعنی سلاح خطرناک امپریالیسم آمریکا و ایادی و متحدان داخلی آن را از دست این دشمن خونخوار خلق ها خارج سازند.

\*\*\*

"در محضر محترم دادگاه هم بگویم اگر جرم است، گناه است، خیانت است، بنده باید به دادگاه بیایم نه ایشان."

ما معتقدیم که فعالیت های امیرانتظام نه تنها جرم و گناه بوده بلکه قطعاً خیانت به اهداف مردمی انقلاب و مبارزات خلق های قهرمان ایران نیز بوده است. از این رو معتقدیم دادگاه امیرانتظام می بایستی به دادگاه محاکمه سیاست های سازشکارانه و خیانت آمیز دولت موقت تبدیل گردد و مردم ما از طریق این دادگاه در جریان مفاشات ها و سازش های پشت پرده این دولت و گردانندگان آن در مسخ آمال ضدامپریالیستی انقلاب قرار گیرند.

### سریال شاه دزد

یکی از برنامه های پرسروصدای تلویزیونی در ایام عید نوروز، سریال "شاه دزد" بود که میلیون ها نفر از مردم میهنمان به تماشای آن نشستند. نمایش این سریال در چهار قسمت، علیرغم آنکه به افشای ضدانقلاب ساواکی ها و وابستگان به دربار و رژیم سلطنتی می پرداخت و به رغم آنکه به درستی شرح این فعالیت ها را در آمریکا و اروپا می جست با ضعف ها و نارسایی های قابل ملاحظه ای نیز همراه بود. این نارسایی ها را می توان بطور محمل در تصویر ناقص و گاه غیرواقعی که سریال از ضدانقلاب ارائه می کرد جست. تصویر کاریکاتورگونه و شخصیت های شدیداً ابله ای که از ضدانقلاب در این فیلم ارائه شده بود، گرچه می تواند بیانگر جنبه هایی از واقعیت ضدانقلاب مغلوب باشد اما قطعاً همه آن نیست. زبان چنین روایتی از ضدانقلاب حداقل این است که به خطر عوامل رژیم منفور پهلوی، ساواکی ها و سلطنت طلبان و مزدوران امپریالیسم جهانی کم بها می دهد و هشجاری لازم را از مردم در مقابله با توطئه های آنها نمی طلبد. این درست است که دست اندرکاران رژیم گذشته شاهزادگان و اشراف و درباریان فاسد و منحط بوده اند و هستند ولی اشاعه این پندار که گویا ضدانقلاب در وجود مشتی واداده و سرخورده فاسد و ابله خلاصه می شود از واقع گرایی به دور است. جا دارد هنرمندان متعهد و ملی با تولید آثار هنری مسئول هوشیاری و بیداری توده ها را افزایش دهند و واقعیات را در جهت نابودی دشمن طبقاتی توده ها بنمایانند.

### تجارت خارجی ملی باید گردد

روابط عمومی دادگاه ویژه امور صنفی با صدور اطلاعیه ای اعلام کرده است که ماموران این دادگاه در حدود ۱۰۰ هزار کلید و پریر (احتکار

### هان ای شکسته دیوارست نهاد

بهار از راه رسیده است. در جلگه های خونین مقاومت مردم، جوانه های سبز بهاری قد می کشند، زمین زنده می شود، نفس می کشد و زندگی بر خرابه های مرگ می روید. بهار امسال بهار دسترنج مقاومت های دردآلود و طولانی است. دیوار شکسته و سست نهادی که سالها میان خلق و توان تاریخی اش، میان مردم و شکوفایی آنها میان توده و رسالت او به همت نظم غارتگرانه سرمایه سالاری امپریالیستی کشیده شده بود اکنون، گرچه نه به تمامی، فرو ریخته است. نسیم آزادی و استقلال دو سال است که بر زحمتکشان می وزد. بر دست های کار در تلاش توانفرسای کارخانه، بر بازوان خسته کشت و برداشت در کوشش عرق ریز مزرعه، بر فوج بی شمار زحمت در عرصه ای به بزرگی ایران می وزد و رویای واقعی شکوفایی و بی نیازی و آبادی را خشت خشت بنا می نهد. روزهای آینده و ماه های پیشاروی، شاهد کوشش های همچنان استوار مردم ماست برای فصل های خوشبختی. روزهای آینده نظاره گر جانفشانی های ادامه دار خلق ماست برای دستیابی به افق های استقلال و آزادی. در این راه رنج هست، سختی و درد و مرارت هست، گلوله و بمباران هست، توطئه و دسیسه، دشنام و بند و زنجیر نیز خواهد بود. ما بقایای این شکسته دیوار را سرتگون خواهیم کرد، ما به پیش می رویم، ما امپریالیسم را به گور خواهیم سپرد و سوسیالیسم را خواهیم ساخت و در همیشه بهار آن به تماشای آزادی خواهیم نشست.

### آقای بازگان ما هم موافقیم!

از روز سهشنبه بیست و ششم اسفندماه ۵۹ محاکمه عباس امیرانتظام معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت موقت و سفیر سابق دولت جمهوری اسلامی ایران در سوئد به اتهام داشتن رابطه با امپریالیسم آمریکا و ملاقات با برخی از آمریکائی های مقیم ایران آغاز شد. در این دادگاه مهندس بازگان شرکت کرده و طی بیانات میسوطی از امیرانتظام و فعالیت های او در سمت های یاد شده دفاع کرد. مهندس بازگان کوشید تا تماس های امیرانتظام با جاسوسان آمریکائی را در حد "مبادله اطلاعات" رایج بین دیپلمات ها و مقامات رسمی کشورهای آئین آورده و بدین وسیله خیانت های امیرانتظام را موجه و قانونی جلوه دهد. ما بررسی مشروح سخنان بازگان در دفاع از امیرانتظام را موقوف به رای نهایی دادگاه می کنیم. اما، بی مناسبت نمی دانیم که موافقت خود را با پیشنهادی که مهندس بازگان در دفاعیات! خود به عنوان شاهد بیان کرد اعلام نمائیم. بازگان در بخشی از این سخنان در توجیه فعالیت های امیرانتظام اظهار داشت:

پیرو زباد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران



### کارگران کارخانه کربن:

## « حرکت چرخ‌های کارخانه (تداوم تولید) »

### توطئه لیبرال‌ها را در هم شکست

کارخانه کربن ایران (اهواز) که تولید کننده دوده برای لاستیک اتومبیل مرکب، رنگ، انواع پلاستیک و... است، در اواخر شهریور ماه ۵۹ به علت نقص فنی و تعلل عامدانه برخی از مدیران و مهندسين لیبرال کارخانه از کار افتاده بود. کارگران و کارمندان متعهد کارخانه به لحاظ اهمیت تولید دوده (در تامین لاستیک خودروهای نظامی و...) با پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیرشان، پس از مدتی موفق به راه‌اندازی کارخانه شدند. لیکن شدت حملات نظامی رژیم صدام و حملات شدید هوایی و توپخانه دشمن، امر راه‌اندازی کارخانه را به تعویق انداخته سنگ‌اندازی‌ها و بهانه‌جویی‌های مدیران و مهندسين لیبرال نیز در به تعویق انداختن تولید کارخانه مکمل حملات ویرانگرانه دشمن بود و مزید بر علت شده.

علیرغم همه کارشکنی‌ها، مدیران کارخانه نتوانستند مانع از تصمیم و عمل انقلابی کارگران مبارز کربن ایران

گردند. کارگران و کارمندان پیگیرانه مشکلات را یکی پس از دیگری از پیش پا برداشتند. آنها شبانه روز کار می‌کردند تا آنجا که یکبار یکی از کارگران از فرط خستگی در یک مخزن سرپوشیده کربن سقوط کرد و بی‌هوش شد. کارگران و کارمندان مبارز کربن، ضرورت راه‌اندازی کارخانه و تداوم تولید را بمثابة یک وظیفه انقلابی و یک حربه مبارزاتی علیه توطئه‌های امپریالیستی به درستی درک کرده بودند. آنچنانکه در جشی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب بهمین در کارخانه برپا کرده بودند، ضمن برپائی نمایشگاه عکس و نمایش فیلم، پرچم آمریکا را به نشانه نفرت و انزجار از

جنایات امپریالیسم آمریکا به آتش کشیدند و بر پلاکاردی نوشتند:

**" صدای چرخ‌های کارخانه بار دیگر توطئه‌ها را نقش بر آب خواهد کرد. "**

سرانجام بعد از ماه‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر کارکنان قهرمان کارخانه کربن، روز پنجم اسفند چرخ‌های کارخانه به گردش درآمد تا صدای پرخروش آن گوش امپریالیست‌ها و رژیم متجاوز صدام را کر کند و به این ترتیب خواست کارگرانی که در راه به حرکت درآوردن چرخ‌های تولید مبارزه می‌کردند، یکبار دیگر تحقق یافت.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریست) صمیمانه‌ترین درودهایش را

نثار کارگران و کارمندان مبارز و انقلابی کارخانه کربن - این رزمندگان جبهه تولید می‌کند و برای تضمین تداوم تولید و اثربخشی اقدامات انقلابی کارگران کربن به کارکنان، مسئولین کارخانه و همچنین مقامات استانداری خوزستان هشدار می‌دهد:

۱- با هشیاری انقلابی مراقب لیبرال‌ها بوده و توطئه‌های آنها را خنثی کنید

مقامات استان و مدیران مسئول کارخانه به خود آیند و بیش از این در مقابل مدیران لیبرال و کارشکن که مورد حمایت امپریالیسم هستند ممانعت نمایند.

۲- از آنجا که عمده استانداردها قطعاً و ماشین‌های کارخانه به سر آمده و اغلب مستهلک شده و

پوسیده‌اند، بایستی هرچه زودتر یدکی آنها تهیه و به کارخانه منتقل شود تا در صورت خراب شدن بلافاصله یدکی آن به کار گرفته شود.

۳- مدیران مسئول کارخانه، کلاس‌های آموزشی برای کارگران و فراگیری تعلیمات فنی و تکنیکی لازم را دایر و فراهم نمایند تا سطح دانش علمی و کارآئی فنی کارکنان افزایش یابد و بدین طریق از انحصاری بودن بعضی از تخصص‌ها، من جمله "نوشتن برنامه تولید" جلوگیری شود.

۴- برای مقابله با حملات احتمالی هوایی دشمن، پناهگاه‌های بتونی در نقاط مختلف کارخانه ایجاد گردد.

۵- کارخانه کربن باید هرچه زودتر ملی شود تا تداوم تولید بیش از پیش به حربه‌های انقلابی و موثر علیه فشارهای اقتصادی تخریب نظامی رژیم صدام و اخلاگری لیبرال‌ها بدل شود.

## تجار بزرگ همچنان حاصل دسترنج کارگران را به یغما می‌برند

کارخانجات نورد و لوله، با تولید سالیانه ۱۰۰ هزار تن ورق فولادی و لوله از جمله مهم‌ترین مراکز صنعتی کشور محسوب می‌شود. این مجتمع تنها واحد صنعتی ایران است که قادر به تهیه ورق فولادی می‌باشد. ورق تولید شده، مهم‌ترین ماده اولیه برای تهیه انواع پروفیل لوله، بدنه کولر، یخچال، بخاری و... است. صنایع داخلی به علت نیاز شدید به ورق، سالیانه با مقادیر معتدبهی کمبود مواد مواجه می‌شوند که این کمبود عمدتاً از طریق وارد کردن ورق فولادی از خارج جبران می‌شده است. با تحریم و محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیست‌ها و درگیر شدن ایران در جنگ تحمیلی، وارد کردن ورق از خارج نیز متوقف شد که این امر بر کمبود این کالا در بازار

داخلی دامن زد. در چنین شرایطی موجودی انبار کارخانجات نورد و لوله اهواز که بالغ بر ۳۲ هزار تن لوله فولادی بود، نظیر سرمایه‌داران و تجار بزرگ را به خود جلب کرد. این سرمایه‌داران پس از انجام مراحل اداری خرید در تهران، با این نیت که با خرید لوله و ورق و ایجاد کمبود مصنوعی و بازار سیاه می‌توان به سودهای کلان دست یافت، روانه اهواز می‌شوند. از آنجا که آنها (مطابق قانون تجارت موجود) می‌توانند برای یک هزار تن لوله، حواله خرید دریافت دارند و با توجه به نفوذ و بند و بستی که با دفتر مرکزی در تهران دارند و حتی گاه بیش از یک حواله نیز دریافت می‌کنند و با توجه به اینکه لوله هر کیلو ۶۰ الی ۷۷ ریال به آنان فروخته

می‌شود و قیمت آن در بازار هر کیلو ۱۱ تومان است، با یک حساب سرانگشتی می‌توان به ابعاد غارت و چپاولی که این سرمایه‌داران و تجار بزرگ از دسترنج کارگران و زحمتکشان می‌برند، پی برد. تجاری که هزارتن لوله با نرخ کیلوئی ۷۰ ریال خریداری کرده و با فروش آن در بازار به نرخ فعلی بیش از ۴ میلیون تومان سود می‌برند، یقیناً با احتکار موجودی فعلی انبارها و افزایش مصنوعی قیمت‌ها، سودی به مراتب بیش از این را عاید خود خواهند ساخت. این سود که چیزی جز حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان میهن ما نیست، با کمک هیئت مدیره کارخانجات نورد و لوله اهواز، دفتر مرکزی تهران و به‌ویژه با برخورداری از "موهبتی" که دولت جمهوری اسلامی به واسطه تزلزلش در ملی کردن

تجارت بزرگ نصیب سرمایه‌داران می‌کند، به قیمت فلاکت روزافزون زحمتکشان به جیب سرمایه‌داران و تجار بزرگ سرازیر می‌شود. برآستی در شرایطی که کارگران و زحمتکشان مناطق جنگی و به‌ویژه کارگران نورد و لوله، در زیر فشار اقتصادی ناشی از جنگ و خانه‌خوابی و آوارگی کمر خم کرده‌اند و بار اصلی جنگ را بر دوش می‌کشند، چرا باید هستی‌شان این‌چنین توسط مشتری سرمایه‌دار غارتگر به تاراج رود؟ دولت جمهوری اسلامی ایران باید بداند که آزاد گذاشتن تجار بزرگ و سرمایه‌داران در احتکار و سوداندوزی از طریق انبارداری و مبادلات عمده و افزایش بیش از پیش قیمت‌های تورمی، موجب تشدید فقر و تیره‌روزی توده‌های زحمتکش و بدبین،

آنان نسبت به انقلاب می‌شود. دولت باید در چهارچوب شعار انقلابی ملی کردن تجارت خارجی و خلع ید از توزیع‌کنندگان عمده، هرچه زودتر از عمده‌فروشی لوله و ورق به تجار بزرگ جلوگیری به عمل آورده و فروش این کالاها را از طریق انبارهای دولتی خود راساً در اختیار گیرد و با در اختیار گرفتن توزیع عمده آن موجبات کاهش و تثبیت قیمت آن را فراهم آورد. دولت جمهوری اسلامی تنها با صحنه‌نهادن بر شعارهای انقلابی زحمتکشان و خلع ید از سرمایه‌داران بزرگ از مالکیت‌های صنعتی، تجاری و... است که شایستگی‌اش را در برخورداری از حمایت بی‌دریغ زحمتکشان نشان خواهد داد.

## پر توان باد جنبش طبقه کارگر

## پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# بند «ج» قانون اصلاحات ارضی — باید اجراء گردد

## خبرهایی از روستاهای کشور

زحمتکشان روستاهای سراسر کشور همچنان به ارسال نامه‌ها و طومارهای خود به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ادامه داده و خواهان اجرای هرچه سریع‌تر بند «ج» قانون اصلاحات ارضی می‌گردند. تعدادی از این نامه‌ها به دست ما رسیده است که در زیر مشاهده می‌کنید:

— زحمتکشان روستاهای سیمانی‌علیا، سیمانی سفلی، هوروه، نیلک، آتشقان و گهواره از توابع اسلام‌آباد غرب در نامه‌ای به حضور امام خمینی و مقامات مسئول دولتی، ضمن پشتیبانی از انقلاب و اعلام آمادگی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر صدام، متذکر شدند که سالهای متمادی زیر فشار ظلم و ستم فتوادل‌هایی چون جهان‌بخش فتاحی، علی‌یوسفی، پاشا یاسمی و داریوش یاسمی به سر برده و خواستار آن شدند که با

اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی دست این ضد انقلابیون از سر آنان کوتاه گردد.

— دهقانان زحمتکش روستای کیان از توابع نهاوند ضمن ارسال طومار طولیلی که به امضای ۸۰۰ خانوار خوش‌نشین روستا رسیده بود، به شرح فشارهای وارد بر خود پرداخته و خواستار آن شدند که هیئت هفت‌نفره واگذاری زمین، زمین‌های متعلق به فتوادل‌ها را مصادره و در اختیار آنان قرار دهد.

— زحمتکشان روستاهای بانباران امیرحق‌مراد، بانباران عزیزمراد، بانباران میرزاحسین، بانباران الهقلی و بانباران کرم‌کاکلی از منطقه گوران کردند غرب طی طوماری که برای مسئولین جمهوری اسلامی ارسال داشتند ضمن حمایت از انقلاب و اعلام آمادگی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم

تجاوزگر صدام، خواهان ادامه فعالیت‌های هیئت هفت نفره واگذاری زمین و اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی شدند.

— دهقانان زحمتکش روستای سمل‌جنوبی از توابع تنگستان بوشهر طی تهیه طوماری که برای امام خمینی و مسئولین دولت جمهوری اسلامی ارسال داشتند، خواستار اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی شدند.

— نمایندگان روستاهای استان هرمزگان در هیئت هفت‌نفره واگذاری زمین پس از سمیناری که در روزهای ۲۱ تا ۲۳ بهمن ۵۹ در بندر عباس برگزار شد، نامه‌ای به حضور امام خمینی نوشته و ضمن برشمردن رنج‌ها و ستم‌هایی که طی سالیان دراز از طرف فتوادل‌ها متحمل شدند، خواهان اجرای هرچه سریع‌تر بند «ج» قانون اصلاحات ارضی شدند.

### نا اجرای بند (ج) مانع تعرض تازه خوانین و زمینداران بزرگ شویم!

جیرفت، کهنوج - بزرگ مالکان و هواداران تیمسار مدنی در منطقه کرمان که در اثر مبارزات دهقانان انقلابی عناصر ضدامپریالیست و نهادهای انقلابی متحمل ضرباتی شده بودند، به تدریج با حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم امام جمعه کرمان، دادگاه انقلاب کرمان و دفتر همکاری‌های رئیس جمهور در تهران، جان تازه‌ای گرفته و تعرض خویش را با به زندان کشیدن بخشداران "جبال بارز" و "ساردوئیه" آغاز کردند و با ادامه تعرض بر دیگر ارگان‌ها و عناصر انقلابی کمر به قتل آنها بستند. دو پاسدار اهل اسلام‌آباد کهنوج و دو دهقان زحمتکش را با شلیک گلوله کشتند و اتومبیل جهاد سازندگی را به گلوله بستند، شهادت "اکبر پناهنده" کارگزار چندپیشه شهرستان کهنوج که قبلاً خبر آن درج گردید، از آخرین کارهای آنها می‌باشد.

این توطئه‌ها و تعرضات بزرگ مالکان علیه زحمتکشان تنها در حوزه قضائی نمی‌گنجد بلکه نشانگر حرکات وسیعی است که از جانب خوانین و بزرگ مالکان و حامیان آنها تقریباً در تمامی نقاط ایران علیه دستاوردهای انقلاب و برای به شکست کشاندن آن آغاز شده است. زحمتکشان منطقه می‌گویند بخاطر اینکه خوانین و دیگر ضدانقلابیون را در منطقه سرکوب و جنبه انقلاب را تحکیم بخشیم باید:

۱- اصلاحات ارضی و بخصوص بند «ج» و «د» آن تا به آخر و پیگیرانه اجرا شود.

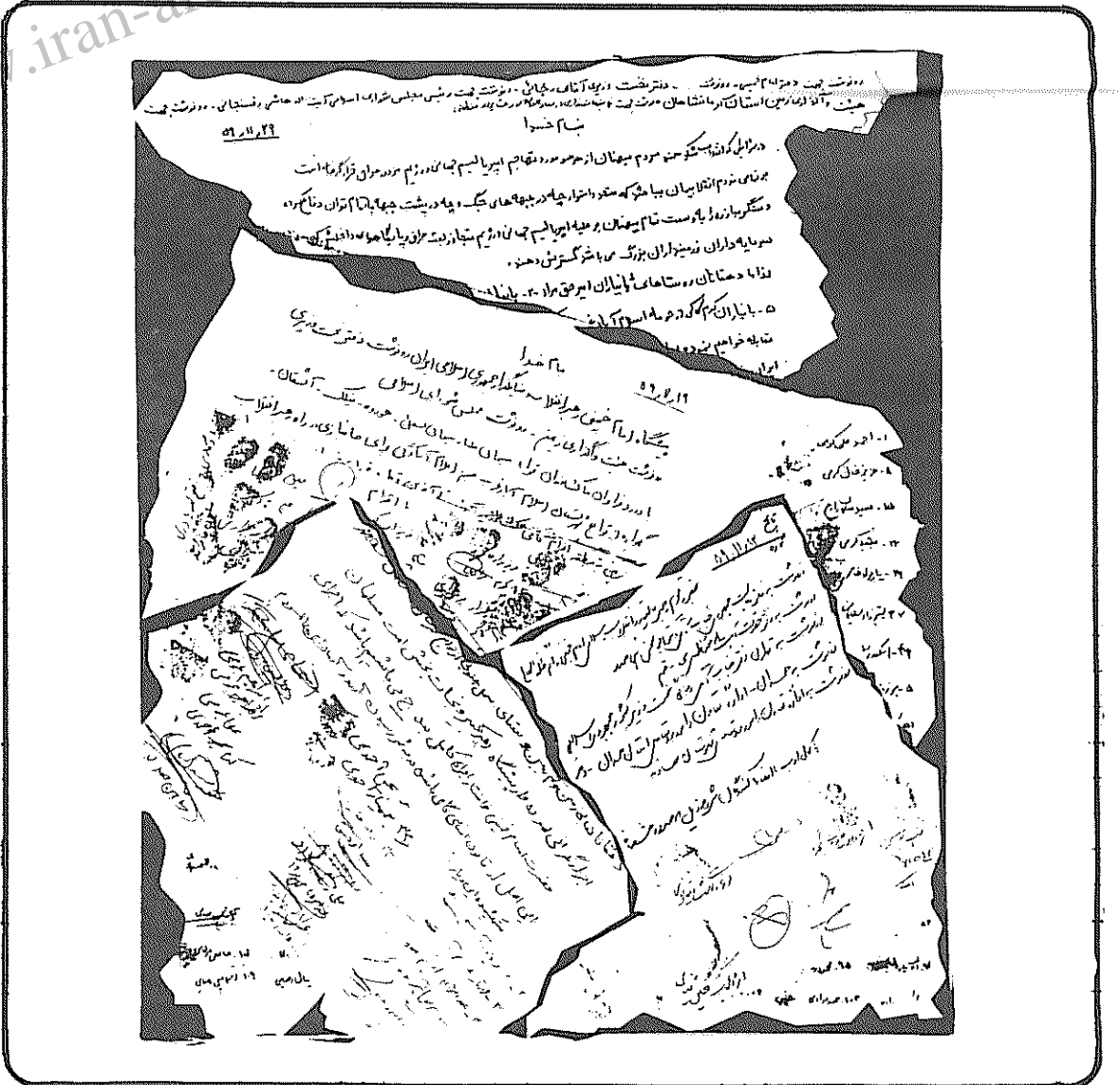
۲- سپاه پاسداران منطقه جیرفت و کهنوج به کلیه

وسایل جهت مقابله با زمینداران بزرگ و مالکان تجهیز شوند.  
۳- خوانین دستگیر شده و مجازات گردند.

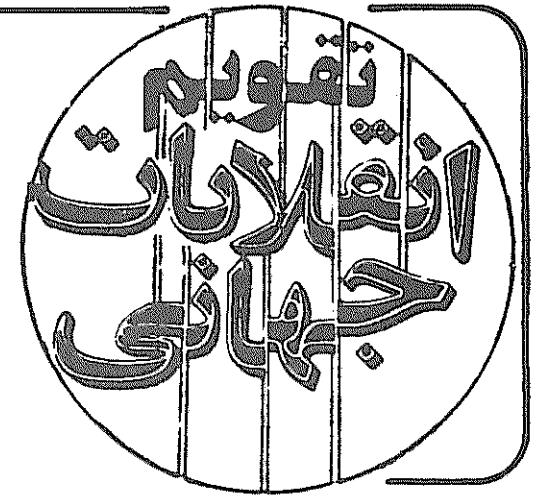
توطئه چندین بزرگی مالکان و سرمایه‌داران کرمانشاه را خنثی کنیم

کرمانشاه - یکسری از توطئه‌های جدید ملاکان منطقه کرمانشاه انجام سفرهایی به منظور کسب حمایت از روحانیون می‌باشد ملاکان، سرمایه‌داران بزرگ و روحانیون مرتجع منطقه، به دنبال نامه‌پراکنی‌ها و طومار نویسی‌های قبلی، یک هیئت ۲۰۰ نفره مشکل از افرادی همچون سنجابی‌ها، معتضدی‌ها، معینی‌ها، عده‌ای از وکلای طاغوتی، رئیس ساواک یکی از شهرستان‌ها، رئیس یکی از بخش‌های شرکت نفت کرمانشاه و عده‌ای از سرمایه‌داران و تجار محترک به سرکردگی آیت‌الله جلیلی را در اوایل بهمن‌ماه به منظور مقابله با هیئت‌های بند «ج» به تهران و قم رهسپار کردند.

در تهران دفتر امام که از ماهیت این هیئت آگاهی یافته بود از پذیرفتن آنان خودداری کرد ولی این مرتجعین در ادامه سفر خویش به قم، با استقبال آیت‌الله گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی مرعشی مواجه شدند. اینها نیز بنوبه خود پس از اعلام همبستگی با دشمنان انقلاب و اعلام همکاری در جهت مقابله با هیئت‌های هفت‌نفره و دهقانان زحمتکش رای به "غیراسلامی" بودن بند «ج» اصلاحات ارضی دادند. از این دار و دسته تنها دو نفر پس از پافشاری زیاد با آیت‌الله منتظری ملاقات کردند که جواب مساعدی دریافت نداشته‌اند.



# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



به مناسبت ۱۴ آوریل (۱۵ فروردین) ۱۹۴۵

روز رهایی کامل مجارستان از اشغال آلمان نازی و جنبش ملی مردم مجارستان

## مجارستان: رهایی از اسارت فاشیسم و پیشروی در راه سوسیالیسم

ساخت و بالاخره در ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۴ با ورود ارتش سرخ به مجارستان، جریان رهایی این کشور از قید بندگی فاشیسم آغاز شد. ۱۴۰ هزار تن از رزمندگان انترناسیونالیست ارتش سرخ در نبرد برای رهایی کامل خلق مجارستان از یوغ فاشیست‌ها و متحدان داخلی آنها جان خود را از دست دادند و در ۴ آوریل (۱۵ فروردین) ۱۹۴۵ مجارستان بطور کامل از یوغ فاشیسم نجات یافت.

\*\*\*

در جریان رهایی مجارستان از یوغ فاشیسم، تار و مار شدن نیروهای ارتش آلمان نازی توسط ارتش سرخ به بلوغ هرچه سریع‌تر شرایط انقلابی در این کشور یاری رسانید. در نوامبر ۱۹۴۴ حزب کمونیست مجارستان برنامه بازسازی و تکامل دموکراتیک مجارستان را منتشر کرد. به دنبال این اقدام، حزب کمونیست در راس جنبه استقلال ملی مجارستان به استقرار ارگان‌های قدرت خلق دست زد و اجرای وظایف انقلاب دموکراتیک را آغاز نمود.

انقلاب دموکراتیک مجارستان در جریان رشد و تکامل خود و در مبارزه‌های شدید و حاد با نیروهای که مخالف گام گذاشتن مجارستان در راه سوسیالیسم بودند، به انقلاب سوسیالیستی فراروید. این جریان در سال ۱۹۴۸ به پایان رسید. از آن زمان به بعد حکومت دموکراسی توده‌ای انجام وظایف دیکتاتوری پرولتاریا را بر عهده گرفت و ساختمان سوسیالیسم را آغاز نمود.

مردم مجارستان سوسیالیستی تحت رهبری "حزب سوسیالیست کارگری" با پشت سر گذاشتن مشکلات و عواقب ناشی از سلطه فاشیستی بر کشور و در مبارزه و غلبه بر گرایش‌های انحرافی و ناسیونالیستی که در صدد منحرف کردن مسیر پیشرفت سوسیالیستی بر می‌آمدند، در حال حاضر در راه ساختمان سوسیالیسم پیشرفته گام برمی‌دارند.

ما سی و ششمین سالروز رهایی کامل مجارستان از اشغال فاشیستی و روز جشن ملی خلق مجارستان را گرامی داشته و برای خلق برادر مجارستان آرزوی موفقیت و دستاوردهای بازم بیشتر می‌نمائیم.

موج نارضایتی پس از شکست بزرگ نیروهای مجاری در سال ۱۹۴۳ و شکست نیروهای آلمانی در جبهه‌های شوروی دامنه بازم گسترده‌تری یافت. اعتصابات کارگری مختلف و تظاهرات توده‌ای ضد جنگ از علائم آشکار رشد شرایط انقلابی بودند. در چنین شرایطی، حکومت مجارستان برای نجات سرمایه‌داری در صورت شکست ائتلاف هیتلری دست به مانور بین دولت‌های امپریالیستی مختلف زد و تماس‌های مخفیانه‌ای با دولت‌های آمریکا و انگلستان برقرار کرد. بر اساس این سیاست، مجارستان می‌بایست در اتحاد با آلمان هیتلری با اتحاد شوروی بجنگد ولی در صورت شکست آلمان، از آمریکا و انگلستان برای سرکوب جنبش توده‌ای و نجات سرمایه‌داری یاری گیرد. اما دولت فاشیستی آلمان از این مانور باخبر شد و مجارستان را به تلافی، تحت اشغال خود درآورد. آلمان نازی در این اشغال و تهاجم هدف اسارت کامل مجارستان، غارت ثروت‌های ملی مردم این کشور و استفاده از نیروی انسانی این کشور برای اهداف غارتگرانه و تجاوزکارانه خود را دنبال می‌نمود. در ۱۹ مارس ۱۹۴۴ هشت لشکر نازی به مجارستان حمله کرد و بدون روبرو شدن با هیچ‌گونه مقاومتی از طرف ارتش مجارستان، خاک این کشور را به اشغال درآورد. نازی‌ها حکومت مطیع‌تری را برای مجارستان منصوب نمودند و کنترل کاملی بر نیروهای مسلح مجارستان برقرار کردند.

اشغال مجارستان توسط نازی‌ها، تشدید مقاومت ضد فاشیستی را به دنبال آورد. در ماه مه ۱۹۴۴ به ابتکار کمونیست‌ها، جبهه واحدی از تمام نیروهای مترقی مجارستان تشکیل گردید. این جبهه هدف خود را استقلال ملی قرار داد. در پائیز همان سال به دنبال تشکیل جبهه واحد حزب کمونیست مجارستان موافقت‌نامه‌ای برای اتحاد عمل با حزب سوسیال دموکرات منعقد نمود. در این هنگام تعداد گروه‌های پارتیزانی ضد فاشیستی که در داخل خاک مجارستان عمل می‌کردند از ده‌گروه تجاوز کرده بود.

اشغال فاشیستی مجارستان بیش از چند ماه طول نکشید ولی در همین مدت کوتاه، خسارات جانی و مالی عظیمی بر مردم مجارستان وارد

به دنبال شکست جمهوری شوروی مجارستان و به پایان رسیدن عمر ۱۳۳ روزه این دولت انقلابی جوان در سال ۱۹۱۹ (اندکی پس از انقلاب اکتبر روسیه) دیکتاتوری فاشیستی بر مجارستان حاکم شد. در فاصله بین دو جنگ، حکومت ارتجاعی "هورتی" که منافع بزرگ‌مالکان و اشرافیت مالی را نمایندگی می‌کرد، پای مجارستان را به تدریج به بلوک تجاوزکار فاشیستی کشانید. مجارستان "هورتی" در سال ۱۹۳۹ به پیمان "ضد کمینترن" و در سال ۱۹۴۰ به پیمان سه قدرت فاشیستی آلمان، ایتالیا و ژاپن پیوست. فاشیست‌های آلمانی نیز به هر اقدام ممکن برای ارضاء امیال غارتگرانه ارتجاعیون مجارستان دست زدند. نازی‌ها در مقابل حمایت حکومت مجارستان از بلوک فاشیستی به این حکومت اجازه دادند تا از تجزیه خاک چکاسلواکی استفاده کرده و قسمتی از اسلواک و مناطقی از بخش‌های کارپاتی اوکراین را در اختیار خود بگیرد.

مجارستان "هورتی" به عنوان یکی از اقمار آلمان نازی در آوریل ۱۹۴۱ در حمله به یوگسلاوی و نیز در ژوئن همان سال در تهاجم خائنانانه به اتحاد شوروی شرکت کرد. در طول جنگ بر میزان سربازان مجاری در جبهه‌های شرقی بطور مرتب افزوده شد. بطوری‌که در نیمه دوم سال ۱۹۴۴ بین ۱۵ تا ۲۷ گردان مجاری در جنگ علیه ارتش سرخ شرکت داشتند.

اتحاد دولت ارتجاعی مجارستان با آلمان نازی و تهاجم علیه اتحاد شوروی در تضاد بنیادی با منافع مردم مجارستان قرار داشت و بنابراین نمی‌توانست مورد تأیید آنها باشد. بدین خاطر با پیشرفت جنگ و عیان شدن عواقب وخیم آن از یک طرف و گسترش مبارزه حزب کمونیست مجارستان در راه خاتمه جنگ و ایجاد جبهه متحدی از نیروهای میهن‌پرست دموکرات موج نارضایتی وسیعی علیه سیاست حکومت ارتجاعی مجارستان و اربابان آلمانی آن به وجود آمد.

نهمه از صفحه ۱

## یاد شهید قاضی محمد فرزند راستین خلق ...

گرامی داشت خاطره شهید قاضی محمد و یارانش از همه نیروها و عناصر صدیق دموکرات و از کلیه پیشمرگان کرد دعوت می‌کند که در حفظ اصالت آرمان و راه قاضی محمد با مسئولیت و هشیاری تمام بکوشند. توطئه‌های باند قاسملو را که زیر نام این فرزند بزرگ خلق علیه مصالح خلقهای ایران و بیش از همه علیه خلق کرد اقدام می‌کنند خنثی و آنها را از صفوف خود طرد نمایند تا پاسدار واقعی آرمان مقدس قاضی محمد باشند.

پرورش یافتند، به همین دلیل هیچکس و هیچ نیروئی نمی‌تواند زیر پرچم شهید قاضی محمد نیت ضد انقلابی و اساساً متضاد با آرمان‌های قاضی محمد را به پیش برد. راه قاضی محمد که راه مبارزه با دشمن اصلی خلق کرد و دیگر خلقهای یعنی مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی و خارجی آن است، ادامه دارد و هر روز شکوفان‌تر می‌گردد. سازمان ما ضمن

محمد، این پایه‌گذار راستین حزب دموکرات کردستان ایران آن بود که مبارزه با امپریالیسم را وظیفه اصلی خلق کرد به منظور دستیابی به خودمختاری می‌شناخت. در دامن حزبی که او پایه‌گذارش بود، رزمندگان بسیاری که در مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن به شهادت رسیدند،

بود که در راه رهایی همه خلقهای ایران از سلطه امپریالیسم و متحدان آن مبارزه می‌کرد و به تمام مردم ایران تعلق دارد. مبارزه قهرمانانه قاضی محمد و یارانش با حکومت امریکائی شاه برای همه رزمندگان استقلال و آزادی ایران مایه الهام بوده است یکی از ویژگی‌های بارز قاضی

قاضی محمد همواره بر این حقیقت که آزادی خلق کرد تنها در چهارچوب ایرانی مستقل و آزاد معنی دارد، اعتقاد داشت. او نه تنها در عرصه اعتقاد و اندیشه بلکه در صحنه عمل نیز به این اصل وفادار بود. از این رو قاضی محمد تنها یک رهبر و رزمنده رهایی خلق کرد نیست بلکه دموکرات انقلابی



## با آشکارتر شدن رابطه قاسملو با رژیم عراق

### باند قاسملو هر چه بیشتر منزوی می‌شود

در پی پشت‌پا زدن باند قاسملو به مصوبات کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران که کوشش به‌خاطر حل صلح‌آمیز مسئله کردستان در چارچوب جمهوری اسلامی ایران و دفاع از انقلاب در مقابل توطئه‌های امپریالیسم را اساسی‌ترین وظیفه خود اعلام کرده بود. و همچنین در ادامه گسترش همکاری همه‌جانبه این دارو دسته با رژیم صدام و عناصر و نیروهای ضدانقلابی در کردستان و سراسر ایران در خرداد ۵۹ بخشی از رهبری حزب که به مصوبات کنگره پای بند مانده و سیاست باند قاسملو را خیانت آشکار به منافع خلق کرد و انقلاب ایران می‌دانست، تحت عنوان حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) اعلام موجودیت نمود.

در آن هنگام باند قاسملو با توسل به حربه ارباب، شانتاژ و عوام‌فریبی تلاش نمود مواضع "پیروان کنگره چهارم" را در نظر مردم مخدوش ساخته و با تحریک مردم، آنها را به انزوا کشانیده و نابود سازد. در ماه‌های بعد همین کوشش ضدانقلابی از جانب باند قاسملو نسبت به سیاست‌های سازمان نیز در کردستان اعمال گردید. بسیاری از گروه‌های آنارشیزست نیز در این حرکت ضدانقلابی علیه سازمان و پیروان کنگره چهارم، باند قاسملو را تشویق کردند. در آن روزها نشریات این گروه‌ها انباشته بود از حمله به سیاست انقلابی و اصولی سازمان نسبت به مسئله کردستان.

از آن روزها تاکنون بیشتر از شش ماه نمی‌گذرد همین مدت زمان کوتاه کافی بود تا بطلان توهمات و شعارهای به‌ظاهر انقلابی و در واقع ارتجاعی و راست آنها را به اثبات رساند. جریانی که رهبری جنگ علیه دولت جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان دفاع از حقوق ملی خلق کرد به دست دارد، اکنون در موضعی قرار گرفته که حتی تحمل شنیدن انتقاد از نیروهای متحد خود را نیز ندارد و در پاسخ یک اعلامیه روز روشن و در وسط شهرستاد آنها را با کالیبر ۵۰ و آر. پی. جی درهم می‌کوبد. این جریانی است که در مقابل ناراضی‌ترین روزافزون مردم از سیاست‌هایش بیش از پیش به حربه سرکوب متوسل شده و با کمک وزارت جنگ عراق نقشه حمله به پادگان‌های منطقه را طرح‌ریزی می‌نماید. و این نیست جز ورشکستگی آشکار که منجر به انزوا و نابودی آن خواهد گردید. خوابی که باند قاسملو و سایر گروه‌های آنارشیزست برای نیروهای طرفدار انقلاب در کردستان دیده بودند بیش از هر زمان دیگر نسبت به خود آنها مصداق یافته است و این سرنوشت تمام عناصر و نیروهایی است که بر خلاف مسیر و حرکت انقلابی تاریخ سمت‌گیری می‌نمایند.

در ماه‌های اخیر در ارتباط با پیام اول بهمن ۵۹ امام خمینی تعداد زیادی از افراد وابسته به باند قاسملو و سایر گروه‌های مسلح صحنه نبرد علیه جمهوری اسلامی ایران را ترک گفته و پیام

آشتی و برادری آیت‌الله خمینی را استقبال کردند. امامت‌سافانه هنوز دولت جمهوری اسلامی اقدامی جدی در جهت پاسخگویی به مسائل کردستان نکرده است. در حالی که تامین حقوق عادلانه خلق کرد، ضمن جلب اعتماد از دست رفته توده‌ها در کردستان بزرگترین حربه در مبارزه با ضدانقلاب است.

در روزهای گذشته چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی گروه قاسملو به‌همراه تعدادی از مسئولین اعضاء و پیشمرگان صادق که بعد از مدت‌ها کشاکش به ماهیت واقعی باند قاسملو پی برده بودند طی نامه‌ها و اطلاعیه‌هایی که در کردستان انتشار یافت، جدایی خود را از باند قاسملو اعلام داشتند. در این اطلاعیه‌ها، آنها ضمن نشان دادن وابستگی باند قاسملو به رژیم صدام و سیاست‌های امپریالیسم، پشتیبانی خود را از انقلاب ایران و حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان در چارچوب جمهوری اسلامی اعلام نمودند. این افراد عبارتند از:

- ۱- رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه ترگور و مرگور
- ۲- جهانگیر اسماعیل زاده عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه سوم‌ابراودوست
- ۳- قادر عبدی عضو کمیته مرکزی و مسئول سابق منطقه پیرانشهر
- ۴- سنار مامدی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه انزل و سلماس

باند قاسملو که پیش از آن از تصمیم افراد فوق اطلاع یافته بود، با اعلام حکومت نظامی در منطقه و ترتیب دادن توطئه و توسل به دستگیری و زندانی ساختن مخالفین از اعلام رسمی انشعاب این افراد سرشناس جلوگیری می‌نماید. در نتیجه این توطئه‌ها تعداد بسیار زیادی از مخالفین توسط باند قاسملو دستگیر و زندانی شدند که در میان آنها افراد سرشناس نیز وجود دارند: قادر عبدی عضو کمیته مرکزی، رحیم ملا (مسئول امور مالی سابق هیزی تاوآره)، پیروت اسکندری معاون هیزی تاوآره، زرارخست‌زر کادر سیاسی، سلیمان آریانیپور معاون دوم هیزی تاوآره، رحیم امیری مسئول تشکیلات هیزی، محمد امین طاهری مامندامینی رحمان کسرائی، سید خالد سیلوه باقی سبیل و قادرنامی. علاوه بر این افراد تعداد زیادی از پیشمرگان هیزی تاوآره که پیش از آن رحمان کریمی فرمانده آنها بود، دستگیر و خلع سلاح شدند. همچنین چندین نفر از هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در منطقه پسوه بازداشت شده‌اند.

رحمان کریمی، در جنگ پیرانشهر که در مهر ۵۹ با کمک وزارت جنگ عراق و همکاری باند قاسملو سازمان یافته بود، از دستور قاسملو مبنی بر حمله به پادگان پیرانشهر خودداری نمود و در نتیجه نیروهای دولتی در مقابله با ارتش صدام امکان یافتند در منطقه استراتژیک تمرچیان استقرار یابند. در این رابطه کریمی از جانب

قاسملو شدیداً مورد توبیخ قرار گرفت و از فرماندهی هیزی تاوآره برکنار گردید. جدایی این افراد که عموماً از افراد سرشناس و ذینفوذ در منطقه می‌باشند، ضربه سختی است بر پیکر پوسیده دارو دسته قاسملو که به‌واسطه سیاست‌های ضدانقلابی‌شان هر زمان با بحران‌های بیشتری مواجه خواهد گردید. اعلام جدایی رحمان کریمی و سایر همفکران وی بدون شک گامی است در جهت تقویت نیروهای انقلابی مدافع حقوق واقعی خلق کرد. آنها در آخرین اطلاعیه همبستگی خود را با حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) اعلام کرده‌اند. سازمان ما از موضع ترقیخواهانه آنها علیه باند قاسملو قاطعانه حمایت می‌کند.

ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که دولت جمهوری اسلامی ایران در سال جدید باید بر خلاف گذشته در جهت تامین حقوق ملی خلق کرد و برقراری صلح و آرامش در کردستان که ضرورت انقلاب ایران است، گام بردارد. بدون شک هر گامی که دولت در این زمینه به پیش بردارد، ضمن تضعیف ضدانقلاب با حمایت مردم و نیروهای مدافع انقلاب همراه خواهد بود. دفاع از نیروهای طرفدار صلح در کردستان، دفاع از انقلاب ایران است. ما همچنان که در پیام سوزنی سازمان تاکید کرده‌ایم، حل عادلانه مسئله کردستان و تحقق خواسته‌های عادلانه خلق کرد ضامن یکپارچگی میهن و وحدت مردم مبارز ایران است و برای انقلاب ایران اهمیت حیاتی دارد. دولت جمهوری اسلامی و همه نیروهای جمهوری اسلامی که خواهان استقلال و یکپارچگی ایران‌اند، لازم است که شرایط حساس کردستان را درک کنند و فرصتی را که به‌ویژه در شرایط امروز برای حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و انزوا ضدانقلاب در این منطقه از میهن به‌وجود آمده است، غنیمت شمارند.

در زیر متن دو سند افشاگرانه‌ای را که توسط رحمان کریمی و دوستانش علیه باند قاسملو و در دفاع از مواضع ترقیخواهانه خود منتشر ساخته‌اند، می‌آوریم. ما در آینده اسناد باز هم بیشتری در این مورد در نشریه کار درج خواهیم نمود.

دوستان عزیز کاک دکتر شرفکندی کاک مصطفی شلماشی (درون حزبی) نامه شما را دریافت کردم. کارهایتان بسیار ماجراجویانه است. برادر عزیز این ژنرال بازی‌ها را کنار بگذارید. به آینده این خلق ستم‌دیده بنگرید. از قرار معلوم همین استدلال‌های منفی و سفسطه‌بازی‌های از تفکر علمی دور برای اقناع مردم می‌آورید، عجیب است. می‌ترسم در این چند روز دیوانه هم شده باشید. چون تصور نمی‌کردم هیچ‌کدامتان دروغگو باشید.

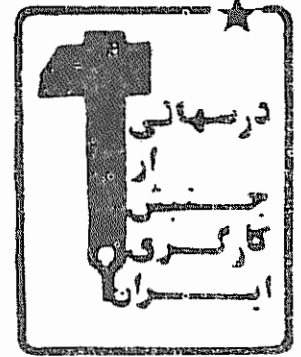
کاک مصطفی از یک طرف برایم نامه نوشتی که حتی بدون تفنگ می‌آیم. از طرفی هم جاش‌های بعضی را جمع کرده و به‌قصد لشکر کشی آمده‌ای. رفیق خداوند عقل بیشتری به شما بدهد! اگر منطق نبود، فریب و زور هست!

کاک‌دکتر و کاک‌مصطفی دفتر به اصطلاح سیاسی‌تان بازهم حکم داده، خیلی خوب ما این حساب‌ها را روزی در محضر خلق فهران کرد و انقلابیون این خلق خواهیم کرد. بازهم تذکر می‌دهم ما قصد دستگیری شما را نداشته‌ایم چون شماها را عروسک‌های کوکی بیشتر به حساب

بقیه در صفحه ۲۰

## بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

### علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



# شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری

(قسمت هفتم)

وسیله مقاومتی داشته باشند. این وسیله همانا تشکیلات کارگری است که ابتدائی‌ترین شکل آن همان سندیکا است. زیرا در این صورت کارفرما نه با کارگران پراکنده بلکه با اتحاد متشکل آنها روبروست.

در همان زمان مشخص بود که طرح مجرد تشکیلاتی صنفی - طبقاتی کارگران به‌خودی خود نمی‌توانست پاسخگوی مسائل و نیازهای مبرم جنبش کارگری میهنان باشد. در آن زمان شوراهای به‌سرعت پیروسته تکوین و گسترش خود را طی می‌کردند و کارگران در ابعاد توده‌ای خود بطور عینی در آنها متشکل می‌شدند. سازمان ما هم بنا بر نقش موثر خود در جنبش کمونیستی - کارگری میهنان نمی‌توانست بدین پدیده بی‌اعتنا و بی‌تفاوت باشد و لذا ایجاد تشکیلات شورایی را به‌مثابه مبرم‌ترین وظیفه به کارگران توصیه نمود. سازمان اگرچه در ابتدا، در فعالیت تبلیغی و عملی خود به مضمون و خصلت دوگانه این شوراهای بطور مبهم اشاره داشت ولی این توجه در حد اشارات مبهم باقی‌ماند. زیرا پایه‌های تئوریک مضامین سندیکائی و شورائی و کمیته‌های فابریک برای ما روشن نبود و توجه سازمان به این قانونمندی سازمان‌یابی کارگران در این تشکیلات پیش از آنکه آگاهانه و مطابق برنامه باشد، خودانگیخته و ناشی از فشار جنبش کارگری بود. از این رو به‌تدریج، هم‌روند با تشدید تضاد بین شوراهای و دولت موقت لیبرال‌ها بر سر چگونگی اداره واحدهای تولیدی و صنعتی و تغییر نسبی توازن موجود بین وجوه متفاوت فعالیت آنها به سود وجه شورایی این وجه از فعالیت آنها، به‌گونه‌ای یکجانبه در مرکز تبلیغ و ترویج قرار گرفت و هم‌زمان با آن ضرورت اتحاد صنفی طبقاتی کارگران عملاً و به‌تدریج و بیش از پیش در هاله ابهام ماند. این امر حتی تا بدانجا پیش رفت که از یک سو اهمیت تشکیلات سندیکائی طبقه کارگر اساساً مورد نفی و انکار! قرار گرفت و از سوی دیگر شوراهای موجود اهرم شرکت طبقه کارگر در قدرت سیاسی دانسته شد.

"آیا در این مرحله سندیکا می‌تواند جوابگوی خواست‌های ما باشد و یا اینکه ما نیاز به تشکیلات جدیدی داریم که بتوانیم به‌توسط آن در دولت شرکت کنیم و نمایندگان واقعی خود را برای دفاع از حقوق کارگران انتخاب کنیم. این تشکیلات جدید همان شورای کارگری است که تا به‌حال در برخی از کارخانجات تشکیل شده است."

(کار شماره ۱۵)

چنین موضعی در قبال تشکیلات شورایی جدا از آنکه متأثر از اغتشاش موجود در مضمون عملکرد آنها از سویی و برآمد عینی وجه شورایی فعالیت آنها در مقاطعی، از سوی دیگر بود، در اساس ناشی از علل و عواملی بود که ذیلاً نقل می‌کنیم:

اولاً: عدم درک عمیق و همه‌جانبه ضرورت تشکیلات سندیکائی طبقه کارگر به‌مثابه وسیله‌ای ضرور برای دفاع از منافع صنفی - طبقاتی کارگران، تامین وحدت و یکپارچگی در صفوف طبقه کارگر و افزایش وزن و اعتبار آن در روند انقلاب. ثانیاً: نداشتن درک نظری و شناخت عملی

در شرایطی که سندیکای انقلابی هنوز به‌وجود نیامده ولی به‌عوض آن کمیته فابریک به‌مثابه پایه عینی آن کم و بیش شکل گرفته است و عملکرد عمدتاً مضمونی صنفی - طبقاتی دارد، کارگران می‌توانند با این اهرم صنفی - طبقاتی به‌تدریج سندیکاهای انقلابی را پایه‌ریزی کنند. ضمن آنکه نمایندگان آنها در تشکیلات مدیریت واحد نیز برای اداره امور واحدها شرکت و نظارت فعاله می‌توانند و باید داشته باشند و به‌اتکای منافع صنفی - طبقاتی‌شان نظم انقلابی در واحدها را تامین نموده و در جهت تداوم تولید و پایه‌ریزی استقلال اقتصادی بکوشند.

این مسئله که شوراهای موجود تشکیلات صنفی طبقاتی کارگران نبوده و نیستند، حقیقتی مسلم بوده و هست. ولی گفتن این حقیقت ما را از ارائه رهنمودهای عملی بی‌نیاز نمی‌گرداند، همراه با این حقیقت که شوراهای موجود تشکیلات صنفی - طبقاتی نیستند یک واقعیت نیز وجود داشته و دارد و آن این است که توده کارگران بنا به دلایل عینی بسیاری امر مبارزه به‌خاطر مطالبات صنفی - سیاسی روزمره خود را عمدتاً از طریق همین شوراهای پیش برده و می‌برند. بنابراین پایه‌ریزی تشکیلات سندیکائی مناسب‌ترین زمینه عینی خود را در همین تشکیلات مبارزاتی داشته و دارد. کارگران انقلابی باید در همین شوراهای موجود با مضمون متناقض و دوگانه‌شان به‌نحو پیگیر و مستمر شرکت جسته و روند ایجاد تشکیلات سندیکائی کارگران را تسریع نموده و سازماندهی کنند. وحدت و تشکیلات صنفی - طبقاتی کارگران در جایی تکوین می‌یابد که مبارزه به‌خاطر مطالبات صنفی - طبقاتی بطور عینی در آنجا جریان داشته باشد. و واقعیت آن است که این مبارزه در طول دو ساله پس از انقلاب بیش از هر جا در همین شوراهای جریان داشته است و نه در تشکیلات صنفی - طبقاتی‌ای که می‌بایست و باید به‌تدریج شکل بگیرد.

بدون تردید عدم موضع‌گیری در قبال شوراهای در کنار تبلیغ یکجانبه تشکیلات صنفی، عملاً بر پیشداوری‌های موجود (در ذهنیت توده کارگران) دامن زده و برداشت‌های مخدوش کارگران و نیروهای انقلابی غیرپروولتری را از سندیکا و مبارزه سندیکائی تقویت نموده و می‌نماید. این بود عمده‌ترین وجوه خطاهای دیدگاه "حزب توده" از تشکیلات کارگری. و اما آنچه که به بیش از سازمان ما و سهم ما در مخدوش کردن مفاهیم اصولی و واقعی این تشکیلات مربوط می‌شود، به‌قرار زیر است:

سازمان ما در نخستین ماه‌های پس از انقلاب به‌منظور پاسخ به مطالبه عینی وحدت و تشکیلات صفوف طبقه کارگر، ابتدا به‌درستی بر ضرورت تشکیلات صنفی - طبقاتی (سندیکائی) کارگران تاکید کرد و آن را در مرکز ترویج و تبلیغ خود قرار داد. در همین رابطه توسط سازمان ما در اسفندماه ۵۷ جزوه‌ای با عنوان "بحثی درباره سندیکا" انتشار یافت که در آن بر این موضوع چنین تصریح شده بود:

"واضح است که در مقابل زورگویی‌ها و غارتگری‌های سرمایه‌داران، کارگران باید

صحیح از "سندیکا"، "کمیته فابریک"، "شورای واحد (مدیریت)" و "شورای قدرت" و از کاراکتر، نقش مضمون و وظایف مبانی فعالیت هر یک و چگونگی مناسبات متقابل بین آنها.

ثالثاً: نداشتن تصویر صحیح و عینی از سرشت و مضمون دوگانه "شوراهای موجود" و در آمیختن مفهوم آنها با "شوراهای واحد" و اختی "شوراهای قدرت".

رابعاً: برآورد ذهنی از ظرفیت انقلابی شوراهای موجود بر زمینه ارزیابی نادرست از آرایش و توازن واقعی قوای طبقات.

در واقع درکی که سازمان ما در این زمان از شوراهای موجود داشت، بیش از آنکه انعکاس مبارزه قانونمند پروولتری بوده و از اصول علمی ناظر بر آن تاثیر پذیرفته باشد، بازتاب خودانگیختگی حاکم بر جنبش کارگری بوده و از واقعیات پراکنده‌ای که در این یا آن واحد تولیدی جریان داشته، متأثر بوده است. برآمد عمل مستقیم انقلابی کارگران تا حد اداره مستقل تعدادی از واحدهای تولیدی توسط شوراهای موجود این توهم گشته بود که این تشکیلات در مجموعه خود، ارگان‌های اعمال کنترل کارگری! بر موسسات تولیدی بوده و حتی از آن فراتر کارگران می‌توانند و باید، با اتکاء به آنها، در قدرت دولتی موجود نیز شرکت جویند.

چنین بینشی با تکیه بر اسلوب غیرعلمی تعمیم ویژگی‌های خاص به قوانین عام و اخذ نتایج دلخواه از روندهای عینی، در تداوم خود اعلام نمود که:

"شوراهای این نطفه‌های اعمال اراده توده‌ای باید به ارگان‌های حاکمیت تبدیل گردند و دولت نوع جدید را به وجود آورند."

(نبرد خلق - مرداد ۵۸ - صفحه ۳) تذکر این نکته در همینجا لازم است که اگر چه در این مقطع سازمان ما همچنان به ایده تشکیلات صنفی - طبقاتی کارگران اشاره داشت لیکن توجه به آن هرگز از حیطه ترویج مجرد مبانی تئوریک آن (مقاله "درباره اتحادیه" شماره‌های ۶ و ۷ نبرد خلق) به عرصه عمل مشخص، آگاهانه و هدفمند برای پایه‌ریزی آن وارد نشد و آنچه که عملاً در این زمان، در مرکز فعالیت تبلیغی سازمان قرار داشت و به آن تکیه می‌شد، رهنمود کارگران برای تشکیلات در "شوراهای" بی بود که مضمون فعالیت آنها را از دیدگاه سازمان فوقا اشاره کردیم.

ضمناً تاکید بر این نکته نیز ضروری است که یکی از عوامل مؤثر در طرح و تبلیغ پیگیرانه شعار "شوراهای" به مثابه پایه "سازمان قدرت" عدم شناخت صحیح از ترکیب و ماهیت طبقاتی حاکمیت، ارزیابی نادرست از انقلاب بهمن و روند و سمت آتی تحول و پیشرفت آن بود. این موضع‌گیری عملاً تا مقطع تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و برآمد ضدامپریالیستی وسیع توده‌ها تداوم یافت.

تسخیر لانه جاسوسی و سقوط دولت موقت لیبرال، هم‌زمان با تحولات ایدئولوژیک سازمان از دو نظر بر کیفیت مواضع سازمان در قبال تشکیلات شورایی موجود اثر نهاد. از یک سو این رویداد، سنگین‌ترین ضربه را بر بنیاد ارزیابی نادرست سازمان از انقلاب و چشم‌انداز آن وارد آورد و اساس شناخت توهم‌آلود آن را از ماهیت طبقاتی جناح‌های گوناگون حاکمیت تغییر داد و این خود سبب شد تا سازمان به عمق خطای موجود در درک خود نسبت به "شوراهای"

پی ببرد. از سوی دیگر خیزش عظیم ضدامپریالیستی میلیون‌ها توده خلق، در سراسر ایران که بیانگر تعمیق خصلت ضدامپریالیستی

## باندهای سیاه را افشاء کنیم کارنامه سیاه آقای فهیم کرمانی

از آنجائی که هدف ما در این ستون نشان دادن عملکردهای ضدانقلابی، تروریستی و سرکوبگرانه سازمان یافته باندها و عناصر ضدانقلاب و یا در خدمت ضدانقلاب است، این شماره را به افشای عملکردها و کارنامه سیاه آقای فهیم کرمانی "حاکم شرع دادگاه انقلاب اختصاص می دهیم. زیرا با توجه به اثرات و نتایج مخرب اعمال ایشان که عملاً و به شکلی گسترده در خدمت ضدانقلاب و باندهای سیاه قرار گرفته است، اعمال ایشان را می توان در ردیف عملکردهای ضدانقلابی باندهای سیاه دانست. ترور دبیر مبارز "علی فدائی" و پیآمدهای آن نیز در این اواخر بر این واقعیت صحه می گذارد. ضمناً رفقای هوادار سازمان در جزوهای تحت عنوان "خواسته های اصلی مردم از انقلاب و کارنامه سیاه آقای فهیم کرمانی" به افشاء چهره و کارنامه سیاه فهیم کرمانی پرداخته اند.

داده است. در بیدادگاه فرمایشی خویش از "عباس خان" ارباب ظالم ده خرپشت حیرفت حمایت کرده و دهقانان زحمتکش جوانان مبارز انقلاب آن روستا را به محاکمه می کشد. آقای "فهیم" به جای مبارزه با سرمایه داران و تجار بزرگ به حمایت از آنها برخاسته و به نوبه خود از حمایت مادی و معنوی تجار بزرگی مانند "حاجی کارتی" برخوردار بوده است. در این اواخر پس از اینکه صاحبان کوره پزخانه ها، کوره ها را تعطیل کردند آقای "فهیم" به جای آنکه صاحبان کوره پزخانه ها را که با تعطیل کوره ها عامل اصلی بیکاری و فحشاء و... هستند، به محاکمه بکشد، برعکس مأموران خود را به محل کوره ها فرستاده و کارگران مبارز و معترض را تهدید به محاکمه می کند. همواره کارگران مبارز را کدیه خاطر اضافه کاری دستمزد ناچیز خود علیه سرمایه داران مبارزه کرده اند، تهدید به زندان، اعدام و یا اخراج نموده و در این رابطه سوابق ننگینی دارد. نمونه آن برخورد ایشان با کارگران و کارکنان ذوب آهن، ممانعت از تشکیل شوراهای آنها زندانی کردن نمایندگان کارگران و حمایت از "سالور" و سایر روسای ضدانقلابی ذوب آهن است.

به مقابله با پخشداران انقلابی "ساردونیه" و "حیالبارز" که مردم را علیه فتوادل های ساواکی آگاه می ساخته اند، پرداخته و آنها را بازداشت می کند. پخشدار انقلابی "حیالبارز" را بدون مجوز قانونی یک ماه در زندان نگاه می دارد و آنها را از کرمان تبعید می کند. آقای "فهیم" علیه شوراهای مردم هر کجا که توانسته اقدام نموده و علیه حقوق سیاسی - صنفی مردم به وحشیانه ترین شکلی عمل کرده است. از جمله در اواخر آذر ماه در اجتماع فرهنگیان با کمال وقاحت به آنان حمله کرده و می گوید:

"دردهان آنهایی که بحث سیاسی در مدارس می کنند باید سرب داغ ریخت و آنها را به قبرستان مفسدین فرستاد."

به جای مبارزه واقعی که همان مبارزه با سرمایه داران و فتوادل هاست با سنگسار کردن فبیع چند نفر از فواحش که خود قربانی نظام طبقاتی هستند با تظاهر به مبارزه علیه فحشاء از یک سو بر علل اجتماعی آن که همان زمینداری بزرگ و سرمایه داری است، سرپوش نهاده، از سوی دیگر بهترین سوژه تبلیغاتی را علیه انقلاب و رهبری آن برای امپریالیست ها و لیبرال ها فراهم آورد.

آقای "فهیم" در تمام موارد دستگیری عناصر سیاسی و مبارز همه آنها را مورد تفتیش عقاید قرار داده و به وحشیانه ترین شکلی مورد بازجویی قرار داده و شیوه های ارباب و تهدید ساواک را به خدمت گرفته است. و تاکنون نیز انقلابیونی چون رفقا "علی میرشکاری"، "محمد رسول عزیزیان"، "صدیقی پور" را در بیدادگاه فرمایشی خویش تفتیش عقاید کرده و تنها به جرم عقیده محکوم به اعدام نموده است حتی در مورد فدایی شهید "محمد رسول عزیزیان" از آنجا که نتوانست مدرکی ارائه دهد پیشمرمی ربه جایی رساند که بطری آب خوردن را که از یخچال او برداشته بودند، به عنوان بطری مشروب ضمیمه پرونده او کرده. تا بدین وسیله اعدام او را توجیه کنند!؟

همچنین دارودسته آقای "فهیم" همواره به تحریک و فرمان وی به اجتماعات دانشجویان انقلابی حمله کرده و نمایشگاه های ضدامپریالیستی مجامع مترقی و... را برهم زده

بقیه در صفحه ۱۹

مرتجعی چون "توکلی" "ابوسعیدی" و فاریابی ساواکی را بدون قید و شرطی آزاد کرده و در مقابل دهقانان و زحمتکشان منطقه به حمایت از جنایتکاران سرگردنه گیری مانند "نظرخان فارویی"، "شیرانی" و "مالکی ها" و دیگر خان های مرتجعی برمی خیزد که دهها هزار دهقان زحمتکش را چپاول کرده و با مالکیت غاصبانه خویش بر بزرگترین اراضی حاصلخیز آنان ریشه بیکاری فحشاء و اعتیاد را آبیاری کرده اند.

با هیئت های هفت نفره واگذاری زمین به هنگام تقسیم اراضی فتوادل های غاصب در جیرفت، درگیر شده آنها را به محاکمه تهدید می کند و به پاسداران مبارز جیرفت که تاکنون در نبرد با فتوادل ها و عوامل ضدانقلاب منطقه چندین شهید داده اند، برخوردی خصمانه کرده و حمایت آنها را از هیئت های هفت نفره و مقابله شان را با فتوادل ها مورد نکوهش قرار

عملکردهای آقای "فهیم کرمانی" مجموعاً در خدمت ضدانقلاب است ایشان که دادگاه اسلامی کرمان را به بیدادگاه فرمایشی خویش تبدیل ساخته است تاکنون جز تقویت سرمایه داران و زمینداران بزرگ جز تقویت باندهای سیاه، ساواکی ها و عناصر خودفروخته، جز دفاع از منافع فتوادل ها و خان های مرتجع جز سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی کاری انجام نداده است. برای ترسیم چهره این فرد کافی است ورق های سیاه پرونده قطور اعمال ضدانقلابی ایشان را ورق بزنیم.

او در اولین جلسه دادگاه انقلاب اسلامی کرمان، ساواکی های خودفروخته ای نظیر سرهنگ معتمد که در آتش زدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم دست داشتند آزاد کرد و در پاسخ اعتراضات مردم نسبت به این عمل، مزورانه اعلام می کند که آنها شاکی نداشتند؟! با دفاع از فتوادل های منطقه، خان های

### خوانین: ما را مسلح کنید!!

کهگیلویه - خوانین کهگیلویه که تعداد زیادی از آنان پس از انقلاب دستگیر و سپس آزاد شدند جلساتی در "کلک" از توابع بهبهان تشکیل داده اند. آنها از دولت تقاضای اسلحه کرده اند و می گویند:

چون خوانین کردستان و بلوچستان مسلح هستند، خوانین جنوب نیز باید مسلح شوند!!

### همکاری نزدیک گروه (شیت)

#### با حزب رنجبران

کرمانشاه - گروهی از عناصر معلوم الحال سهجانی که در حزب رنجبران متشکل شده اند با سردمداران باند سیاه "شیت" در خانه دکتر "شمسی پور" (شوهر خواهر سیاوش کرم کاندیدی حزب رنجبران) جلساتی توطئه آمیز ترتیب می دهند. در این جلسات "سیاوش کرم"، "هادی میرمعینی"، "جعفر کرم" (برادر سیاوش کرم)، "صادق کرم" (برادر سیاوش کرم معروف به صادق شیت)، "شاهرخ دایی پور"، "رمضان رحیمی"، "جلیل کرم" (پسر عموی سیاوش کرم)، "امیر کرم" (پسر عموی سیاوش کرم)، "موتضی ارشادی" و "مجتبی ارشادی" شرکت کردند.

## ضد انقلاب را افشاء کنیم

### افراد مشکوک در کمیته میاندوآب

میاندوآب - در راس کمیته میاندوآب افراد مشکوک و ضدانقلابی چون "غلام نژاد" "زیاد" "مهراب" (برادر حاجی جمشید) و اعوان و انصارشان قرار دارند که هدفی جز ایجاد درگیری و تشنج و دامن زدن به جنگ برادر کشی بین کرد و ترک ندارند.

### خوانین بلوچستان باید دستگیر شوند

بلوچستان - بازماندگان خانواده "علم" وزیر دربار شاه خائن با همکاری خوانین و افغانی های مزدور مسلح و ضدانقلابیون فراری دست در دست هم مشغول توطئه علیه انقلاب ایران هستند. این جنایتکاران به طرق گوناگون زحمتکشان منطقه را که حاضر به همکاری با آنان نیستند، زیر فشار قرار داده اند.

### اخبار شهرستانها

#### برخوردهای خونین در بندرعباس و قزوین و شهرهای شمال زئینه ساز توطئه های جدید است

وقایعی که از یک ماه ونیم پیش در بندرعباس با ایحاد اعتشاش و درگیری از جانب گروهکها و اقدامات غیر مسئولانه بعضی از مقامات و نهادها ( آشوب طلبی های عناصری همچون آقای شریفی و ... ) جریان داشت با ترور یکی از هواداران مجاهدین در آخرین روزهای سال گذشته ، ابعاد تازه ای یافت . مادر شماره های گذشته نشریه کار در رابطه با اوضاع متشنج این شهر و ضرورت برخورد مسئولانه با نیروهای انقلابی و مقابله منطقی با گروه های چپ و لیبرالها مطالبی نوشتیم . اما متأسفانه برخوردهای تنگ - نظرانه و نسجیده بعضی از مسئولان و نهادهای انقلابی و تشخیص ندادن دوست و دشمن از هم و نیز توطئه های سازمان یافته ضد انقلاب بر ناآرامی و تشنج در بندرعباس افزوده است . این وضعیت هم اکنون در بسیاری از شهرها از جمله شهرهای شمالی کشور حکمفرماست . در این میان عده ای از پاسداران و مسئولان شهرها سبزه دام این تحریکات می افندند و با اعمال تنگ نظرانه و نادرست کار را به خشونت و زد و خورد می کشانند باند های سیاه ، عناصر مشکوک و ساواکی به همراه لیبرالها نیز بهترین فرصت را برای صریح زدن به انقلاب و بهره برداری از اوضاع بدست می آورند .

حنايات توطئه آمیزی که در اواخر سال گذشته در بندرعباس ، لاهیجان ، قزوین ( دستگیری تعداد زیادی از هواداران مجاهدین و ترور یکی از آنها ) و چندین شهر دیگر به وقوع پیوست نشانه های تازه ای از به آشوب کشاندن شهرها و رویارویی نیروها دارد . در ایام عید در رامسر و تنکابن و چند شهر شمالی دیگر نیز درگیری هایی وجود داشت که اگر ادامه یابد این مناطق را به آشوب خواهد کشید . این درگیری ها و نتایجی که به دنبال خواهد داشت بهترین خوراک برای ضدانقلاب و لیبرالهاست . بی توحهی و ندانم کاری مسئولان جمهوری اسلامی که تاکنون بیشترین ضربه را به اتحاد نیروهای انقلابی و موجودیت انقلاب وارد آورده ، چنانچه مانند گذشته ادامه یابد ، معنایی جز زمینه سازی برای توطئه گران نخواهد داشت .

#### اهواز - بازداشت و محاکمه نیروهای انقلابی

#### تنها امیربالیسیم امریکا و لیبرالها را خشنود می کند

دادگاه انقلاب اسلامی اهواز سه تن از رفقای ما به نام های علی مهداد ، اردشیر سراج و محمود رضوان را به اتهام شرکت در وقایع یک

سال گذشته دانشگاه اهواز به حبس هایی از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم کرد ! این عمل ، گذشته از واهی بودن اتهامات و ناعادلانه بودن محاکمه نشانگر سیاست کینه توزانه و انتقام جویانه مسئولان دادگاه اهواز است . محاکمه و به زندان افکندن نیروهای انقلابی ، در شرایطی که دشمن متجاوز با موشک و خمپاره مردم عادی را در کوچه و خیابان اهواز و دیگر شهرها به خاک و خون می کشد ، جز شکاف انداختن میان صفوف خلق و شاد کردن دشمن ، نتیجه دیگری دربر ندارد . کسانی که دستشان به خون پاک پزشک فدakar فدایی خلق دکتر نریمیسا و کارگر پیشرو رفیق ناصر بهرامی و تعدادی دیگر از انقلابیون آغشته است کسانی که در وقایع دانشگاه اهواز نیروهای انقلابی را در سالن شهرداری و بازداشتگاه زرگان به گلوله بستند و اجساد غرقه به خون آنان را به کنار رودخانه کارون انداختند کسانی که صحنه های دلخراش از جنایت و قساوت آفریدند و ... یا همچنان بر مسند قضاوت اند ! و یا آزادانه در شهر گردش می کنند و آن وقت به حای آنکه در این شرایط حساس تمام نیروها در جهت مبارزه با دشمن مشترک بسیج شوند ، پیرونده های واهی یک سال پیش به میان کشیده می شود و نیروهای مبارز به میز محاکمه کشانده می شوند !!

هم اکنون تعداد دیگری از رفقای ما که هواداران راستین انقلاب اند ، به همین اتهامات واهی در زندانها به سر می برند . از آن جمله می توان به پزشک انسان دوست دکتر سبزه قیایی اشاره کرد که هنگام عزیمت به جبهه های نبرد ، بازداشت شد .

ما ضمن آنکه اقدام اخیر دادگاه انقلاب اسلامی اهواز را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری رفقای زندانی خود هستیم آن گروه از مسئولان را که به عواقب ناگوار اینگونه اقدامات واقف هستند مخاطب قرار می دهیم و یادآور می شویم که محاکمه و بازداشت نیروهای متحد انقلاب و جمهوری اسلامی ، تنها امپریالیسم آمریکا و لیبرالها را خشنود می سازد . ما همچنانکه در عمل نیز نشان داده ایم معتقدیم باید تمامی نیروها و امکانات را در جهت مبارزه با دشمن متجاوز به کارگرفت و صفوف خلق را برای رویارویی با توطئه های پی در پی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا متشکل کرد .

#### معلمان انقلابی مسجد سلیمان را به کار بازگردانید

مسجد سلیمان - نزدیک به شش ماه از اخراج و پاکسازی ! دهها معلم متعهد و انقلابی مسجد سلیمان می گذرد . در این مدت علیرغم وعده هایی که داده شده ، نه تنها هیچگونه اقدام مثبتی انجام نگرفته بلکه خودسری و کونه - فکری عده ای از مسئولان آموزش و پرورش مسجد سلیمان مشکل را پیچیده تر کرده است . فرهنگیان متعهد که با هوشیاری انقلاب و درک حساسیت شرایط جلو هرگونه توطئه ، درگیری و سوء استفاده عوامل ضدانقلاب را گرفته اند ، ضمن پشتیبانی از اخراج عوامل وابسته به رژیم سابق ، خواهان بازگشت خود به کلاس های درس هستند .

#### خبرهای کوتاه از شهرستانها

سیستان و بلوچستان - قاچاقچیان ، فتوادل های افغانی و عوامل ضدانقلاب بر فعالیت های خود در منطقه سیستان و بلوچستان افزوده اند . آنها در اوایل اسفند ۷ پاسدار را در جاده خاش - ایرانشهر به شهادت رساندند و چند روز بعد در جاده راسک و گرم بیط به افراد ژاندارمری حمله می کنند که دو سرباز کشته می شوند . در یک درگیری دیگر دونفر از ضدانقلابیون کشته و دو پاسدار مجروح می شوند . اخیراً ماشین های دزدی را از شهرهای مختلف ایران به زاهدان می آورند و آنها را قیمت ارزان به فتوادل های افغانی می فروشند . این مزدوران از ماشین ها برای حمل قاچاق و اعمال ضدانقلابی دیگر استفاده می کنند

شهر کرد - یکی از هواداران سازمان با همکاری سپاه پاسداران منطقه ، نزولخوار و محترک معروف شهر و عده ای از یاران وی را دستگیر می کنند . پاسداران پس از انجام عملیات به رفیق ما می گویند :

" ما چه کاری می توانیم برایت انجام بدهیم ؟ " رفیق در جواب می گوید :  
" بهترین خدمت شما این است که مرا به جبهه بفرستید " سپاه چند روز بعد رفیق را به جبهه اعزام می کند .

ماهشهر - در حمله هواپیماهای متجاوز عراقی به ماهشهر در تاریخ بیست و هشتم بهمن ماه ۵۹ کارخانجات شیمیایی رازی و چند کارخانه دیگر هدف بمباران قرار می گیرند . با اینکه حملات از ماهها پیش قابل پیش بینی بوده و اطراف کارخانجات شیمیایی رازی نیز توپ ضد هوایی کار گذاشته شده بود اما به علت نداشتن خدمه ، خساراتی به کارخانه و قسمتی از شهر وارد می شود .

### اخبار کردستان

#### سردشت - راه های ورودی شهر باز شده است

مدتی است راه های ورودی شهر باز شده و مغازه داران کالاهای مورد لزوم مردم را وارد می کنند . البته حزب دموکرات باج خود را از آنان می گیرد ! قیمت ها سرسام آور است .

چندی پیش مسئولین آموزش و پرورش که عمدتاً خط امام هستند از معلمین در تمام مدارس ( شهر و روستا ) خواستند که در بی جلساتی نظریات خود را نسبت به چگونگی حل مسئله کردستان جمع بندی و به مسئولین بدهند که مستقیماً برای امام فرستاده شود . این مسئله گام مثبتی بود و مورد استقبال تمام معلمین مترقی قرار گرفت . در یکی از مدارس ( مدرسه شریفزاده ) پیشنهاد شده بود که این جلسات در تمام مدارس استان مطرح و عمومیت داده شود .

#### سندج - اوضاع متشنج

حملات پیشمرگان مسلح به مقرهای نظامی و نیروهای دولتی و در حاده ها که از مدتی پیش بقیه در صفحه ۱۹

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

## از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

### ضد انقلاب در بندرعباس توطئه می‌کند

\* - هواداران سازمان در استان ساحلی با انتشار تراکتی اعلام داشتند :  
" ... درگیری‌ها ، اغتشاشات ، ترور و ناامنی که اخیراً در شهرمان صورت گرفته است از سلسله توطئه‌های گسترده امپریالیسم آمریکا علیه جنبش انقلابی مردم میهنمان است ."

### اخراج صدها کارگر، عیدی مدیران لیبرال به زحمتکشان

\* - هواداران سازمان در میاندوآب اعلامیه‌ای منتشر کردند و ضمن محکوم کردن حرکت‌های ضد انقلابی و ضدکارگری مدیران لیبرال کارخانه قند میاندوآب که منجر به اخراج ۳۰ نفر از کارگران قسمت قند ( حبه ) شده است یادآور شدند :  
" ... ما هواداران فداییان خلق ( اکثریت ) از خواست‌های به حق کارگران اخراجی تا بازگشت همه آنها بر سر کار و تضمین آن از طرف مسئولین قاطعانه پشتیبانی کرده و ندای آنها را به گوش سایر زحمتکشان خواهیم رساند "

### جمهوری اسلامی به دست خود در ارومیه تشنج می‌آفریند

\* - شاخه آذربایجان سازمان با انتشار اعلامیه‌ای ، ضمن اشاره به تحریکات و اعمال ضدانقلابی " ملاحسنی " و دارودسته‌اش ، تصفیه عناصر انقلابی از سپاه پاسداران را محکوم کرده است

### در منطقه غرب ضد انقلاب مشغول ساز و اندازی است

\* - هواداران سازمان در منطقه کرمانشاهان بیانیه‌ای در مورد توطئه‌های ضدانقلاب در منطقه غرب منتشر کردند . در این بیانیه ضمن افشاء و محکوم کردن باندهای سپاه و دستجات ضدانقلابی " شیت " و " قارعه " آمده است :  
" ... بسیاری از عوامل و عناصر این دستجات برای مقامات و ارگان‌های ذیصلاح شناخته شده‌اند هم اکنون این ضدانقلابیون ، بسیج عشایری را که ( اخیراً نام آن به "گروه مشترک جنگ‌های نامنظم عشایری غرب کشور" تغییر یافته ) به تیول خویش تبدیل کرده و آن را قبضه نموده‌اند . رهبری بسیج به دست فتودال‌ها و سران عشایر از جمله " فرخ‌خان سنجابی " و " خسروخان رضایی " و دیگر زمینداران بزرگ سپرده شده‌است که از حمایت فرماندهان ارتش و جبهه ملی و رئیس‌جمهور نیز برخوردارند ."

### آیا مشکلی بزرگتر از تفسیر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی وجود ندارد

\* - شاخه لرستان سازمان اعلامیه‌ای در رابطه با حوادث اخیر لرستان منتشر کرد . در این اعلامیه با اشاره به مسافرت آقای هاشمی رفسنجانی به استان لرستان و تغییر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی به بیمارستان شهید آمده است :  
" ... این اقدام با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته و یا از جانب هر مقامی که اجراء شده باشد بهیچوجه مردمی نیست و جز تقویت دشمنان انقلاب حاصل دیگری نخواهد داشت ."  
( لازم به توضیح است که بر اثر مقاومت توده‌های مردم نام اصلی شهید دکتر هوشنگ اعظمی به بیمارستان برگردانده شد )

### باهمکاری و اتحاد همه نیروهای مبارز نظم انقلابی شهر را تحکیم بخشیم

\* - هواداران سازمان در دزفول با انتشار اعلامیه‌ای خطاب به مردم مبارز دزفول و نهادهای انقلابی این شهر اعلام داشتند :  
" ... مسئولین امور و بسیج محلات باید ، از تمام نیروهایی که برای دفاع از شهر آمادگی خود را اعلام می‌دارند ، بدون هیچگونه مرزبندی‌های عقیدتی کمال استفاده را نموده و راه را بر دزدی‌های شبانه و به دنبال آن تبلیغات لیبرال‌ها و سوءاستفاده عناصر ضدانقلاب ببندند همچنین بسیج در هر محله باید به خانواده‌ها و افرادی که توانایی تأمین مایحتاج روزانه خود را ندارند ، کمک رسانند "

### بازگشت کارکنان مبارز اخراجی خواست کارگران است

\* - کارگران پیشرو تبریز با انتشار اعلامیه‌ای با عنوان " بازگشت کارکنان مبارز اخراجی و تعقیب مدیران " طاغوتی " خواست کارکنان است " اعلام داشته‌اند :  
" ... بعد از ماهها تلاش و مبارزه کارکنان شاغل و پیگیری اصولی کارکنان تعلیقی ، اکنون تعدادی از آنان موفق شده‌اند به کارخانه‌ها بازگردند این اقدام از طرف مسئولین اگرچه ناقص و همراه با تاخیر فراوان بوده است ، اقدامی مثبت ارزیابی شده و مورد پشتیبانی تمام کارگران می‌باشد ."

### اجرای توطئه‌های کنفرانس طائف در بلوچستان

\* - هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان با انتشار اعلامیه‌ای به توطئه‌های ضدانقلاب در منطقه و اجرای عملیات کنفرانس امریکایی طائف اشاره کرده و چنین می‌نویسند :  
" ... توطئه‌های کنفرانس طائف که طبق دستور آمریکا و با همکاری کشورهای مرتجع منطقه نظیر پاکستان و عربستان و ... ترتیب یافت ، در منطقه بلوچستان به تدریج به اجراء درمی‌آید یکی از این توطئه‌ها اجرای طرح کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا است که گفته بود " با همکاری پاکستان باید آمریکا و دوستانش پیشقدم شوند و کمک اهل تسنن در نقاط سنی نشین خراسان و بلوچستان و بندرعباس ایجاد اغتشاش کنند و یک جمهوری اسلامی بلوچ تشکیل دهند !"

### از هیأت نامه‌ها

## حرف‌های زحمتکشان

### مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر سرمایه‌دار زنده باد انقلاب

من مادر چند هوادار هستم ، اوایل سما را قبول نداشتم ولیکن فرزندام برایم صبح دادند و علت این رنج‌ها و ناراحتی‌ها را برایم گفتند من در این مدت زندگی رنج‌ها و سختی‌ها کشیدم ولی علتش را نمی‌دانستم و همیشه هم مخالف سرمایه‌داری بودم و وقتی که فرزندام برایم گفتند عشقم به کارگران فراوان شد و تنفرم به سرمایه‌داران زیادتر شد . همیشه آرزو می‌کردم که یک روز زندگی راحتی داشته باشم چون نه از پدر و مادر راحتی دیدم و نه از شوهر تنها دلخوشی من چه‌هایم هستند و آنها هم که این همه رنج و کمبود را در زندگی من دیده‌اند ، حیران می‌کنند .  
داستان زندگی‌ام طولانی است و احیای یک کتاب دارد ، این را هم می‌دانم که رسه تمام اینها سرمایه‌داری است و ما باید متحد شویم و ریشه سرمایه‌داری را از سر بریم .  
از شما می‌خواهم که این شعر را که من گفتم در روزنامه " کار " چاپ کنید ۵۰۰ ریال از خرجی روزانه‌ام را که جمع کرده‌ام ، بد شما می‌دهم هرچند کم است ولی با هم‌ها می‌توانید مبارزه در راه مردم کم‌درآمدرا پیش ببرید به امید روزی که ما بیروز شویم و نجاوراب ریم عراق را درهم کوبیم ، لازمه این کار وحدت و اتحاد است .

درو دبر فدائی حامی زحمتکشان  
مرگ بر آمریکا  
مرگ بر سرمایه‌دار

وقتی در خود فرو می‌روم  
می‌فهمم زندگی چیست  
می‌فهمم که درد چیست  
می‌فهمم که درد یک کارگر چیست  
می‌فهمم که درد یک زحمتکش چیست  
و بعد که علتش را در می‌یابم ، احساس سبکی می‌کنم

وقتی در خود فرو می‌روم ، اشکهایم سرازیر می‌شود

و می‌گویم : ای خلق من ، ای کارگر  
و تو ای زحمتکش ! با من همصدا شو

که با هم ریشه استبداد را بکنیم  
چقدر دلپذیر است وقتی که مرگ یک سرمایه‌دار را  
می‌بینم

چقدر قشنگ است وقتی که با هم همصدا می‌شویم  
و می‌گوئیم :

" مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر امپریالیسم "

این کلمات چه زیباست ، وقتی به تحقق پیوند  
وقتی تو ای کارگر زحمتکش بدانی دشمنت کیست  
و تو و من که قلبمان آکنده از عشق به مردم و

نفرت از سرمایه‌داران است ،  
همصدا شویم و بگوئیم :

" مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر سرمایه‌دار  
" زنده باد انقلاب "

\*\*\*

## رویدادهای ترکمن صحرا

گنبد  
شوراهای محلی:

انتخابات شوراهای محلی در دوماه گذشته ادامه داشت و تاکنون ۱۰ شورای محلی در مناطق ترکمن نشین و ۱۸ شورا در مناطق غیر ترکمن نشین تشکیل شده است. در روزهای دهم و چهاردهم اسفند در محل هلال احمر گنبد جلساتی با شرکت اعضای شوراهای محلی، مسئولین شهربانی، ژاندارمری، فرمانداری، شهرداری، سپاه پاسداران، هیئت کشت، هیئت هفت نفره، جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، آموزش و پرورش، بسیج مستضعفین دادستانی انقلاب و... تشکیل گردید که موضوع آن انتخاب شورای مرکزی محلات و شورای شهر بود. در این جلسات حجت الاسلام عمادی امام جمعه گنبد در مورد شورای شهر اظهار داشت که این شورا دارای اختیارات زیادی است و در تعیین فرماندار و شهردار و بسیاری امور دیگر نقش خواهد داشت لذا لازم است که انتخابات شورای شهر به نحوی دمکراتیک و با شرکت کلیه افراد واجد شرایط که بیش از ۱۶ سال دارند انجام گیرد و هیچ لزومی هم ندارد که اعضای شورای شهر، عضو شورای محلات نیز باشند. این سخنان مورد تأیید حاضرین قرار گرفت. امام جمعه گنبد سپس در مورد وظایف شورای مرکزی محلات صحبت کرد که عبارتست از هماهنگی و جمع بندی کارها و احتیاجات مناطق مختلف شهر. آنگاه با توافق حاضرین در جلسه، ۳ نفر از محلات ترکمن نشین، ۳ نفر از محلات غیر ترکمن نشین به اضافه حجت الاسلام عمادی امام جمعه گنبد به عنوان شورای مرکزی محلات گنبد انتخاب شدند.

وضع بهداشت و درمان:

از نظر کادر پزشکی بیمارستانها و درمانگاههای موجود گنبد ضعیف بوده و با کمبود پزشک و پرسنل درمانی مواجهاند. این امر موجب گردیده که مردم شهر از نظر

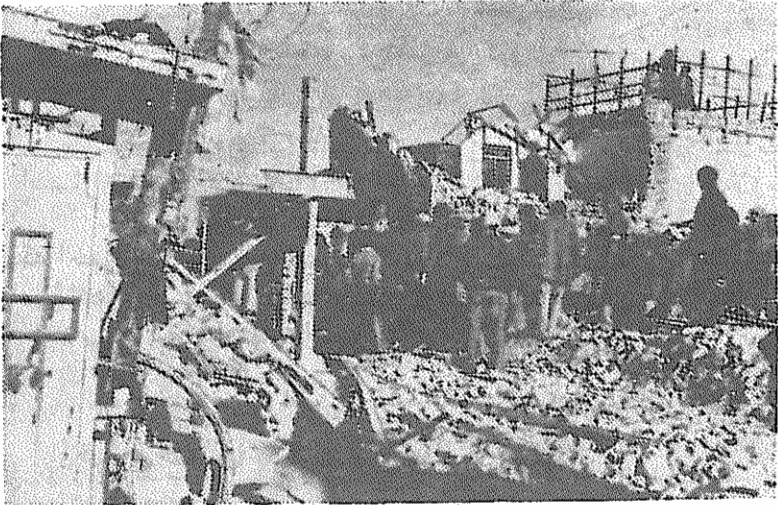
درمان و بهداشت زیر پوشش قرار نگیرند تا چه رسد به حومه شهر. دارو به حد کافی در بیمارستانها و درمانگاهها یافت نمی شود و مراجعه کنندگان اکثرا ناراضی برمی گردند. بیمارستان قابوس نیز که زیر نظر جهاد سازندگی اداره می شود و بیشتر مراجعه کنندگان آن زحمتکشان هستند نمی تواند پاسخگوی همه آنها باشد و رفتار کارکنان این مرکز درمانی نسبت به مریضها با سایر مراکز تفاوت چندانی ندارد. وضع بهداشت شهر اسفانگیز است و شیوع بیماری اسهال در یک ماه گذشته بیانگر این وضع ناپسند می باشد و موجبات نگرانی و ناراحتی توده های مردم را فراهم آورده است. تنها پزشک بیمارستان که نمی تواند پاسخگوی همه مراجعین باشد، استعفا داده و اظهار داشته است تا جراح به این بیمارستان نفرستند، نمی تواند به کار خود ادامه دهد. اینها همه در شرایطی است که چندین نفر پزشک، دندانپزشک و داروساز ترکمن شهر بر اثر سیاست نادرست دادگاه انقلاب گنبد تحت تعقیب قرار گرفته و اجبارا از منطقه خارج شده اند.

■ در زندان شهربانی گنبد حدود ۳۵ نفر زندانی وجود دارد که عمدتا ترکمن، بلوچ و سیستانی هستند. ترکمنها که اکثرا روستائی می باشند به خاطر عضویت در شورا و یا به اتهام داشتن اسلحه دستگیر شده اند. وضع غذا و بهداشت زندان بد است و از نظر کمبود سوخت، زمستان سختی را پشت سر گذاشتند.

بندرت ترکمن: فشارهای ناشی از مشکلات اقتصادی، فقدان برنامه اصولی و عدم برخورد قاطع دولت برای حل این مشکلات، موجب ناتوانی مردم زحمتکش شهر در تأمین حداقل مایحتاج زندگی خود و در نتیجه نارضایتی آنان گردیده است. و بعضی از حرکات غیر دمکراتیک سپاه نیز به این نارضایتی دامن می زند.

\*

## خشت، خشت هر ویرانه سنگر است



مردم می پرسند: آیا ما به جنایتکارانی که شبانه زنان و کودکانمان را با موشک قتل عام می کنند، نباید با موشک جواب بدهیم؟ آیا جواب موشک، موشک نیست؟

ما می گوئیم: موشک، سلاح سرکوبگران و جنایتکاران، سلاح غارتگران و سرمایه داران علیه مردم بیخاسته و انقلابی است.

ما می گوئیم: آن کسانی که خانه های زحمتکشان ما را بر سرشان ویران می کنند، مسلما کارگران، دهقانان و زحمتکشان عراق نیستند.

این رژیم صدام حسین است که به جرم مبارزه به خاطر استقلال و آزادی، به جرم دفاع از انقلاب، مردم میهن ما را به موشک می بندد.

این رژیم صدام حسین است که مردم مبارز و آگاه عراق را هم به همین جرم به زندان می افکند، به جوخه اعدام می سپرد و سرکوب می کند.

ما و مردم عراق هر دو با یک دشمن در جنگیم. سلاح ما باید صدام و حامیانش را به زانو درآورد و نه مردم ستمدیده عراق را به خاک و خون بکشد.

سلاح ما وحدت رزمنده کارگران، دهقانان، کسبه، پیشهوران، روشنفکران انقلابی و روحانیون مبارز است.

سلاح ما پایداری دلیرانه ماست در جبهه های نبرد. سلاح ما اتحاد انقلابی خلقهای ایران و عراق است در پیکار مشترک علیه امپریالیسم.

ما جواب موشک را با شعله ورتتر ساختن هر چه بیشتر آتش مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و سردسته آن امریکای تبهکار در میهن خود و در سراسر منطقه خواهیم داد.

بگذار صدام مثل همه جنایتکاران تاریخ به کشتار مردم بی دفاع و ویران کردن خانه های خشت و گلی آنها به خود بیابد.

برای ما، خشت خشت هر ویرانه سنگری است برای دفاع از انقلابمان و قطره قطره خون هر رزمنده ای، بذری است که نهال پیروزی را بارورتر و بارورتر خواهد ساخت.

پیروزی از آن ماست!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
شاخه خوزستان ۵۹/۱۲/۲۰

## ایجاد تشنج در قزوین عیدی به امپریالیسم و ضد انقلاب بود

روحیه مدافعان انقلاب را تضعیف می نماید. در این اطلاعیه پس از اشاره به این نکته که تشنج فزائی و حادثه جوئی های غیر مسئولانه گروهها و به ویژه سازمان خلقی مجاهدین تنها به نفع لیبرالها و ضد انقلابیون دیگر قرار خواهد گرفت، آمده است:

"از روز ۵ فروردین ۶۰ سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب به دنبال اطلاعیه ای شروع به جلوگیری از فعالیت گروه های سیاسی نمودند. مسئله ای که موجب حیرت و نگرانی نیروهای اصیل و طرفدار انقلاب شده است، این است که اگر هدف ارگان های جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲۲

فدائی خلق ایران (اکثریت) در قزوین با صدور اطلاعیه ای تحت عنوان: "درگیری و تشنج به نفع امریکاست" ضمن محکوم کردن حادثه آفرینی های گروه های غیر مسئول از یک طرف و انحصارطلبی های سیاسی حزب جمهوری اسلامی و محافلی در درون سپاه پاسداران که در عمل به تخطی از قانون و خودسری ها منجر می گردد، گفته اند:

"در شرایطی که هنوز جنگ در جبهه های جنوب و غرب ادامه دارد و قسمتی از میهن انقلابی ما در اشغال تجاوزگران است، دامن زدن به درگیری ها در پشت جبهه، صف نیروهای مقاومت در خط مقدم جبهه را سست و

در پی درگیری هایی که از آغاز سال جدید در شهر قزوین اتفاق افتاد، در روز چهارشنبه ۵ فروردین درگیری شدیدی بین گروه های چپرو، سازمان مجاهدین خلق و سپاه پاسداران رخ داد که منجر به دستگیری عده ای از هواداران سازمان مجاهدین توسط سپاه پاسداران شده. گذشته شدن یکی از هواداران مجاهدین خلق پس از دستگیری، فضای شهر را متشنج تر ساخت و امکان بهره برداری جریانات ضدانقلابی - که مجاهدین خلق هم با اتخاذ سیاستهای غیراصولی و نادرست خود، آب به آسیاب آنها ریختند - را کاملا فراهم ساخت. هواداران سازمان چریکهای

## در شهرهای آمریکا تظاهرات بسود انقلاب السالوادور اوج می گیرد



جهان را خاطر نشان کردند. در تمام طول تظاهرات اعلامیه‌های افشاگرانه در مورد سیاست امپریالیسم رژیم صدام و همجنس اعلامیه‌های ترجمه شده از سازمان (رژیم مرتجع عراق در خدمت امپریالیسم آمریکا - کار شماره ۷۷) پخش گردید. قابل توجه است که خبر این تظاهرات از طرف دستگاه‌های خبری متعدد مخابره گردید.

### گزارشی از شرکت در تظاهرات و اجتماعات مختلف ۲۰ ژانویه

در رابطه با افتتاحیه رئیس جمهوری ریگان که در روز ۲۰ ژانویه برگزار شد، تظاهرات و اجتماعات متعدد در سراسر آمریکا و در اعتراض به سیاست‌های آینده وی صورت گرفت. سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا در این فعالیت‌های مبارزاتی شرکت فعال داشت و با پخش اعلامیه‌های افشاگرانه در رابطه با جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و همچنین ارائه پیام‌های همبستگی ابعاد سیاسی امپریالیسم آمریکا را هرچه بیشتر افشاء نمود.

به دنبال اوج‌گیری جنبش توده‌ای در السالوادور تحت رهبری جبهه دمکراتیک انقلابی (F.D.R) و جبهه رهاایش ملی فارابوندو-مارتی (F.L.M.N) تظاهرات و دیگر فعالیت‌های مبارزاتی در دفاع از مبارزات برحق خلق السالوادور در سراسر آمریکا انجام شده و می‌شود. تظاهرات ۱۷ ژانویه در شهر برکلی شمال کالیفرنیا یک نمونه رزمنده و موفق از این تظاهرات بود. این تظاهرات که با شرکت بیش از ۵۰۰۰ نفر برگزار شد، خاطرات تظاهرات عظیم ضد جنگ ویتنام را در دلها زنده می‌کرد. در تمام طول روز شعارهای "نه سربازگیری، نه جنگ، دست آمریکا از السالوادور کوتاه"، "نیکاراگوئه پیروز شد، السالوادور پیروز می‌شود" و "مردم متحد هرگز شکست نخواهند خورد" فضای شهر را انباشته بود. در خاتمه، تظاهرات با پیام نماینده جبهه دمکراتیک انقلابی و پیام‌های سازمان‌های مترقی و اتحادیه‌های کارگری به کار خود خاتمه داد. اعضاء و هواداران سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) با شرکت فعال خود در این تظاهرات و در کلیه فعالیت‌های مبارزاتی در دفاع از خلق السالوادور که در سراسر آمریکا برگزار شد همبستگی انقلاب ایران با مبارزات خلقهای تحت ستم

## سوء قصد به جان آیت الله ربانی شیرازی را محکوم می کنیم

از رژیم شاه هم نا جوانمردانه تر عمل می کنند! ۹۱ فروردین کیهان پس از دستگیری ۲ تن از اعضای منسوب به گروه تروریستی فرقان و کشف اعلامیه‌های این گروه در رابطه با ترور آیت الله ربانی شیرازی، ایشان نیز مجبور شد ادعای قبلی خود را پس گرفته و اعلام دارد: "اطلاعاتی هم به من داده بودند که گروه فرقان می خواهند مرا ترور کنند...!!"

(۱۰ فروردین روزنامه جمهوری اسلامی) سازمان ما بار دیگر ضمن محکوم ساختن عمل تروریستی فوق، افترا و جعل حقایق را از جانب آیت الله ربانی شیرازی نسبت به سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی شدیداً تقبیح می کند.

قرار گرفته، موجبات بهره برداری آنان را فراهم ساخته و همچنین باعث رشدهای باندهای سیاه و گسترش عملیات ضدانقلابی آنان می گردد. علیرغم مواضع روشن ما آیت الله ربانی شیرازی که هیچ فرصتی را در کینه توزی و جعل و افترا نسبت به نیروهای انقلابی از دست نداده، با استفاده از موقعیت به دست آمده کوشید افکار عمومی را علیه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما تحریک کند. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان تلویحاً نشریات "کار" و "امت" را مورد حمله قرار داد. او گفت: "اما حدود ۲۰ روز قبل روزنامه کار و امت شروع کردند به فحاشی علیه من. معلوم می شود این گروه‌ها

در اوایل هفته جاری آیت الله ربانی شیرازی نماینده امام در استان فارس و عضو شورای نگهبان، در شهر شیراز مورد سوء قصد قرار گرفت. به دنبال این واقعه، از سوی مقامات مسئول ۲ تن دستگیر شدند و بنا بر گزارش روزنامه‌ها افراد دستگیر شده منتسب به گروه "فرقان" می باشند. سازمان ما در ادامه روش اصولی خود مبنی بر محکوم نمودن هرگونه اقدامات آنارشستی، ترور آیت الله ربانی شیرازی را محکوم می سازد. توسل به شیوه‌های تروریستی به زیان انقلاب است. اینگونه اعمال با توجه به اهداف امپریالیسم آمریکا و لیبرالها مبنی بر ایجاد آشوب و بلوا در سطح کشور عملاً در خدمت سیاست‌های دشمنان انقلاب

قسمتی از نامه یک رفیق کارگر به نشریه کار از زندان جمهوری اسلامی

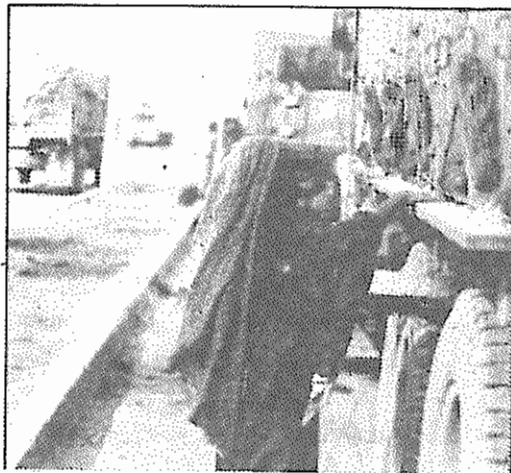
## "میهن و انقلاب عزیز ما دشوارترین روزهای خود را می گذراند"

است. شاید باور نکنید که ما امروز در کنار کسانی زندانی هستیم که آن روزها به شکار انسان می پرداختند و خون ما و برادرانمان را بر خاک می ریختند و ما با بغضی در گلو فریاد می کشیدیم: می کشم، می کشم، آنکه برادرم کشت. آری رفقا! امروز با آنها در زنجیریم. با آنها که بر گرده هایمان سوار بودند و فریادهایمان را در گلو خفه می کردند. هم آنهايي که ستم می کردند، هم آنهايي که تازیانه می زدند و ما که در آن زمان تازیانه می خوردیم. بله رفقا! هر دو زندانیم. البته اینها حقشان است و باید در اینجا باشند و باید که با آنها قاطعانه تر برخورد کنند زیرا که ستم کرده اند و جنایت ولی آیا ما هم باید اینجا باشیم؟ ما باید هم اکنون در جبهه جنگ یا در پشت جبهه باشیم تا در کنار توده‌های مبارز به مبارزه ادامه دهیم.

ستم ما این را خوب می دانند و به خاطر همین بیدارند و دریاوار پیش می روند و هر توطئه‌ای را در نطفه خفه خواهند کرد. ولی آیا رهبران هم مانند آنها بیدارند یا نه؟ اگر بیدارند بدانند فدائیان خلق (اکثریت) این انقلاب را که در ستیز با امپریالیسم جهانخوار بسرگردگی امپریالیسم امریکاست قبول داشته و تا پای جان از آن دفاع می کنند و بدانند و ندان هم نمی توانستند هیچگونه خللی در روحیه و عزم انقلابی ما وارد سازد. همانطور که فشارها نتوانست فدائیان خلق (اکثریت) را از میدان نبرد با صدام خارج سازد. رفقا! ما در زندان هستیم و افسوس می خوریم که در شرایطی این چنین طوفانی چرا باید توان و انرژی انقلابی مان در پس دیوارها و آهن‌ها به هرز برود. آن هم در شرایطی که انقلاب مردم از هر سو دستخوش توطئه.

رفقای عزیز مدتی است که از شما دوریم. در زمانی از شما دوریم که جنبش با شتابی روزافزون به پیش می رود و ما اینجا دربندیم ولی قلبمان با شماست و طپش آن هماهنگ است با هر گامی که توده‌ها به خاطر استقلال و آزادی میهن از زیر ستم امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا به پیش برمی دارند. بعد از توطئه‌های بسیار که با عزم توده‌های مردم زحمتکش به شکست انجامید، اینک این جنگ تحمیل شده از سوی صدام مزدور، دندان نشان دادن ریگان که فکر می کند جهان هم یکی از فیلم‌های وسترنی است که او دارد بازی می کند و لاجرم می تواند برای خلقهای رها شده از قید امپریالیسم شلول بکشد و هزاران دسیسه رنگارنگ دیگر که هر روز شاهدش هستیم. آیا اینها برای بیداری ما کافی نیست. کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت

## زندگی سخت و مشقت بار کیرنشینان بندرعباس



■ زنان زحمتکش کیرنشین از طریق جمع‌آوری گندم، جو و ذرت کف خیابان اسکله بندرعباس امرار معاش می‌کنند.

نزدیک اسکله امرار معاش می‌کنند. آنها هر روز صبح زود با یک جارو، یک کیسه و یک غربال به خیابان اسکله آمده و گندم، جو و ذرتی را که بر اثر سرعت کامیون‌ها و تریلرهای حامل بار غله از دور و پر آنها به زمین ریخته می‌شود، با جارو جمع‌آوری کرده و در کیسه‌ای می‌ریزند

در محله‌های شمالی‌ها، سورو، بهشت زهرا و رودباری‌های بندرعباس زحمتکشان زندگی می‌کنند که اکثر آنها کشاورزان بی‌زمینی هستند که از روساهای منوچان، کشکو، تخت و دیگر روساهای دور نزدیک به بندرعباس آمده‌اند.

مخارج زندگی اکثر این خانواده‌ها بر دوش زنان است. چون بیکاری و خانه‌داری سستی دامنگیر مردهای این خانواده‌ها هم شده است. مردها قبلاً کم و بیش یا به کارهای ساختمانی مشغول بودند و با در اسکله کار می‌کردند اما از زمانی که تعداد افغانی‌ها زیاد شده و بسیاری از آنها به بندرعباس روی آورده‌اند و با هر دسمردی س به کار می‌دهند بیشتر حاشیه‌نشینان که جز کارهای ساده ساختمانی و بازاری در اسکله و غیره کاری نمی‌دانند، جاهه - سس شده‌اند.

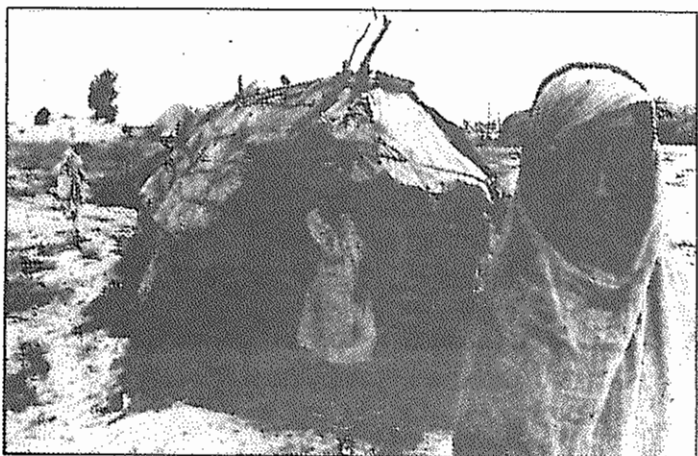
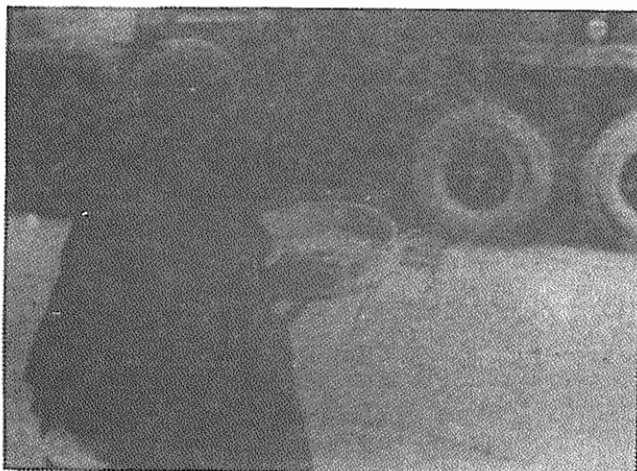
زنان زحمتکش این خانواده‌ها که این روزها بیشتر از پیش سنگینی بار خانواده‌ها بر دوش آنهاست، از طریق جمع‌آوری و با فروش غله، به سختی زندگی خود را می‌گردانند.

این زنان محروم از دوراه گندم، جو و ذرت تهیه کرده و به فروش می‌رسانند. عده‌ای از آنها گندم و حورا را پشت بازار خریده و در کنار خیابان خرد، خرد می‌فروشند. عده‌ای دیگر هم از طریق جمع‌آوری گندم، جو و ذرت کف خیابان‌های

■ ما بارها شاهد مرگ فجیع این زنان درمانده در زیر چرخ‌های کامیون‌ها و یا تریلرهای حامل غله بوده‌ایم.

و بعد کنار خیابان، مخلوط غله و خاک و شن را که جمع کرده‌اند، غربال می‌کنند و پس از جدا کردن غله و نیز جدا کردن گندم از ذرت و جو گندم را برای روستائیان می‌فرستند تا برایشان نان درست کنند. ذرت و حورا هم کیلوئی ۵۰-۴۰ ریال به فروش می‌رسانند.

جمع‌آوری غلات از وسط خیابان‌ها همیشه برای این زنان محروم خطرهای زیادی داشته است. خیابان‌هایی که معمولاً این زمان برای جمع‌آوری غله به آن روی می‌آورند یک خیابان کمربندی و جاده اسکله است این خیابان‌های شلوغ محل رفت و آمد کامیون‌ها و تریلرها است. اکثر این ماشین‌ها نیز با سرعت زیاد از این خیابان‌ها رفت و آمد می‌کنند. ما بارها شاهد مرگ فجیع این زنان درمانده در زیر چرخ‌های یک کامیون یا تریلر حامل غله بوده‌ایم و می‌شود به راحتی در میان این محرومان، زانی را دید که بر اثر تصادف با کامیون‌ها و تریلرها دست، پا و یا قسمت دیگری از بدنشان آسیب دیده و یا فلج شده‌اند و هنوز با همان وضع به جمع‌آوری غله ادامه می‌دهند اکثر این زنان زحمتکش با خانواده‌هایشان در محله‌های فقیرنشین شهر و در کیرهای



مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



# تصفیه سپاه پاسداران از عناصر ترقیخواه خواست امپریالیسم است

کنار گذاشتن مترقی‌ترین و رادیکال‌ترین عناصر آن از سوی دیگر خواسته دشمنان انقلاب است. انحصارگری و اعمال تنگ‌نظرانه حزب جمهوری اسلامی و کوشش در جهت تصفیه عناصر مترقی و مبارز درون سپاه عملاً در خدمت این خواسته امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی است. این اعمال نهایتاً موجب تشدید گرایش‌های ارتجاعی در سپاه پاسداران و تضعیف خصلت ضدامپریالیستی آن است. امری که برای انقلاب مردم میهن ما بسیار زیان‌آور می‌باشد.

از همین رو سازمان ما اعمال ضدانقلابی هیئت ویژه به‌اصطلاح پاکسازی نسبت به تصفیه عناصر مترقی سپاه را عملی بر ضدانقلاب و در خدمت امپریالیسم آمریکا و دشمنان داخلی انقلاب دانسته و آن را قاطعانه محکوم می‌کند. به اعتقاد ما، حرکت مثبت مسئولین جمهوری اسلامی در محدود کردن قلدربازی‌های شخص مرتجع و معلوم‌الحالی چون ملاحسنی نمی‌تواند توجیه‌گر این اقدام ضدانقلابی باشد.

○ ملاحسنی و دار و دسته ارتجاعی او تاکنون جنایات بی‌شماری علیه انقلاب و مردم ایران به‌ویژه خلق ستم‌دیده گرد انجام داده‌اند.

آمریکا، لیبرال‌ها و حتی بطور غیر مستقیم سبب تقویت جریان ارتجاعی ملاحسنی که اکنون جمهوری اسلامی در صدد مقابله با آن برآمده تمام می‌شود. سپاه پاسداران به‌عنوان یکی از نهادهای ضدامپریالیستی که در کشف و سرکوب توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا نقش قاطع داشته و در مبارزه علیه سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ گام‌های موثری برداشته همواره مورد انواع و اقسام توطئه‌ها و تبلیغات سوء امپریالیسم آمریکا، لیبرال‌ها و تمامی دشمنان انقلاب ایران قرار داشته است. کوشش در جهت تضعیف این نهاد از یک سو و سوق دادن آن به مقابله با توده‌های مردم و تحدید دامنه و عمق عملکردهای مردمی سپاه از طریق

ویژه پاکسازی در برابر این اعتراضات اعلام داشت که حتی اگر اخراج شورای فرماندهی سپاه منجر به دست رفتن آذربایجان غربی گردد نیز ما حاضر به پذیرش آن نیستیم!! به‌دنبال این حرکات که به‌منظور تثبیت موقعیت حزب جمهوری اسلامی در منطقه صورت می‌گیرد، اعمال هیئت ویژه پاکسازی بدرستی متوجه تضعیف ملاحسنی و دار و دسته ارتجاعی او نیز گردیده است. مقالاتی که در روزنامه جمهوری اسلامی علیه ملاحسنی منتشر شد، تعویض علیزاده حاکم شرع (از نزدیکان ملاحسنی) و ... از جمله این تلاش‌هاست.

ملاحسنی و دارو دسته ارتجاعی او تاکنون جنایات بی‌شماری علیه انقلاب و مردم ایران و به‌ویژه خلق ستم‌دیده گرد انجام داده‌اند. مبارزه جهت دور کردن دارو دسته ملاحسنی از موضع بسیار حساسی که اشغال کرده مبارزه‌های مثبت و به‌سود انقلاب است. اما تاسف‌آور است که این حرکات مثبت با تصفیه سپاه پاسداران ارومیه که تا امروز نقشی موثر و فداکارانه در مبارزه با عوامل توطئه‌گر امپریالیسم در منطقه حساسی مانند آذربایجان غربی داشته، همراه گردیده است! ما ضمن استقبال از هرگونه مبارزه علیه باند جنایتکار ملاحسنی، اعمال ضدانقلابی هیئت ویژه پاکسازی نسبت به تصفیه عناصر مترقی و مبارز سپاه پاسداران ارومیه را به‌شدت محکوم می‌سازیم. این اعمال مستقیماً به نفع امپریالیسم

فئودال‌ها و سرمایه‌داران و مقابله با آنها، شورای سپاه تلاش‌های قابل تحسینی انجام داده‌است.

سپاه ارومیه در ضمن مبارزه جدی با لیبرال‌ها و دارو دسته ملاحسنی، به انحصارطلبی و تنگ‌نظری جمهوری اسلامی نیز گردن نهاد و این امر موجب ضدیت حزب جمهوری اسلامی و پاره‌ای مقامات بالای حکومتی با آن گردید. به همین دلیل همه جریان‌هایی که عملکردهای مترقیانه سپاه ارومیه و سایر نهادهای نظیر آن را مخالف خود می‌دیدند، سعی در تضعیف فرماندهی سپاه و برکناری آن داشتند. بر همین اساس چندین بار هیئت‌هایی برای رسیدگی به وضع شورای فرماندهی سپاه از تهران به ارومیه آمدند (از جمله بعد از حمله حزب دمکرات به روستای بند و شهادت ۱۴ تن از پاسداران) اما هر بار با مقاومت یک‌پارچه اعضای سپاه روبرو شده و بی‌نتیجه به تهران بازگشتند.

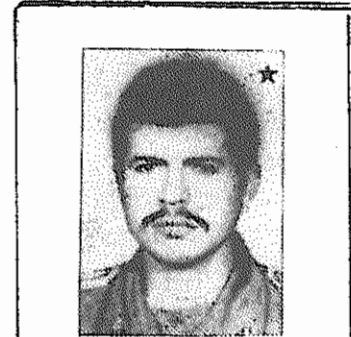
در گذشته تضادهای موجود مابین ملاحسنی و استاندار نیز از جمله عواملی بود که موجبات کاهش فشار بر روی شورای فرماندهی سپاه را سبب شده بود ولی با تغییرات استاندار قبلی و روی کار آمدن استاندار جدید (طاهری)، از منسوبین حزب جمهوری اسلامی) تضادهای مابین ملاحسنی و استانداری فروکش کرد و هر چند که ملاحسنی وابسته به حزب جمهوری اسلامی نمی‌باشد و از آن تبعیت ندارد ولی در تصفیه سپاه و سایر ارگان‌ها با استانداری به تفاهم کامل رسید. سرانجام این کشمکش‌ها موجب استعفای فرماندهی سپاه در تاریخ ۲ اسفند سال گذشته گردید. به دنبال استعفای اجباری فرماندهی سپاه اعتراضات متعددی علیه این اقدام صورت گرفت. اما "هیئت

سپاه پاسداران ارومیه و سایر نهادهای وابسته بدان در اسفندماه گذشته بطور وسیع و همه‌جانبه‌ای مورد تصفیه قرار گرفته و بسیاری از افراد مترقی و مبارز آن از جمله اعضای شورای فرماندهی سپاه توسط هیئت به‌اصطلاح پاکسازی به سرپرستی "آیت‌الله محلاتی" از کار برکنار شدند. این تصفیه به‌دنبال تلاش‌های قبلی از جانب حاکمیت و حزب جمهوری اسلامی که هر بار به ناکامی انجامیده بود، صورت گرفت.

پس از انقلاب و به‌ویژه از تابستان ۵۸ بدینسو عملکرد ترقیخواهانه و مواضع مردمی سپاه ارومیه و شورای فرماندهی آن قطب اصلی مبارزه با حرکات ارتجاعی ملاحسنی و دارو دسته‌ها و از یک سو و از سوی دیگر استاندار (حقگو) و سایر لیبرال‌ها بود. سپاه در مدت کوتاهی توانست مدارک و اسناد زیادی از استاندار و معاون او "اتابک" در رابطه با مسلح کردن فئودال‌ها، ارتباطات مشکوک با عناصر ضدانقلاب و اعمال دیگری که منجر به لطمات زبان‌باری به انقلاب می‌شد، جمع‌آوری کرده و در اختیار مقامات جمهوری اسلامی قرار دهد. تداوم این حرکات سپاه منجر به برکناری این اشخاص از استانداری ارومیه گردید. شورای فرماندهی سپاه در طی دو سال اخیر همچنین مدارک مستندی در رابطه با جنایات ملاحسنی جمع‌آوری کرده و برای مسئولین سپاه و جمهوری اسلامی ارسال کرد. به‌هنگام کشتار وحشیانه روستائیان "ایندرگاش" توسط عمال "ملاحسنی" افراد سپاه از اجساد و خانه‌های روستائیان عکس و فیلم تهیه کرده و همراه با گزارش مفصلی به تهران فرستادند. در مورد ارتباط ملاحسنی با عناصر معلوم‌الحالی چون معبودی مراد قطاری و محرر و نیز

## در هر رگ برگ، خون یاران رفته است

دربی تقاضای سازمان مبنی بر ارسال اسامی و شرح حال رفقای شهیدی که تاکنون در کار درج نشده‌است، اسامی متعددی طی نامه‌هایی به ما رسیده است که ضمن گرامیداشت خاطره پرشکوه‌شان، اسامی زیر به لیست شهدای پرافتخار سازمان ما افزوده می‌گردد.



فدایی خلق  
رفیق شهید نادریازی

- ۱- نادریازی
- ۲- احمد افشاری
- ۳- محمد بنامی
- ۴- ابراهیم خیری
- ۵- محمدکاسه چی

هر رگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

## پای صحبت جلال الدین فارسی و همراهان در بازگشت از شوروی

■ در آخرین روزهای ماه آخر سال قبل آقای جلال الدین فارسی به همراه دکتر شریعتمداری و دکتر سروش بر صفحه تلویزیون ظاهر شدند تا گزارش سفر خود به اتحاد جماهیر شوروی را ارائه دهند. سفر این هیئت، بنا به گفته خود آقای جلال الدین فارسی قبل از عزیمت به شوروی به منظور انجام یک انقلاب شناسی تطبیقی و استفاده از دستاوردهای اتحاد جماهیر شوروی در زمینه مسائل فرهنگی، صورت گرفته بود. اعضای هیئت، برنامه تلویزیونی را علیرغم انتظار و خواست بسیاری از زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست مبین که منتظر ارائه واقعات جامعه شوروی در زمینه‌های فرهنگ، آموزش و امور اجتماعی بودند، با تاخت و تاز به مبنای عقیدتی نمایندگان مردم شوروی، سوسیالیسم علمی، ارائه جعلیات و تحریفات مغرضانه پیرامون اوضاع واقعی در آن کشور آغاز نهادند و در سراسر برنامه تا پایان آن این شیوه را ادامه دادند.

عصاره این مصاحبه تلویزیونی این بود که شوروی نه تنها عرصه دستاوردهای عظیم انقلابی برای کارگران و زحمتکشان نبوده است، بلکه جز اختناق و اسارت و درنهایت جز نانی بخور و نمیر برای آنان فراهم نیاورده است. چکیده مصاحبه این بود که انقلاب شوروی چیزی فراتر از آنچه که سرمایه‌داری امپریالیستی "غرب" برای توده‌ها فراهم آورده است به بار نیاورده و خود ابر قدرتی "تجاوزگر!"، "امپریالیست!" و درنهایت خطرناک‌تر از امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شوروی و ملل بسیار دیگر برگمارده است.

واقعات مربوط به مذهب آموزش، مسکن، حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی توده‌ها و ... از جمله مواردی بود که زیر "تیغ" شوروی سستیزی آقایان فارسی، سروش و شریعتمداری همراه با شعبده‌بازی‌های گرداننده برنامه - ابوتربایان - به‌گونه‌ای اخته، سر و دم بریده و در نهایت افتراآمیز

و بهتان‌آلود ارائه شد. بینیم حقایق در این مورد چه می‌گویند: مذهب در شوروی در این برنامه بیش از هر چیز مورد توجه قرار گرفت. فشرده کلام این بود که زحمتکشان شوروی علی‌الخصوص مسلمانان، فاقد آزادی مذهب هستند. گویا توده‌ها، و از نظر آقایان به‌ویژه مسلمانان شوروی، فرایض مذهبی را جز زیر شدیدترین فشار اختناق و کارشکنی مقامات مسئول به‌جا نمی‌آورند و ... در این باره چه افسانه‌ها که به‌هم بافته نشد. همان افسانه‌های آشنای امپریالیسم ساخته! حقایق اما، می‌گویند که:

"در شوروی هم اکنون قریب به ۲۰ هزار کلیسا و مسجد وجود دارد. کلیه مذاهب از امتیازات همانند و یکسانی برخوردارند. انجام مراسم مذهبی و انتشار کتب مذهبی آزاد است هر ساله عده‌ای از مسلمانان شوروی برای زیارت و انجام فرایض دینی به مکه مسافرت می‌کنند در شوروی نه تنها هر ساله مراسم مذهبی مذاهب گوناگون برگزار می‌شود بلکه و نکته در همین جاست، که پیروان تمام مذاهب به‌رغم اختلافات مذهبی و عقیدتی در راه پیشرفت سوسیالیسم و رسیدن به جامعه‌ای فارغ از هرگونه ستم و نشان طبقاتی دست در دست یکدیگر تلاش می‌کنند. در اصل ۵۲ قانون اساسی اتحاد شوروی آمده است که:

"برای شهروندان اتحاد شوروی، آزادی وجدان یعنی حق پیروی کردن از هر مذهب و یا پیروی نکردن از هیچ مذهب و حق انجام مراسم و فرایض مذهبی تضمین است." "افاضات بین! اعضای هیئت اعزامی به شوروی در زمینه آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها نیز شنیدنی است. گویا زحمتکشان شوروی از محرومیت شدید آزادی‌ها رنج می‌برند، فاقد حق دخالت در تعیین سرنوشت خود هستند و گویا که آنان به همین علت، زیر نظارت

مقامات رسمی شوروی، نتوانسته‌اند با اعضای هیئت ایرانی تماس بگیرند و آنچه را که دلشان می‌خواهد، بیان کنند. ساخت حکومتی شوروی که بر پایه نظارت کامل شوراهای نمایندگان خلق بر اداره امور جامعه تشکیل شده است، البته خود براترین سند در رد این گونه تحریفات است. انقلاب سوسیالیستی در شوروی بر پایه محو اسارت اقتصادی انسان‌ها از هر نژاد و جنس، کامل‌ترین شرایط و شرط اساسی برای دخالت زحمتکشان در امور مربوط به سرنوشتشان را فراهم آورده است. این را دیگر هر کس که اطلاعات مقدماتی راجع به اوضاع در شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی داشته باشد، به‌خوبی می‌داند. اما شرکت‌کنندگان در مصاحبه اصرار داشتند هر آنچه را که حقیقت است، در این باره انکار کنند. این اگر خوشبینانه برخورد کنیم، "شاید و شاید!" که ناشی از کمبود اطلاعات آقایان باشد محض اطلاع ایشان هم که شده، بد نیست سری به عرصه حقایق بزنیم. کافی است تنها نقش و حقوق زنان را در شوروی مد نظر قرار دهیم تا تنها جلوه‌ای از آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مردم شوروی را به‌چشم بینیم:

"در اتحاد شوروی زنان نصف جمعیت فعال این کشور را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر زنان شوروی ۴۰٪ کارکنان علمی ۸۰٪ کارکنان امور پزشکی، اکثریت کارکنان بخش آموزش و پرورش و ۶۰٪ کارکنان بخش رادیو الکترونیک را تشکیل می‌دهند. بیش از ۲۰۰ هزار زن ریاست بنگاه‌های صنعتی، مزارع اشتراکی نهادهای اداری و آزمایشگاه‌ها را برعهده دارند در حال حاضر زنان ۳۵٪ نمایندگان شوراهای عالی جمهوری‌های شوروی و ۴۸٪ نمایندگان شوراهای محلی می‌دهند." برای مقایسه این آمار با وضع کشورهای سرمایه‌داری که آقای فارسی و

همراهان کوشیدند کشورهای سوسیالیستی را همانند آنان و در برخی موارد، اگر چه بطور غیرمستقیم، بدتر از این کشورها نشان دهند، باید گفت که اصولاً در کشورهای سرمایه‌داری برای زحمتکشان و از جمله زنان زحمتکش امکان شرکت فعال و کارساز در امور سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. در پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری یعنی آمریکا، زنان تنها ۵٪ کرسی‌ها را در مجالس نمایندگی فدرال و محلی در اختیار دارند و تنها ۹٪ کارکنان علمی کشور را تشکیل می‌دهند. ابعاد فاجعه زمانی روشن‌تر می‌شود که دقت کنیم همین تعداد قلیل نیز و در اکثریت قریب به اتفاق خود زنان بورژوا هستند.

در زمینه آموزش و فرهنگ نیز حقیقت خلاف آن چیزی است که در گزارش تلویزیونی فوق سعی بر ارائه آن بود. در شوروی ۱۳۷ هزار مدرسه با ۴۰ میلیون دانش‌آموز وجود دارد. تمام کودکانی که به سن تحصیل رسیده‌اند، در مدرسه تحصیل می‌کنند. دولت کتاب‌های درسی آنها را به‌صورت رایگان در اختیارشان قرار می‌دهد. در هر مدرسه یک پزشک، چند پرستار (در بعضی مدارس دندانپزشک) حضور دارند و هر ساله بیش از ۶۰۰ هزار کودک در آسایشگاه‌های ویژه درمان می‌شوند.

درصد کارگرانی که آموزش عالی و دوره متوسطه ۸ یا ۱۰ ساله را گذرانیده‌اند، در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ و ۱۹۷۷ از ۸/۴٪ کارگران به ۷۳/۱٪ ترقی کرد. این رقم در مورد کارگران صنعتی به ۷۴/۴٪ و در مورد کارگران جوان به ۹۴٪ می‌رسد. در سال ۱۹۳۹، ۱۶٪ جمعیت روستایی (از ۹ تا ۴۵ ساله) بی‌سواد بودند. تعداد روستا نشینانی که آموزش متوسطه کامل یا ناقص دیده بودند، ۲۵٪ تعداد شهرنشینانی بود که این آموزش را دیده بودند. این رقم در سال ۱۹۵۹، یعنی تنها در عرض ۲۰ سال به ۵۰٪ رسید. بی‌سوادی نیز

در روستاها به‌کلی ریشه‌کن شد. در سال ۱۹۷۷ بیش از ۵۶٪ کشاورزان مزارع اشتراکی آموزش متوسطه، کامل یا ناقص و یا آموزش عالی داشتند.

در سال ۱۹۶۵ نزدیک به سه میلیون و در سال ۱۹۶۷ نزدیک به ۴/۵ میلیون نفر کارگر مخترع و نوآور در اتحاد شوروی مشغول به کار بودند. امروزه این مخترعین و نوآوران بیش از ۵۰٪ جامعه علمی و فنی کشور شوروی را تشکیل می‌دهند.

این واقعات روشن و در عین حال غرور آفرین، که همه بر پایه اصول سوسیالیسم علمی و نقش خلاق کارگران و زحمتکشان و حزب کمونیست اتحاد شوروی صورت گرفته است، از نظر آقای فارسی و همفکرانش تنها و تنها دلیل فقدان خلاقیت فکری، فلسفی و علمی در اتحاد شوروی است. همانطور که پیشرفت‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی، به‌زعم ایشان نشانه فقر و فاقه توده‌های کارگران و زحمتکش است.

درآمد سرانه در اتحاد شوروی بر مبنای قیمت‌های سال ۱۹۷۰ از سال ۱۹۱۳ تا سال ۱۹۷۶ بیش از ۳۰ برابر شده است. کل تولیدات صنعتی از همان سال تا سال ۱۹۷۷، ۱۴۵ برابر و میزان تولید صنایع غذایی ۲۱/۵ برابر شده است.

مصرف گوشت سرانه نیز در این مدت بطور تقریبی به دو برابر و مصرف میوه به بیش از سه برابر رسیده است.

در حالی که قیمت‌ها ثابت است، دستمزد کارگران و زحمتکشان بطور فزاینده‌ای ترقی می‌کند. منابع هنگفتی همه‌ساله صرف موارد تامین اجتماعی زحمتکشان می‌شود. هر ساله به ۱۱ میلیون تن از مردم زحمتکش آپارتمان نو داده می‌شود و یا این که شرایط خانه‌شان را بهتر می‌کنند. شوروی از نظر تعداد پزشکان مقام اول را در جهان دارد. این تعداد برای هر ۱۰۰۰۰ نفر در شوروی ۳۳/۵ نفر و برای پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری یعنی آمریکا ۲۱ نفر است.

این همه، که مستقیماً در اختیار کارگران و زحمتکشان شوروی است، باعث شده است که آقای فارسی و دیگر اعضای "هیئت اعزامی" به اکتشافات اعجاب‌انگیزی بقیه در صفحه ۲۱

بقیه از صفحه ۱۰

## شورا، سندیکا...

انقلاب و نیز متضمن تحکیم و گسترش محتوای دمکراتیک و مردمی آن بود به نوبه خود موجب برآمد بازهم بیشتر "شورا"ها و اعتلای نقش آنها در زندگی سیاسی جامعه، در تداوم و پیشرفت انقلاب و در تأمین مشارکت فعال توده‌های خلق در اداره امور اقتصادی و دولتی شد. این موضوع به نوبه خود سبب شد تا ایده شورا به مثابه سنگر ضدامپریالیستی توده‌ها بر ویرانه تفکر گذشته که در زیر آوار واقعیت و اصولیت مدفون شده بود، جوانه زند و رشد کند و به مثابه درک نوینی از شورا در مرکز تبلیغ سازمان قرار گیرد. در اینجا تذکر دو نکته در مورد درک سازمان از شوراها در این مقطع حائز اهمیت است:

نکته اول آنکه اگرچه در این زمان دیگر شوراها همچون گذشته به منزله آلترناتیو قدرت در مقابل حاکمیت جمهوری تلقی نمی‌شدند، لیکن در ارزیابی از ظرفیت آنها، چنان بهایی به انرژی و توان بالقوه آنها داده می‌شد که بطور طبیعی همچنان راه بر هرگونه انحرافی در تشخیص حدود و مضمون عملکرد آنها باز می‌ماند.

نکته دوم آنکه به رغم تکیه بر وجه شورایی عملکرد این تشکل‌ها که اساسا تحلی عمل مستقیم انقلابی کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی بود، آن وجه از عملکرد آنها نیز که متضمن دفاع از منافع صنفی - طبقاتی کارگران بود همچنان مورد توجه سازمان قرار داشت. و به همین خاطر گهگاه و تلویحا از آنها به مثابه تشکل‌های صنفی - طبقاتی کارگران نیز یاد می‌شد.

بر اساس چنین دیدگاهی سازمان ما تا چندی، بسیاری از تشکل‌هایی را که به نام شورا در واحدهای تولیدی و صنعتی پا گرفته بودند، با توصیف "سنگر شورایی" مورد تأیید و تأکید قرار داد، از نقش انقلابی و موثر آنها در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته مبارزه برای دولتی کردن آنها و راه‌اندازی و اداره امور واحدهای تولیدی تعطیل شده مبارزه به خاطر اخراج عوامل ضدانقلاب و مقابله با سرمایه‌داران، عناصر و مدیران لیبرال، پشتیبانی نموده و از آنها در مقابل شعار "شورا بی‌شورای" بنی‌صدر و برخورد‌های انحصارطلبانه حزب جمهوری قاطعانه دفاع نمود و بر نقش شوراها در تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها تأکید داشت.

به تدریج درک صحیح و علمی از ضرورت سازمان‌یابی صنفی - طبقاتی کارگران نیز در تفکر سازمان رشد نمود. در واقع هم‌روند با تعمیق انقلاب، آشکارتر شدن صف‌بندی‌های طبقات و شکل‌گیری ابتدائی‌ترین زمینه‌های عینی وحدت و تشکل طبقه کارگر بر حول مطالبات صنفی - طبقاتی آن از یک‌سو و همپای تکامل مبانی ایدئولوژیک سازمان در همه وجوه آن و از جمله در زمینه اهمیت تشکل‌یابی توده‌ای و طبقاتی کارگران از سوی دیگر دیدگاه‌های ما در مورد تشکل‌های کارگری به مضامینی عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر تحول یافت.

با وجود اینکه شورا و سندیکا اساسا مفاهیم متفاوتی دارند ولی عملا در اینجا (ایران) به عنوان مفاهیمی معادل و مشابه، کاربرد داشته‌اند و در وضعیت موجود جنبش کارگری هیچگاه این دو تشکل باهم در یک کارخانه وجود نداشته است شوراها در اغلب موارد همان کار سندیکاها را می‌کردند و سندیکاها

طبقاتی‌اش تأکید دارند. این قوانین عام مقولاتی نیستند که جنبش کمونیستی - کارگری ایران ملزم به کشف مجدد آنها باشد. با درک خلاق آموزش‌های مارکسیسم - لنینیسم در مورد تشکل‌های کارگری و با کاربست خلاق آن در شرایط خاص حاکم بر جنبش کارگری میهنمان می‌توان و باید سیری حقیقتا انقلابی و عاری از گرایش‌های رفرمیستی و آنارکوسندیکالیستی را پیش پای طبقه کارگر ایران گشود.

اینک وظیفه ماست که سمت‌آتی تحول "شوراها"ی موجود را ترسیم کنیم. نشان دهیم که چگونه از درون همین شوراها و بر زمینه بسط و تکامل مبارزه طبقاتی از یک‌سو هسته‌های صنفی طبقاتی کارگران به تشکل‌های سندیکایی فرا خواهند روئید و از سوی دیگر شوراها را مدیریت با شرکت نمایندگان کلیه کارگران، کارمندان و مدیران واحدهای تولیدی، تشکل خواهند گرفت و توضیح دهیم که وظیفه پیشرو در قبال تشکل‌های شورایی موجود و چشم‌انداز آتی تحول آنها چیست؟

در شماره آینده در آخرین قسمت مقالات مربوط به تشکل‌های کارگری در ایران در پاسخ به ضرورت مبرم و اساسی فوق‌الذکر خواهیم کوشید. ادامه دارد

زندانیان دادگاه انقلاب که از تابستان گذشته به جرم انفجار خانه یک نفر از جاش‌های سندج و کشته شدن پیرمردی در این رابطه، دستگیر شده بود اعدام شد و هراس و ترس مردم را بالا برد و جو نامساعدی ایجاد کرده است.

### مربوان: بروزی در جبهه‌های جنگ

در مربوان اخیرا جو خفقان و فشار کاهش یافته است و دستگیری‌ها کم شده است. عده‌ای از هواداران جریان‌های سیاسی به شهر بازگشته‌اند و آرامش نسبی برقرار است. در مناطق مرزی مربوان جنگ همچنان ادامه دارد و به همین علت نیروهای زیادی از ارتش و سپاه و بسیج در منطقه حضور دارند. در غرب مربوان نیروهای جمهوری اسلامی با عراق و در جنوب غربی مربوان با ارتش عراق و تفنگچی‌های رزگاری در حال جنگ می‌باشند. در این درگیری‌ها مرتب عده زیادی از پاسداران به شهادت می‌رسند اما پیشمرگان مسلمان کمتر به جبهه می‌روند و یا بیشتر اوقات از جبهه فرار می‌کنند و همواره تلفات کمتری نسبت به سپاه دارند. به دنبال تصرف رزمی نقاط دیگری از جمله پاسگاه "زالانه" که از مناطق مهم تحت اشغال دار و دسته رزگاری بود به وسیله نیروهای دولتی با شهادت عده زیادی از پاسداران، تصرف شده است.

و ناآگاه و باندهای سپاه برای سرکوبی آنان و... سپاه گشته است.

بدین ترتیب آقای "فهمیم کرمانی" که به صورت بزرگ چماقداری کرمان عمل می‌کند، از یک سو دست در دست لیبرال‌ها و زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران به سرکوبی زحمتکشان و توطئه علیه آنان مشغول است و از سوی دیگر با این اعمال ضد مردمی خود بهترین تبلیغاتی را برای متحدین ارتجاعی خود در بی اعتبار ساختن ارگان‌های انقلابی اشاعه بدبینی در میان زحمتکشان منطقه نسبت به جمهوری اسلامی و مایوس نمودن از ادامه انقلاب را فراهم آورده است. به همین دلیل است که ضدانقلاب در منطقه با استفاده از اعمال "فهمیم کرمانی" تبلیغات گسترده وسیعی را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی به راه انداخته است.

(که تعدادشان زیاد نبود) فعالیتی مشابه شوراها موجود داشته و دارند ولی تشکل شورایی عملا عمده‌ترین تشکل موجود بوده و هنوز هست. هر چند ما اعتقاد داریم که کارگران باید در تدارک ایجاد سندیکاها طبقاتی‌شان باشند و شوراها موجود باید در زمینه پی‌ریزی سندیکاها سرخ گام بردارند و این مسئله (سندیکاها طبقاتی) از نظر اصول جنبش کارگری پذیرفته شده است.

(کار شماره ۶۲ - دوگرایش انحرافی در جنبش کارگری)  
اگر تا این زمان ما عمده‌ترین تشکل‌های موجود را بر اساس واقعیت عینی، تشکل‌های شورایی می‌دانستیم و در عین حال کارگران را به "تدارک ایجاد سندیکاها طبقاتی" فرا می‌خواندیم و لذا این مسئله را مسکوت می‌گذاریم که تشکیلات واقعی طبقه کارگر چیست؟ امروز صراحتا می‌گوئیم که سازمان یابی توده‌ای طبقاتی کارگران جز از طریق تجهیز طبقه کارگر به تشکل‌های صنفی - طبقاتی‌اش امکان‌پذیر نیست و هیچ تشکل طبقاتی و مستقل دیگری برای تأمین و تحکیم اتحاد مبارزاتی کارگران وجود ندارد. مقتضیات پراتیک عینی و قانونمندی‌های عام مبارزه پرولتری بر ضرورت تجهیز طبقه کارگر به تشکل‌های صنفی -

بقیه از صفحه ۱۱۲

## اخبار کردستان

شدت گرفته، همچنان ادامه دارد. اخیرا در تمام راه‌های این منطقه (سندج - دیواندره - سندج - کامیاران - سندج - حسن‌آباد، دیواندره - سقز - دیواندره - بیجار، کامیاران - مرچش و ... ) درگیری‌های زیادی صورت گرفته است و پاسداران در این جریان‌ها بیشترین تلفات را متحمل شده‌اند. حمله به داخل شهر سندج و کامیاران نیز اخیرا شدت گرفته است. در سندج پس از پیام اول بهمن ماه امام عده زیادی خود را به سپاه معرفی و امان‌نامه دریافت داشته‌اند. اما تعدادی از افراد که امان‌نامه گرفته‌اند اخیرا از طرف سپاه مجددا دستگیر شده شده‌اند. علت این کار را پیداشدن شاکتی خصوصی اعلام کرده‌اند! دادگاه انقلاب نیز در همین رابطه اعلام نموده است که افرادی را که بدون امان‌نامه در شهر هستند به زودی به دادگاه احضار خواهد نمود و افرادی نیز که امان‌نامه دریافت کرده‌اند، باید سلاح بدست گرفته و به جنگ با ضدانقلابیون منطقه بروند. این اقدامات باعث ایجاد ترس در تعدادی از افرادی که قصد داشتند خود را معرفی نمایند، شد. و از این کار خودداری کرده‌اند.

بقیه از صفحه ۱۱

## کارنامه سپاه آقای...

نه اغلب نیز این حملات وحشیانه با ضرب و جرح نیروهای مترقی و مردمی همراه است. بطور خلاصه این است کارنامه آقای "فهمیم کرمانی"، کارنامه ننگینی که سراسر با آزادی ساواکی‌ها، حمایت از فئودال‌ها، سرمایه‌داران بزرگ محاکمه کارگران و کارمندان و فرهنگیان و توهین و تهدید آنها، محروم کردن دهقانان از آب و زمین و زندانی کردن انقلابیون جان بر کف خلق، بکاربردن سنگسار همچون سرپوشی بر منشاء فحشاء، دشمنی با نیروهای مردمی و ضدامپریالیست بسیج و تحریک عناصر مشکوک

بقیه از صفحه ۹

## باند قاسملو...

نمی‌آوریم. باز هم تذکر می‌دهم ما قصد دستگیری شما را نداشته‌ایم، چون شما را عروسک‌های کوکی بیشتر به حساب نمی‌آوریم. همین‌حالا هم دستگیری شما برایم ممکن است.

ولی حقیقتا این شانس را ندارید. یا شاید این شانس را به خودتان ندادید که با هر دوی شما در خصوص چاره‌اندوزی برای بیرون آمدن از این بن‌بست سیاسی حرفی زده شود. شماها با عقل ناقص خودتان می‌خواستید مرا گول بزنید. همچنانکه کلاه سر پیشمرگان قهرمان و خلق ستم کشیده کرد گذاشتید. خیلی تنگ‌نظرانه مسائل را بررسی می‌کنید! دستگیر کردن یا کشتن من چه تاثیری می‌تواند داشته باشد؟ آیا آبروی از دست رفته شماها را باز خواهد آورد؟ دوستان ما شش نفر هستیم خودمان را عضو کمیته مرکزی حزب می‌دانیم. دو نفر از ما مواضع و دیدگاه‌های رفقا را در جلسه کمیته مرکزی مطرح خواهند کرد. به این آسانی هم نیست کسی را از کمیته مرکزی بیرون کنید. تازه چه بسا تصور می‌کردیم هر دو تن اهل منطق و صداقت هستید. البته من و رفقا در اشتباه بودیم که آخر بشما هم در میان می‌گذاشتیم. حالا هم به هر دو تن توصیه می‌کنم چون راه برگشت برایتان می‌بینم.

به‌تصور بچه‌گانه شما دلسوزی ما برای خلق کرد کمتر از شماست. و خدای نخواسته قصد خیانت داریم؟ نه! هرگز! ما در صف متشکل انقلابیون ایران بوده و خواهیم ماند. ما شاه را رسوا کردیم آمریکا را به زانو در آوردیم. لیبرال‌ها را که دوستان شما هستند بی‌آبرو ساختیم و انقلاب خونبار خلق‌های ایران را همچنان به پیش می‌بریم و به آرمان حزب و راه اساسنامه معتقد و مومن هستیم. منطق ما تفکر علمی است راه ما تئوری علمی مبارزاتی است. ما موفق می‌شویم چون تاریخ با ماست. انسانیت و شرافت انقلابیون خط ما را که خط صداقت است تأیید می‌کنند. اگر سیاست چماق و زور کار به جایی می‌برد، شاه بر ایران حکومت می‌کرد. فرصت این ماجراجویی را نداشتید. من نمی‌خواهم دیدگاه‌های خود و رفقا را برایتان بنویسم. چون فکر می‌کنم بیش از ۵۰ صفحه باشد. وابستگی شماها دلیل و سنسور نمی‌خواهد. حالا خودتان هم به این قناعت رسیده‌اید که حاشا نمی‌کنید. یکسری تبلیغات ناجوانمردانه دنبال من راه انداخته‌اید.

دوستان من از مردم نمی‌ترسم فرزند انقلاب و زحمتکشان هستم و مثل شماها ماسک به چهره نزنم و خودم را تحمیل نمی‌کنم. حقیقت را به آنها می‌گویم. همچنان که آمریکا و لیبرال‌ها را رسوا و افشا کردیم، شماها را افشا و رسوا خواهیم کرد.

البته تاریخ افشا و رسوایتان خواهد کرد. در مورد جنگ پیرانشهر حرف زده بودید. اگر غیرت و شرافت داشته باشید قبول می‌کنید که کسار خودتان بود و تازه مگر در کنفرانس میشه‌دی همه آبروریزی‌های پیرانشهر را به عهده دفتر سیاسی‌تان نگرفتید؟ نوارش پیش من هست می‌خواهید برایتان بفرستم. مگر رحمان کاره‌ای و سلیم بابانزاده به کرکوک نرفته بودند؟ و با وزیر جنگ عراق ننشسته بودند؟ و برنامه را به سفارش شما نریخته بودند؟ فقط ۴۸ ساعت مانده بود که به من ابلاغ شد. این وابستگی نیست؟

بی‌انصاف‌ها این کارهایتان بود که حزب را به این روز انداخت و آبرو و شرف سیاسی این مبارزه را بر باد داد. تازه مگر با طرح سراسری دولت

بعث فاشیست هماهنگ نبودید؟ البته من خودم را میرا نمی‌کنم. من هم با شما در این خیانت دست داشتم ولی موافق آن نبودم و خارج از اراده من بود. فقط نقش من شکل دادن به آن بود و در آنجا اگر عقل داشته باشید بدون آنکه کوچک‌ترین نقطه ضعفی داشته باشم برنامه را به نفع انقلاب ایران تمام کردم.

بی‌غیرت‌ها حالا افتخار می‌کنید و تاکتیک‌های ما را در این جنگ به‌عنوان افتخار سیاسی خودتان و فرایند سیاسی این جریان را در سخنرانی‌هایتان به‌میان می‌کشید؟

چون وابستگی در آنجا به حد ممکن خود رسیده بود، و حالا هم هست، همیشه‌از بحث در این مورد گریز می‌ورزید. از حالا هم به شما هشدار می‌دهیم اگر کسی به اتهام دوستی و هم‌سنگری با ما کشته و یا زندانی شود، ما جریان خیانت را نمی‌بخشیم. من ایمان دارم که راه ما راه حزب و قاضی محمد و اساسنامه است. و ما پیروز می‌شویم. مواظب تصمیم‌گیری‌های خودتان هم در منطقه باشید. سفارش کردم که مسئله مذاکره را از طریق مهاباد یا پیرانشهر تعقیب کنند.

عبدالرحمان کریمی - ۱۸ اسفند ۵۹

### هیچ چیز خطرناک‌تر از فریب توده‌ها نیست

مردم مبارز پیرانشهر، اشنویه نقده ترگور و مرکور!

پیشمرگان آگاه، وفاداران راه قاضی محمد، پویندگان خط اصیل حزب!

روند پرتوان تاریخ هنگامی که پرده از ستم‌ها و خیانت‌ها برمی‌دارد، و ستمگران و مستبدین را در سراشیب سقوط قرار می‌دهد و ورشکستگان برای بقا و چند صباحی بیشتر زیستن به‌تمامی شیوه‌های جنایت‌آمیز و غیر انسانی متوسل می‌شوند. غافل از اینکه چرخ تاریخ بازگشت ناپذیر است و با هیچ تلاش و دست‌وپازدنی نمی‌توان جلوی حرکت تاریخ را سد کرد و حقیقت را برای همیشه از توده‌ها پنهان ساخت.

باند مزدور و منحرف از برنامه حزب که مدتهاست کوس رسوائی‌شان زده شده، اکنون به منجلاب خیانت در غلطیده‌اند. این بزذلان مدتی است جعل، دروغ، عوام‌فریبی و فضای خفقان و ترور را پیشه خود کرده‌اند، ترور مشکوک سرکرد عباسی را پرده‌پوشی کرده، پرویز قصری را به‌کلوه می‌بندند پیرانی‌ها را در اطراف بوکان به قتل می‌رسانند و کروی‌ها این وفاداران صديق حزب را در مهاباد شهید می‌کنند و این بار نیز در صدد ترور مسئولین تشکیلات‌ها و پیشمرگان منطقه برآمدند و برای به‌اجرا آوردن این جنایت شوم در اطراف اشنویه کمین‌های متعددی گذاشته بودند که با هوشیاری انقلابی پیشمرگان آگاه خنثی گردید.

باند خیانت و جنایت که مرکب از مشت‌های مامور سیا و ناتو، نوکران رژیم جنایتکار بعث، افسران طاغوتی و زمینداران منطقه هستند، از هیچ‌گونه تلاش ناجوانمردانه بر علیه نیروهای مترقی، انسان‌های صادق و پیرو برنامه حزب روگردان نیستند. و علیرغم چپاولگری‌ها و رعب و وحشت به شیوه ساواک به شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی مشغول هستند. و هیچ تهمت و برچسب ناروایی نمانده است که بر ما وفاداران به مشی سنتی و اصیل حزب نزنند. این مزدوران بعث و ناتو در منطقه با تحریک عناصر ناآگاه کوشیده و می‌کوشند تا اعضای صادق حزب و پیشمرگان آگاه را با بازی خوردگان رودررو قرار دهند و درگیر سازند تا با ایجاد بلوا و خونریزی هم اوامر اربابان بعثی را اجرا کرده و هم مدتی دیگر به عمر ننکن

چماق و سرنیزه خود ادامه دهند.

مردم مبارز، پیشمرگان و اعضای صادق حزب! شما نیک می‌دانید این خیانتکاران در برچسب زدن‌ها، تهمت‌ها و عوام‌فریبی‌ها بر ساواک پیشی گرفته و گوی سبقت را برده‌اند! تمام مسئولین اعضا و پیشمرگان سوما، برادوست انول، قطور، ماکو و "هیزی قهرمان و شهید سرگرد عباسی" را به باد تهمت و افترا گرفته و به‌عناوین مختلف بر علیه آنان شایعه پراکنی می‌کنند. به هیزه‌های پیشمرگه "نحو، آواره و سمکو" حمله می‌کنند و به شیوه‌های ناجوانمردانه دسته دسته

آنها را محاصره و به زندان‌ها روانه می‌کنند. چیست که منحرفین این چنین به‌دست و پا افتاده و به کثیف‌ترین اعمال شیوه فاشیست‌های بعثی عراق به‌سوی وفاداران مشی اصولی حزب حمله‌ور می‌شوند و آنها را می‌ربایند؟

دمکرات‌های راستین چه می‌گویند؟ می‌گویند: مردم را نباید فریب داد، نباید واقعیت را از توده‌ها پنهان کرد. درحالی که انقلاب خونبار خلق‌های ایران در ستیز و نبرد با توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی و خارجی است در حالی که انقلابیون در جبهه

نبرد سرنوشت ساز با متجاوزین رژیم صدامی و سرسپرده امپریالیسم آمریکا می‌رزمند، در حالی که انقلاب در روند تعمیق و گسترش دستاوردهای خود گام برمی‌دارد، نه‌تنها نباید همدوش و همسنگر متجاوزین بعثی و ضدانقلاب باشیم، بلکه باید با تمام نیرو و امکانات لوله تفنگ خود را در جهت انقلاب و بر علیه ضدانقلاب به‌کار ببریم.

راه مبارزه حزب قطع کامل نفوذ امپریالیسم به‌ویژه امپریالیسم تبهکار آمریکا در تمام زمینه‌ها از میهن انقلابی است نه راه احیای نفوذ امپریالیسم و ضدانقلاب دست‌پرورده‌اش در میهنمان.

خلق کرد چه می‌گوید؟ پیشمرگان مبارز و آگاه چه می‌گویند؟ می‌گویند: راه مبارزه خلق کرد راه پیوندی و همسنگری با دیگر خلق‌های ایران است نه راه جدایی و تفرقه و نفاق، نه راه سوختن خانه و کاشانه خلق برادر آذری.

مبارزین واقعی، دمکرات‌های راستین چه می‌گویند؟ می‌گویند: مشی حزب ما تشکیل جبهه و هماهنگی و وحدت با نیروهای مترقی و انقلابی است نه راه همسنگری و متحد شدن با ضدانقلاب لیبرال‌ها و مائوئیست‌های مطرود.

اساسنامه حزب نظامنامه داخلی است و اجازه ورود شبکه افسران طاغوتی و همکاران بختیار و اویسی و فئودال‌ها و زمینداران بزرگ، مزدوران بعث عراق و ساواکی‌ها را به حزب راه نمی‌دهد! اما اینک مهم‌ترین پست‌های حساس به دوستان ناتو و همکاران رژیم جنایتکار بعث عراق و افسران وابسته به بختیار و اویسی و ساواکی‌ها گذارده شده است.

مبارزین وفادار به راه قاضی محمدها، یوسفی‌ها، آواره‌ها، معینی‌ها و شریف‌زاده‌ها چه می‌گویند؟ می‌گویند: باید از اصول و الفبای مبارزه آموخت و از تجارب تلخ مبارزات ملت‌ها به‌ویژه جنبش کردستان عراق درس عبرت گرفت و از وابستگی به دولت‌های امپریالیستی و مرتجعین منطقه چون رژیم جنایتکار صدامی نه‌تنها پرهیز کرد، بلکه باید در راه مبارزه بر علیه متجاوزین به‌خاک میهن با تمام قدرت جانفشانی کرد.

اینک تمام اسلحه و مهمات و دینار و وسایل عیش و نوش این خائنین به حزب و خلق کرد و انقلاب ایران از رژیم فاشیستی عراق در حالی دریافت می‌شود که با توپخانه و موشک‌های ۹



بقیه از صفحه ۲۰

# باند قاسملو...

متری رژیم صدام هم‌میهنان ما را در جنوب و جنوب غربی کشور عزیزمان ایران در خون غلطانده و خانه‌های مسکونی و عصاره حیات اجتماعی و اقتصادی ما را مورد ناجوانمردانه‌ترین حملات خود قرار داده است.

مردم مبارز، دمکرات‌های راستین، پیشمرگان هیزی نحو، آواره، سمو افشین، قهرمان، سرگردعباسی، با درک واقعیت و با پیروی از مشی اصولی حزب و در وفاداری به راه شهدا بکوشید، با شناخت دقیق از ماهیت باند منحرفین تا شایعه‌سازی، توطئه‌ها و دام‌های آنها را با صبر و هوشیاری انقلابی برملا سازید و اجازه ندهید با استفاده از نام مقدس و پرافتخار حزب دمکرات کردستان ایران مشت‌افسران بختیاری و نوکران بعثی و ناتو به چماق‌داری و قلندری خود در جهت فریب توده‌ها ادامه دهند.

با اتحاد و یگانگی صفوف خود را فشرده‌تر سازید و برای طرد کامل منحرفین بکوشیم. و همه باهم در راه قطع کامل نفوذ امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و برای دفع

تجاوزات رژیم جنایتکار صدامی و برچیدن بساط ضدانقلاب و برای گسترش دستاوردهای انقلاب و تحقق خواست‌های برحق خلق کرد به مبارزه اصولی خود ادامه دهیم.

ما پیروز خواهیم شد فقط و فقط اگر حقیقت را به‌توده‌ها بگوئیم

مرگ بر امپریالیسم به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا  
مرگ بر رژیم تجاوزکار صدامی و نوکران داخلی اش  
پیش به‌سوی حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و

تأمین خواست‌های برحق خلق کرد!  
ننگ و رسوایی بر منحرفین و شایعه‌سازان و  
تفرقه افکنان

درد بر پیروان راستین حزب دمکرات کردستان  
ایران

عبدالرحمن کریمی عضو کمیته مرکزی حزب  
و مسئول سیاسی و نظامی منطقه ترگور و مرگور  
رحمان پیروتی کادر سیاسی و نظامی منطقه  
پیرانشهر و اشنویه

شاخه کردستان سازمان، به مناسبت آغاز سال  
۶۰ بیانیه‌ای پیرامون تحولات یکساله گذشته در  
کردستان و چگونگی حل مسئله کردستان انتشار  
داده که به‌علت تراکم مطلب این شماره، در  
شماره بعدی چاپ خواهد شد.

## بیانیه ۱۰ ماده‌ای ... بقیه از صفحه ۲

تشنج و درگیری‌های سیاسی مورد توافق قرار گرفته است و این توافق به‌گونه‌ای انجام گرفته که برای دولت رجائی و دیگر دست‌اندرکاران طراز اول خط امام فرصت و زنگ تنفسی فراهم آورده که موقعیت سیاسی خود را تحکیم نمایند.

ما بدون آنکه نسبت به پایداری این حالت تعادل موقت چندان خوشبین باشیم، تأکید می‌کنیم که دولت رجائی باید از آرامش سیاسی به دست آمده، با سرعت و شتابی که لازمه سرعت تحولات در جامعه کنونی ماست، در جهت تعمیق انقلاب ایران حرکت کند. آرامش سیاسی به‌دست آمده هرگاه بدون اتخاذ سیاست‌هایی سیری شود که باید به نیازهای اساسی و مبرم وسیع‌ترین اقشار خلق پاسخ دهد، دولت رجائی را با بحرانی در سطح گسترده‌تر و عمیق‌تر مواجه خواهد ساخت.

ما در پیام نوروزی به خلقهای میهن، اقداماتی را که در شرایط امروز از ضرورت حیاتی برخوردارند، برشمردیم. بار دیگر تأکید می‌کنیم که تنها با حرکت در جهت پاسخگویی به نیازهای اساسی انقلاب است که این زمینه فراهم می‌آید تا نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران در صفوفی فشرده و یکپارچه گرد آمده و نیروهای ضدانقلاب هرچه منزوی‌تر گردند. بیانیه امام و اقداماتی که پس از آن صورت گرفته، به خودی خود تنها می‌توانند برای مدتی کوتاه بحران‌های سیاسی را در حکومت جمهوری اسلامی تخفیف دهند، اما آنچه حیاتی است و انقلاب می‌طلبد، آنچه توده‌های مردم ایران خواهان آنند، حرکت در جهت تحقق هدف‌های اساسی انقلاب است. فقط نیروهای که بتوانند خود را با این ضرورت‌های حیاتی سازگار سازند، در صفوف نیروهای خلق موقعیت مستحکم و پایداری خواهند داشت.

## خبریکشنبه ۹ فروردین کیهان مبنی بر انشعاب در سازمان ما دروغ محض است

مطلبی که در زیر می‌خوانید، توضیحی است پیرامون خبری که تحت عنوان "در ظرف کمتر از ۸ ماه برای سومین بار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دچار انشعاب شد" در روزنامه کیهان مورخ یکشنبه ۹ فروردین ماه به چاپ رسیده است. ما عین توضیح را برای روزنامه کیهان ارسال داشته‌ایم و بی‌مناسبت ندانستیم که در گزار نیز به درج آن اقدام کنیم.

سر دبیر محترم روزنامه کیهان

اطلاع دارید که در روزنامه کیهان یکشنبه ۹ فروردین ماه، صفحه ۲ خبری درج شده است مبنی بر اینکه کوبا "در ظرف کمتر از ۸ ماه برای سومین بار در سازمان چریکهای فدایی خلق انشعاب" شده است. ضمن تکذیب این خبر که از اساس نادرست است، جهت اطلاع تحریریه محترم آن روزنامه و خوانندگان آن که خبر نادرست فوق را شنیده و یا خوانده‌اند، طبق قانون مطبوعات ضروری است که توضیحات زیر را در همان صفحه و با همان حروف به چاپ رسانید.

قبل از هر چیز لازم به تذکر است که جز انشعاب فراکسیون اقلیت که ۸ ماه پیش صورت گرفته است و خبر آن نیز در همان زمان رسماً توسط سازمان اعلام گردیده است، هیچ انشعاب دیگری در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که همان وقت عنوان "اکثریت" بدان افزوده شد، صورت نگرفته است. علاوه بر این باید خاطرنشان ساخت که علیرغم آنچه که از خبر روزنامه کیهان مستفاد می‌شود، در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هیچگاه هیچ‌جناح به اصطلاح "چپ" وجود داشته و نه چنین جناحی در سازمان ما می‌تواند وجود داشته باشد. مسئله باز می‌دود به اخراج چند تن از اعضا که بر اساس پایبندی سازمان به مشی انقلابی و اصولیت انقلابی، شش ماه پیش از سازمان اخراج شدند. بریده نشریه‌کار شماره ۸۴ که خبر این اخراج در آن به چاپ رسیده است، ضمیمه این نامه است.

اطلاع یافتیم که عده‌ای از این افراد اوراق و نشریاتی را با امضای جعلی "جناح چپ اکثریت" علیه رهبری سازمان و علیه مشی انقلابی آن منتشر می‌کنند. این مسئله بگونه‌ای در کیهان درج شده است که این توهم را پدید آورده که کوبا اخیراً در سازمان انشعاب‌های دیگری رخ داده است. لغو عضویت عناصر منززل و مرددی که ضوابط سازمان را زیر پا می‌نهند و شیوه‌های تشکیلاتی در پیش می‌گیرند و یا رانده شدن افرادی که در دفاع از انقلاب و حفظ اصولیت عقیدتی خویش از خود ناپیگیری نشان می‌دهند، در یک سازمان انقلابی نه تنها امری غیرطبیعی نیست بلکه نشانه‌ای است از اصالت انقلابی و اصولیت ایدئولوژیک درست به همانگونه که گرویدن روزافزون انقلابیون راستین به سوی سازمان ما، آنان که در عمل به انقلاب وفادارند، آنان که دفاع از منافع و مصالح خلق و توده‌های زحمتکش و محروم جامعه را مقدم بر دفاع از منافع شخصی و گروهی خویش می‌شمارند، امری است کاملاً طبیعی و غرورانگیز.

تجربیات تاریخی باید به همه سازمان‌های انقلابی بیاموزد که چنانچه با نطفه‌هایی که در سازمان‌های انقلابی بسته می‌شود تا به کانون تردید و تزلزل در دفاع از انقلاب و آرمان مردم بدل گردند، از همان آغاز با فاطمیت برخورد نشود، هرگاه مصالح گروهی موجب شود عناصری در سازمان‌های انقلابی باقی بمانند که در ادامه راه و دفاع از منافع مردم در برابر دشمن مردم از خود یاس، ناپیگیری و تزلزل نشان می‌دهند، آنگاه چه تضمینی وجود خواهد داشت که فدای این میهن گمنام با مداوم و تعمیق و پیشرفت و پیروزی نهایی انقلاب خویش را جشن بگیرند؟ سازمان ما عزم آن دارد که از تجربه تاریخی درس بگیرد. سازمان ما در آینده نیز همچون گذشته با فاطمیتی انقلابی و با عزمی استوار باجبین عناصری برخورد خواهد کرد. ما همواره به این ویژگی انقلابی سازمان خویش در حراست از آرمان انقلابی بنیانگذاران و سازندگان شهید سازمان افتخار کرده‌ایم و می‌کنیم و خواهیم کرد. ایماں داریم که تاریخ ما و خلق آگاه و انقلابی ما نیز این اصولیت و اصالت را می‌ستایند و بر آن صحنه می‌نهند. مطلقاً به سود مصالح جنبش و انقلاب نمی‌دانیم که بر اخراج عناصر ضدتشکیلات که با عمل خویش ثابت کرده‌اند که ناپسته عضویت در بیگترین سازمان‌های انقلابی نیستند، نام انشعاب نهاده شود، نامی که قبل از هر چیز نوعی تفرقه و تجزیه را تداعی می‌کند. رانده شدن افراد مردد و منززل نه تنها نشان از تجزیه و تفرقه نیست بلکه در یک سازمان انقلابی دقیقاً نشانه‌ای است از استحکام و انسجام و بلوغ سیاسی و عقیدتی آن. هر سازمان انقلابی به همان میزان که از خود پیگیری انقلابی و پاسداری از آرمان مردم نشان می‌دهد، به همان میزان عناصر مردد، منززل و سردرگم را از خود می‌راند و به میزان روزافزونی عناصر مصمم، پیگیر و انقلابی را در صفوف خود جای می‌دهد. این تحولات هم‌اکنون در سطح جنبش انقلابی خلق ما و از جمله در سطح سازمان ما به همانگونه که شاهد آن هستیم، به چشم می‌خورد و جریان دارد. آیا عدم توجه به این حقایق و انشعاب نامیدن این تحولات ناسی از عدم توجه به عمق مسائل نیست؟!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)  
دهم فروردین ۱۳۶۰

## توضیح راجع به نادرستی خبر مربوط به سیدطه محدث

در کار شماره ۱۰۱ خبری مبنی بر شهادت سیدطه محدث درج شده است که ما پس از انتشار آن دریاقتیم این خبر صحت نداشته و چاپ آن در کار نتیجه تسامح ما و مجموعه اطلاعات نادرست‌گزارش شده، بوده است. ما ضمن پذیرفتن انتقادات جدی به نشریه کار و سایر ارگان‌هایی که در این زمینه مسئولیت دارند، از آقای سیدطه محدث خانواده نامبرده و دوستان آنها صمیمانه بپوش می‌طلبیم. احتمال اشتباه در اینگونه موارد آن هم در شرایطی که هزاران هم‌میهن ما در جنگ مقاومت به شهادت رسیده‌اند و همچنین در اوضاع و احوالی که هزاران عضو و هوادار سازمان ما در جبهه‌های وسیع علیه تجاوزگران پیکار می‌کنند، امری بعید نیست. این احتمال به‌ویژه زمانی بیشتر می‌شود که کم‌دقتی رفتاری مسئول و تشابهات اسمی با گزارشات تحریف شده و مفروضات نهادها و عناصری که با جعل خبر در پی کاستن از اعتبار نیروهای انقلابی هستند، همراه گردد. در خبر نادرست کار شماره ۱۰۱ همه این عوامل دست به دست هم داده و نتیجتاً موجبات اشتباه مذکور را فراهم آورده است. ما همه توان خویش را به‌کار خواهیم گرفت که در آینده چنین اشتباهاتی تکرار نشود.

## ایجاد تشنج در قزوین ... بقیه از صفحه ۱۲

در قزوین تضعیف جبهه براندازی انقلاب است، پس چرا نیروهای طرفدار انقلاب را زیر ضرب برده‌اند؟ مقامات مسئول باید بدانند این شیوه‌های برخورد نه تنها ضد انقلاب را تضعیف نمی‌کند بلکه بهترین زمینه را برای رشد آنها فراهم می‌کنند و کار به‌جائی می‌رسد که بختیار خائن و طرفدارانش هم چرات پیدا کرده و علناً نقش دایه دلسوزتر از مادر را بازی می‌کنند و با حربه دفاع از آزادی! مردم را فریب بدهند. ما محدود کردن آزادی‌های سیاسی نیروهای خواهان اجرای قانون اساسی هستند را به ضرر انقلاب و به

نفع ضدانقلابیون می‌دانیم" اطلاعاتیه هواداران سازمان در قزوین با تأکید بر این واقعیت که در شرایط کنونی شکستن آرامش قانونی و دامن زدن به اختلافات غیرعمده از سوی هر نیروئی که باشد، عملاً اجرای سیاست‌های مطلوب امپریالیسم است، با این جملات پایان می‌پذیرد: "ما در اینجا یکبار دیگر به تمامی نیروهایی که خواهان استمرار و پیروزی انقلاب هستند هشدار می‌دهیم: امپریالیسم آمریکا در کمین انقلاب نشسته است همه قلمها و دستها را علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا به‌کار گیریم."

### چگونه می‌توان...

و افزایش قیمت بلیط اتوبوس را که هم‌اکنون بیش از حد بالاست مطرح کرد. از سویی دیگر، کارخانه اتوموبیل سازی رنو به جای آنکه در پی ایجاد تغییری در محصول کارخانه خود باشد اعلام داشت که سفارش خرید اتوموبیل می‌پذیرد و آنچنان که گفته شده چندین هزار نفر تقاضای خرید رنو کرده‌اند. و هر یک ۵۰ هزار تومان ودیعه داده‌اند (این که این رقم به حدود یک میلیارد تومان رسیده است و کارخانه رنو با چنین رقم سرسام‌آوری چه می‌خواهد بکند خارج از بحث کنونی ما است). اما این که دولت در کارخانه دولتی شده رنو به جای اقدامات اساسی در پی جمع کردن مشتری برای محصول این کارخانه وابسته است سؤال برانگیز است که مسئولان جمهوری اسلامی باید بدان پاسخ گویند.

برنامه اصولی در جهت قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید با تبدیل کارخانه‌هایی که محصول آن برای حمل و نقل عمومی بار و مسافر مورد نیاز است، همراه باشد این سیاست یکی از الزامات رشد اقتصادی کشور در زمینه صنعت و کشاورزی است و نیز فراهم آورنده رفاه بیشتر برای کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی است. همانطور که گفتیم دنبال کردن این سیاست، از یک سوی مستلزم قطع پیوندهای وابستگی صنایع اتوموبیل سازی است (که در زیر بدان خواهیم پرداخت)، و از سوی دیگر باید با برنامه‌های گسترده و جامع برای ایجاد شبکه حمل و نقل عمومی و به‌ویژه برای گسترش شبکه راه‌آهن و اتصال شهرها و روستاهای کشور به این شبکه، همراه باشد.

۲ - همانطور که در شماره پیشین دیدیم ویژگی صنعت وابسته اتوموبیل سازی این است که صنایع جنبی آن (مانند لاستیک‌سازی) صنایعی اساسا وابسته بوده که زنجیر سلطه سرمایه‌های امپریالیستی بر اقتصاد ایران را تحکیم بخشیده است، خصوصیت وابستگی این صنعت مانع از آن بوده است که صنایع غیر وابسته جنبی داخلی به‌ویژه صنایع کوچک، بتوانند در کنار آن بوجود آیند و رشد کنند در مواردی که صنعتگران و کارخانه‌های کوچک غیروابسته کوشیده‌اند علیرغم سیاست‌های این انحصارات و دولت وابسته شاه، از کنار صنعت اتوموبیل سازی بوجود آیند و برخی از آلات و ادوات اتوموبیل را تهیه کنند، دیری نپاییده است که در نتیجه عملکرد این صنایع ورشکست شده و از میدان به در رفته‌اند.

در شماره پیشین گفتیم که شرکت‌های امپریالیستی که بر تمامی پروسه تولید صنعت وابسته اتوموبیل نظارت می‌کنند قطعات منفصل اتوموبیل را در بسته‌بندی‌های یکدست "غیر منفصل و کاملاً منفصل" (موسوم به بسته‌های "اس. کی. دی" و "سی. کی. دی") به شرکت‌های وابسته می‌فروشند. برای این که قطعه‌ای در داخل کشور تولید شود شرکت انحصاری "چند ملیتی" باید آن را از بسته‌بندی خارج کند از آنجا که این کار موجب کاهش سود انحصار امپریالیستی می‌شود، انحصار حاضر به قبول آن نیست. در شماره پیشین قضیه جانشین کردن کمک فنر ساخت داخل به جای کمک‌فنر تولید شده در شبکه انحصار "چند ملیتی" را در یکی از کارخانه‌های کامیون سازی، پس از

انقلاب، نقل کردیم و از این موارد بسیار است تا زمانی که روابط صنعت اتوموبیل سازی (و دیگر صنایع وابسته) با انحصارات برقرار بماند. از این نمونه‌ها بسیار خواهد بود.

علاوه بر این گفتیم که انحصارات امپریالیستی بنا بر الزامات رشد سرمایه خود، در تولید محصولات صنایع تغییر بوجود می‌آورند. در صنعت اتوموبیل سازی وضع عموماً بدین ترتیب است که هنگامی که بازار اتوموبیلی رو به اشباع است (مانند بازار اتوموبیل ژاپن)، یا بازار برای عرضه محصول پرسودتری بوجود آمده است (مانند بازار بیوک و کادیلاک) انحصارات امپریالیستی محصول کارخانه را تغییر می‌دهند. این کار علاوه بر هزینه‌های سنگینی که دربر دارد و به خریدار اتوموبیل انتقال می‌یابد، باعث زیان صنایع جنبی غیر وابسته و حتی سبب از بین رفتن آنها می‌شود.

این وضع بدون تغییر در خط تولید و نوع محصول نیز بوجود می‌آید. خواننده "کار" می‌تواند به شکل ظاهری اتوموبیل پیکان سال ۵۹ توجه کند و چراغ‌های جلو و عقب آن را با چراغ‌های پیکان ۵۷ و ۵۸ مقایسه کند. تغییری محسوس در شکل چراغ‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این، خواننده می‌تواند از فروشندگان لوازم یدکی پیکان قیمت چراغ‌های پیکان ۵۸ و ۵۹ را بیسود و مقایسه کند. تفاوت بسیار قابل ملاحظه است؟ چرا؟ چراغ‌های پیکان که برای چند سال تغییر نیافته بود، و در داخل تولید می‌شد و قیمتی به نسبت ارزان داشت، در سال ۵۹ کارخانه کرایسلر انگلستان تصمیم گرفت شکل چراغ‌ها را تغییر دهد و این کار را بطور یکجانبه انجام داد. بسته‌های "نیمه منفصل" و "کاملاً منفصلی" که این شرکت انحصاری امپریالیستی برای کارخانه ایران ناسیونال می‌فرستاد، از آغاز سال جدید (۵۹) چراغ‌های جدید را در خود داشت نتیجه این شد که چراغ‌هایی که با قالب‌های قبلی تولید می‌شد به کارپیکان‌های جدید نیاید. قیمت چراغ یدکی افزایش یافت و این کار در زمانی رخ داد که شرکت ایران ناسیونال سازنده پیکان، دولتی نیز شده بود بنا بر این می‌بینیم سیاست انحصارات امپریالیستی، که صنعت اتوموبیل سازی ایران بدان‌ها وابسته است همواره مانع آن بوده است که صنایع جنبی داخلی بتوانند بدون قرار گرفتن در پیوندهای وابستگی رشد یابند. علاوه بر آن می‌بینیم که به علت وجود پیوندهای عمیق میان صنعت وابسته داخلی و انحصارات امپریالیستی، حتی ملی کردن آنها به خودی خود و بدون قطع کامل کلیه این پیوندها، نمی‌تواند باعث ایجاد صنعتی مستقل به جای این صنعت وابسته شود. همچنان که در سال اخیر، با آن که این صنعت ملی شده و از سرمایه‌داران وابسته آنها خلع ید شده (هرچند تکلیف سهامداران خارجی، در مواردی که سهامدار خارجی وجود داشته هنوز تعیین نشده اما در هر صورت اداره صنعت به دست دولت بوده است) هنوز پیوندهای وابستگی این صنعت بر جای مانده است. و این مانعی اساسی در مقابل رشد صنعت مستقل اتوموبیل سازی و ایجاد پیوندهای ارگانیک میان آن و صنایع جنبی آن بوده است.

سیاست قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید مبتنی بر قطع کامل پیوندهای میان این صنعت و انحصارات امپریالیستی باشد. در شماره آینده به بحث درباره چگونگی اجرای این سیاست مهم خواهیم پرداخت.

### پیام سازمان...

"جبهه ساندینیست طومار یکی از سفاک‌ترین رژیم‌های تروریستی وابسته به امپریالیسم یانکی را درهم پیچید و اینک با تحکیم صفوف خود مصمم است تا نقش شایسته خویش را در تداوم پیروزمندانانه روند انقلاب خلقی - ضد امپریالیستی‌اش و شالوده‌ریزی تحقق آرمان‌های متعالی سوسیالیسم ایفا نماید. خلق قهرمان نیکاراگوئه که مرحله نخست انقلاب پرشکوه خود را به پیروزی رساند، اینک از همه سو با دسایس و تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی برای بازپس گرفتن مواضع از دست‌رفته‌اش روبروست. خلق دلاور نیکاراگوئه مصمم است که با وحدت خلل‌ناپذیر خود پوزنه ضدانقلابیون توطئه‌گر و امپریالیست‌های حامی آنها را به خاک مالیده و با تثبیت دستاوردهای انقلاب خود، راه تحقق و تداوم وقفه‌ناپذیر آن را به سوی افق‌های روشن صلح استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم هموار سازد. بدون شک طبقه کارگر نیکاراگوئه و شما که نمایندگان سازمان‌های توده‌ای - دموکراتیک آن هستید، در این کارزار با حضور متحد و یکپارچه خود ضامن پیروزی‌های بازم درخشانتر آینده خواهید بود.

رفقا! طبقه کارگر میهن ما نیز که دوشادوش دیگر زحمتکشان میهن‌مان در انقلاب بهمن نقشی غرورآفرین ایفا نمود با سرنوشتی رژیم شاه، بزرگترین مانع در راه ایجاد تشکلهای صنفی - طبقاتی‌اش از میان برداشته شد و اکنون در تشکیل و تحکیم سندیکاها و اتحادیه‌های نوین خود قرار گرفته و مصمم است به رهبری پیشروان خود بر سی سال تشمت و پراکندگی حاکم بر جنبش کارگری ایران غلبه کند و موجبات پیروزی قطعی انقلاب ایران را فراهم نماید. اینک که انقلاب ما در مسیر پیشرفت و تعالی خود راه می‌سپرد می‌رود تا به پیروزی‌های سرنوشت سازش دست یابد. جبهه ضدانقلاب جهانی بسرکردگی آمریکای جهان‌خوار بادستباری ضدانقلاب داخلی بورژوازی لیبرال و ارتجاع منطقه و در راس آن رژیم ضد مردمی عراق، می‌کوشند انقلاب شکوهمند ما را به شکست کشانند.

کارگران دو کشور ما بخشی از طبقه کارگر جهانی بوده و رشته‌های وحدت و همبستگی انترناسیونالیستی، آنها را به هم پیوند می‌دهد. تحکیم این همبستگی به خاطر تحقق آرمان‌های سترگ پرولتاریای جهانی و تداوم پیروزمندانانه روند انقلاب در هر یک از دو کشور ما، وظیفه‌ای تخطی‌ناپذیر است که باید با عزمی راسخ بدان پاسخ داد. ما با ایمان خلل‌ناپذیر به ادای این وظیفه انقلابی، درودهای گرم و صمیمانه طبقه کارگر ایران را از این سوی اقیانوس‌ها به شما و از طریق شما به طبقه کارگر قهرمان نیکاراگوئه می‌فرستیم و تحقق ظفرمندانانه اهداف این کنفرانس را در تحکیم رشته‌های همبستگی بین‌المللی با طبقه کارگر و زحمتکشان نیکاراگوئه آرزو مندیم.

پیروزیاد همبستگی بین‌المللی  
کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
(اکثریت)



## سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مین و در راه آرمان بر افتخار خلق کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در مرصای ار پیکار تاریخ ساز خلق بزرگ ما، هر روز جانهای عزیز را در راه انقلاب نثار می کند.

خون پاک رفقا، دشتها و دره های صحرای را گلگون می سازد و بنارت می دهد. لاله زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیمکراتیک فردای پسروری رحمتگان بر آن بنا می شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- اکبر بدلی
- اکبر هجور
- امیر آمانی
- علی مصاف
- حوادث کجی
- البر بروسی
- مریم رنسی
- رحیم مصطفی
- سعد کوشش
- بهرام وراسی
- محمود اچسو
- خسرو کریمی
- حسن سریمی
- عبدالله مرادی
- محمد ساردار
- می اسکویی
- حسن صالحی
- عالم عباس بخرد
- عباس الله رنسی
- محمد رضا آذرین
- سپهنا مسلمان راده
- حسنا الله فرح بخش
- ابراهیم سنگرجی
- عبدالحسین ساه سر
- محمود اسرو آبادی
- فریدون مریمی راده
- محمد فاضل فاح بکی
- محمد مهدی نجات ابدام
- محمد اسداله نژاد رودنه
- محمد حسن صدرا ناچی
- رحمانه (اس) انصاری پور
- نوری نساگان
- سید (عباس) آقا پور
- علیرضا حنلی
- کاظم عدی
- علیرضا کاظمی
- علی حاتم راده
- ابرج حسن ما
- لطیف علیراده
- بروین کریمان
- اسحاق بابازاده
- مریمی دارانی
- زهره موسوی پور
- وحید نمک سر
- ستاره نافرزاده
- کورس پاک بین
- حمید ولادوست
- غلامرضا صفر نژاد
- محمد رضا جعفری
- مصور دهقانی

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

## ایجاد تشنج در قزوین عیدی به امپریالیزم و ضد انقلاب بود

در صفحه ۱۴

### برنده اصلی درگیری های رامسر، امپریالیسم امریکاست

طی روزهای اخیر شهر رامسر شاهد درگیری های وسیعی بین باندهای سیاه و بخش هایی از سپاه پاسداران با گروه های سیاسی چپ رو بوده است. بر طبق اطلاعات واصله یک تن از هواداران مجاهدین در این درگیری ها به قتل رسیده است. رادیو کیلان نیز اذعان کرده که یکی از اعضای بسیج در حوادث اخیر رامسر کشته شده است.

آغاز درگیری ها به هنگام رژه افراد اعزامی سپاه به جبهه، در شهر رامسر و حمله عده های عناصر معلوم الحال به نمایشگاه عکس گروه های سیاسی آغاز شد. پس از این حمله مجاهدین خلق و سایر گروه های چپ رو نیز به مقابله پرداختند و در نتیجه جو شهر به آشوب کشیده شد. آنچه در این میان قابل تاکید است، نقش فعال کمیته "باقرآباد" رشت در درگیری های اخیر رامسر می باشد. این کمیته تا کنون مسبب جنایات بسیاری بوده است. هواداران سازمان ضمن محکوم ساختن حوادث اخیر و عملکرد غیرمسئولانه سپاه و گروه های سیاسی چپ رو از جمله مجاهدین خلق به افشای نقش توطئه انگیز این کمیته پرداخته اند.

به دنبال این حوادث، تعداد زیادی از هواداران سازمان ما و سایر نیروهای سیاسی دستگیر شده و هم اکنون در زندان به سر می برند. همچنین به دنبال این حادثه تاسف بار، روابط عمومی سپاه پاسداران رامسر طی اطلاعیهای کوشید با تحریف واقعیت عملکردهای غیرمسئولانه سپاه را در دامن زدن به آشوب های این شهر از چشم مردم پنهان داشته و با تهمت و بهتان به گروه های سیاسی از جمله فدائیان خلق (اکثریت) افکار عمومی را علیه آنها متوجه سازد. پخش چنین جعلیاتی علیه سازمان ما اگر نشانه نفوذ دستها و قلم های مشکوک در سپاه پاسداران رامسر نباشد، نشانه آن است که مسئولین سپاه همچنان چشم های خود را به روی واقعیت بسته و به عبث می کوشند تا واقعیات را به نفع تنگ نظری های خویش تغییر دهند.

ما ضمن ابراز تاسف از بروز درگیری های اخیر در رامسر، برخوردهای تفرقه افکنانه سپاه پاسداران رامسر را شدیداً محکوم ساخته و شرکت نیروهای سازمان را در این درگیری ها تکذیب می کنیم.

## خبریکشنبه ۹ فروردین کیهان مبنی بر انشعاب در سازمان ما دروغ محض است

در صفحه ۲۲

## سوء قصد به جان آیت الله ربانی شیرازی را محکوم می کنیم

در صفحه ۱۵

## پیام نوروزی رفقای ما از زندان اوین

رفقای ما در زندان اوین به مناسبت نوروز ۱۳۶۰ کارت پستال هایی که خود نقاشی کرده بودند، برای خانواده و دوستان و رفقا ارسال داشتند. ما ضمن تقدیم رفیقانه ترین شادباش های نوروزی، کارت پستال زیبای آنها را به چاپ رسانیم:



## اول ماه مه روز تجلی وحدت و همبستگی جهانی کارگران را هر چه پرشکوه تر برگزار کنیم

اول ماه مه عید همبستگی کارگران سراسر جهان، روز تجلی وحدت اراده طبقه کارگر و نمایش قدرت بیکران اتحاد طبقاتی پرولتاریاست. روزی که کارگران سراسر جهان از هر نژاد و رنگ و از هر ملیت و مذهب، میثاق تاریخی شان را در تحکیم وحدت و مبارزه برای استثمار و ستم طبقاتی تجدید می کنند.

طبقه کارگر ایران با تحکیم هر چه استوارتر صفوف خود، با تقویت فزاینده اتحاد ضد امپریالیستی خود با دهقانان و زحمتگشان ایران و با تعمیق پیوندهای انترناسیونالیستی اش با کارگران و زحمتگشان سراسر جهان، این سنت انقلابی و تاریخی را پاس خواهد داشت.

مستحکم باد همبستگی کارگران و زحمتگشان سراسر جهان

## پیش قدمتش سوی تشکیل حزب طبقه کارگر